

است

وَلَا تَحْزَنُوا كَمَا تَحْزَنُوا سِوَا الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ الدَّائِمَةِ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنْكُمْ أَنْفُسَكُمْ بِالْثَمَنِ الْكَافِ الْأَعْلَىٰ لَكُمْ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ سَاهِبِينَ

سال دوم شماره ۵۳

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز
در رابطه با حوادث دانشگاهها
و تصمیمات شورای انقلاب

بنام خدا
برادران و خواهران دانشجویان
مردم مبارزان
در رابطه با حوادث روزهای اخیر در

بها ۲۰ ریال

انقلاب را بکجا میکشاید؟

● کنترل هرج و مرج و نامنی
بدون تغییرات در بنیادها و
روابط، نه آنکه ممکن نباشد
اما شما را تدریجاً به شیوه‌های
استبدادی شاه و سادات
میکشاند.

متصدیان انقلابی امور که از توقف حرکت
انقلابی آشفته مملکت و رشد ضدانقلاب
حسته شده‌اند. فکر افتادماند تا این بار
به ریشه مشکلات بپردازند و بجای
اصلاحات و تغییرات روبنایی و بحای رنگ و
روغن‌کاری یک یک بنای درهم شکسته و
متزلزل و گرنه، همه چیز را خراب کنند و
خانهای انقلابی و اسلامی بنا کنند. ولی
بلافاصله متوجه می‌شوند که در این راه
مزاچینی وجود دارند که باید قبل از هر
کار آنان از سر راه برداشته شوند. بقیه
تضایا متعاقب این تصمیمات و اقدامات
بوقوع پیوستند.

این روزها کشور ما صحنه حوادثی بوده
است که به بهانه ضرورت انجام یک انقلاب
فرهنگی پدید آمدند. درباره انگیزه‌ها و
ریشه‌های این حوادث در مقاله دیگری
صحبت شده است.
ولی دستگاههای اجرائی و مقامات
مسئول و اعضای شورای انقلاب و رئیس -
جمهور بنحوی از این مسأله صحبت کردند
و اعلامیه صادر نمودند که گویی تاکنون و
طرف سیزده ماه گذشته یا کسی متوجه
ضرورت یک دگرگونی کامل در جامعه نشده
بود و یا اگر هم چنین ضرورتی مطرح بوده،
آقایان دستشان از قدرت کوتاه و امکان
عملی تحقق این هدفها را نداشتند و
تازه حالا به قدرت و مسئولیت رسیدند،
و باز هم اینگونه وانمود می‌شود که جز
مصادر امور و بعضی گروههای وابسته بدان
مراکز هیچکس ضرورت چنین تحول بنیادی
را درک نمی‌کرده و بالاتر آنکه نمتنها درک
نمی‌کرده که سد راه هم می‌شده است. حالا

اما اجازه بدهید با انصاف و عطف
بیشتری حقایق را بازبینی کنیم:
چه کسی تردید دارد که جامعه
استبدادی و آریامبری هنوز از میکروبهای
بیماری یک نظام پرفساد و ظلم و استبداد
رهایی نیافته است. هنوز آثار شوم
اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استعمار و
استبداد و استعمار درهمه جا دیده
می‌شود.
عمر انقلاب کوتاه‌تر از آن بود که
دگرگونی‌های اساسی در شخصیت افراد و
در نظام اجتماع بوجود آورد، خود را گول
نزنیم، در طول یک ساله اوج‌گیری مبارزات
خونین علیه رژیم، چه کسانی، چه
قشرهایی از مردم درگیر مبارزه شدند و این
درگیریها تا چه اندازه عمق پیدا کرد؟ مگر
با تغییر نام و تغییر حکومت و قانون،
جامعه انقلابی می‌شود؟ و یا مردم عوض
بقیه در صفحه ۲

انقلاب در پرتو مکتب
(۶)

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب الله بیجان

هدفدار بودن خلقت، نشانه‌ای از نظم و قانونمندی در هستی

● بر تمام روند زندگی انسان قانون حاکم است و رابطه علیتی بین
اعمال و سرنوشت وی از همان نوع که در هستی می‌بینیم، برقرار
است.

این معنا را نمتنها قرآن به ما
می‌فهماند که مظاهر وجود تابع نظم و
قانون و سنت‌های لایتنیاریتند، بلکه
تجربیات و مشاهدات عینی هم آتراً مسلم
دانسته است.
پدیده‌هایی که مورد بررسی تجربی و به
اصطلاح علمی قرار می‌گیرند و قوانین ثابت
حاکم بر آنها کشف و معلوم می‌گردد،
بخشی از پدیده‌ها و مظاهر آن وجود
مطلقند. اگر مظاهر آن وجود مطلق همه
تابع سنت‌ها و قوانین ثابت‌اند، چه دلیلی
هست که بخشی را مشمول این اصل بدانیم
و بخشی را نه. مثلاً بگوئیم عناصر و پدیده
هایی چون هیدروژن، هلیوم، آت،
آمیب، درخت، اسیدولفوریک و آهن و...
تابع نظم و قانون می‌باشند، لکن انسان و

جامعه انسانی نه. اگر همه این پدیده‌ها
علیرغم تنوع و اختلاف و تکثر، منبعث از
یک واقعیت و اراده واحد و جهان
شمول‌اند، پس باید در پشت سر این تنوع
و تکثر و اختلاف یک قانون و نظم واحد
وجود داشته‌باشد.
مثلاً یکی از این قوانین عام، ضرورت
دائمی همه پدیده‌هاست. ضرورت بمعنای
گردیدن، شدن و تحول دائمی. قانونی
است ثابت، عام و جهان‌شمول، واقعیتی
است قابل درک و حتی تجربی.
اینکه قوانین حاکم بر حرکت پدیده‌ها
از چه راه بدست می‌آیند و شناخته می‌شوند
در اینجا مورد بحث نیست، بحث در
اینست که آیا قوانینی که ما درباره جامعه و
بقیه در صفحه ۶

انقلاب فرهنگی یا تمبرکز و انحصار قدرت؟!

انقلاب فرهنگی است یا وسیله‌ای برای اعمال فشار و تمبرکز و انحصار قدرت؟
انجمن‌های اسلامی دانشجویان آب به آسیاب لیبرالیسم و ارتجاع نریزد!

بوند خورده‌اند. دست به یک عمل
انقلابی بزنند.
اما برای مأمولوم بود که جریان‌های
اهداف و اغراض سیاسی خود را قصد دارند
با پوشش ظاهرالصلاح انقلاب فرهنگی و
ضرورت تغییر نظام آموزشی که مورد تأیید
همه دانشجویان و ملت مبارز ایران است
بقیه در صفحه ۱۱

انقلاب فرهنگی است یا وسیله‌ای برای
اعمال فشار و تمبرکز انحصار و قدرت.
انجمن‌های اسلامی دانشجویان آب به
آسیاب لیبرالیسم و ارتجاع ریختند!

هنگامی که دانشجویان عضوانجمنهای
اسلامی کار اشغال دانشگاهها را شروع
کرده، اعلام کردند قصد دارند برای
تصفیه و تغییر نظام آموزشی و کار در جهاد

آیا آمریکا و اروپا و ژاپن در برابر انقلاب ایران باهم تضاد دارند؟

بازی سیاسی امپریالیستها در برابر ایران

وجود دارد و بعضی میل دارند این قرائن
را نشانه یک حرکت استقلال طلبانه از جانب
اروپا و ژاپن علیه آمریکا تلقی کنند.
در بررسی صحت یا عدم صحت این

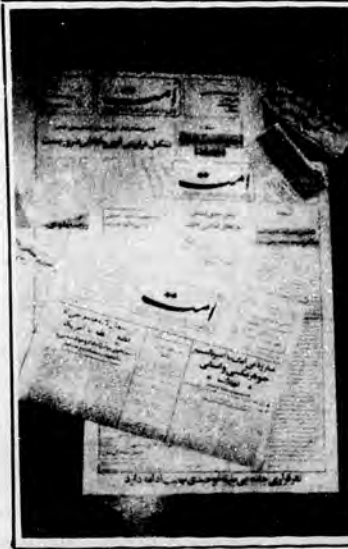
این روزها مرتب در اخبار جرائد
می‌خوانیم که آمریکا متحدین خود را برای
شکست در محاصره اقتصادی ایران زیر فشار
قرار داده و آنانهم تاکنون تسلیم فشار
آمریکا نشده و حاضر به تحریم ایران
نیستند. تبلیغات روی این مسئله بنحوی
انجام می‌شود که کوئی بین اروپا و آمریکا
در این زمینه یک اختلاف و تضاد عمیقی

این روزها مرتب در اخبار جرائد
می‌خوانیم که آمریکا متحدین خود را برای
شکست در محاصره اقتصادی ایران زیر فشار
قرار داده و آنانهم تاکنون تسلیم فشار
آمریکا نشده و حاضر به تحریم ایران
نیستند. تبلیغات روی این مسئله بنحوی
انجام می‌شود که کوئی بین اروپا و آمریکا
در این زمینه یک اختلاف و تضاد عمیقی

یکسالی که از انتشار «امت» گذشت

این تلاشها را در رشد آگاهی مکتبی -
سیاسی توده‌ها و تداوم مبارزه و انقلاب
جستجو میکنیم. از همان آغاز کار که با
استقبال گرمان، روبرو شدیم، نوشتیم
"احساس نیاز به ضرورت وجود نشریه‌ای
اسلامی، در وانفاسی انتشار رنگین نامه‌ها
و نتکن نامه‌ها که همه هم خود را مصروف
و حلق و قلب حقایق و حادثه آفرینی و
ناختنار به انقلاب اصیل و مردمی ما...
حیثیت روان ساختن حقایق قرآنی و تبیین
رسالت نیروهای انقلابی و اصیل اسلامی در
مرحله فعلی جنبش و شناساندن دوستان و
دشمنان خلق به توده‌ها و آگاهانیدن و
سیح آنان در دفاع از دستاوردهای
انقلاب اسلامی و ایجاد حلقه ارتباطی بین
نمای نیروهای پیشتار و مؤمن به آرمانهای
نیضت توحیدی و افشاء توطئه‌های
رنکارنگ ضد انقلاب، ارتجاع و عناصر
فرست طلب وادامه مبارزه برهبری امام
حمینی، تا برقراری مساوات عادلانه
اسلامی تنها محرک و یاور ما در انتشار
سریه امت" بود. چهارشنبه ۱۲
اردیبهشت ۵۸، امت شماره ۳

یکسال از انتشار هفده نامه امت
گذشت، سالی که شورای نویسندگان امت و
همه هواداران و علاقمندان جنبش
مسلمانان مبارز، نیروی خویش را بکار
گرفتند تا انتشار نشریه‌ای مکتبی - سیاسی



را بر پایه اسلام اصیل امکان بدیر سازند
هنگی در راه پیشبرد آرمانها و اهداف
انقلابی جنبش مسلمانان مبارز قلم زدیم.
انگیزه ما اینمان به مکتب انسان ساز اسلام و
برپائی نظام توحیدی بوده است، و یاداش

به استقبال روز جهانی کارگر برویم

روز جهانی کارگر را هر سال کارگران
جهان جشن می‌گیرند. در روز اول ماه مه
۱۸۸۶، اعتصاب و تظاهرات کارگران در
چند شهر آمریکا از جمله نیویورک، شیکاگو
و... توسط پلیس سرمایه‌داری به کلوله
بسته شد. در این میان چند کارگر جان
سپردند و تعداد فراوانی نیز زخمی شدند.
در سوم ماه مه همین سال که کارگران برای
مراسم تدفین یاران مقتول خود به قبرستان
رفته بودند، یکباره به محاصره پلیس
ضد خلقی درآمدند و طی زدو خوردی
عده‌ای مقتول و مجروح گردیدند.
سالروز این حماسه کارگری هر سال
توسط کارگران جهان بعنوان روز کارگر
جشن گرفته می‌شود تا یادآور دست‌های
سرنوشت‌ساز کارگر در انقلاب جهانی
محرومین باشد. ما نیز خود را برای
برگزاری هرچه باشکوه‌تر این روز آماده
می‌کنیم و تلاش و مبارزه خود را در به
تحقق رساندن حاکمیت محرومین و
مستضعفین بی‌باخاسته پیگیری می‌نمائیم.
بی‌شک انقلاب محرومین ادامه می‌یابد و
سرنجام در پهنشدت گلگون این کره خاکی
حکومت محرومین و ستم‌دیدگان در چهره
جامعه بی‌طبقه توحیدی برقرار می‌گردد.
ما در هفته آینده در برگزاری "روز
جهانی کارگر" کوشیده و تمام نیروهای
فکری و جسمی خود را در جهت باشکوه‌تر
شدن این روز بسیج خواهیم کرد. بامید
برگزاری هرچه باشکوه‌تر روز جهانی کارگر.
در ضمن روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت
به همین مناسبت برنامه‌ای در محل جنبش
مسلمانان مبارز برگزار می‌گردد.

انقلاب را بکجامیکشانید؟

بقیه از صفحه اول



می شوند؟ مگر با یک فرمان و دستور می شود عادات و روشهای کهنه را دور ریخت و نظم و آیینی نو در عمل پدید آورد؟ هرگز! خلاصت اگر انقلاب و جامعه انقلابی را در تغییر نامها و قوانین و شخصیت های رأس کار جستجو کنیم.

صریحا باید گفت که با تعاریفی که مکتب از انقلاب به ما می دهد، ما هنوز انقلاب نگردانیم. تغییراتی رخ داد، بسیاری نهادها و سیستمهای رژیم گذشته ضربه خورده است ولی ماهیت مناسبات و روابط بین مردم و نظام ارزشهای اخلاقی و رفتاری چندان عوض نشده است. قرآن در بیان تحولات انقلابی از یک زیروروشدن کامل از یک تمدیر یعنی انهدام کامل

دولتهای مترجم بعد از شهریور ۲۰ که بدلیل ماهیت ضد مردمی شان قادر به انجام اصلاحات اساسی نبود مردم نبودند. برای کسب وجهه و بخصوص وقتی سخت متزلزل و بحران زده بودند یک اضافه حقوق یا یک درجه ترفیع بیهمة گارمندان می دادند. با اینکار برای مدت کوتاهی محبوبیتی در میان مزد بگیران دولتی کسب و همگاری آنان را برای پیشبرد مقاصد خود جلب می نمودند. طبیعی است با این عمل، باعث افزایش تورم و گرانی می شدند و گارمندان عملا چیزی نصیبش نشده بود و دود این سیاست در چشم توده محروم می رفت. الانیم همان سیاستها ادامه دارد. درآمد گارمندان و کارگران افزایش می یابد اما

● وقتی در این یکسال که زمینه برای تغییر آماده تر بود، نتوانستید یک نمونه از کار و نظم اسلامی ارائه دهید، با این روش قطعاً در آینده هرگز قادر به اینکار نخواهید بود.

تنها قشرهایی از مردم که در طول مبارزه علیه شاه در صحنه نبرد خونین شرکت داشتند متناسب با مدت و عمق مبارزه عوض شدند، ولی بقیه قشرا و طبقات جامعه که اکثریت را تشکیل می دهند با همان روحیه و انگیزه، با همان خواستها و تمایلات و ضعفها، تنگ نظریها، خود خواهیها، و با همان آسودگیهای آریامبری و تن و روح طاعون زده، مشغول کار و زندگی هستید. نظام آموزشی و فلسفه حاکم بر تدریس چه تغییری کرده است؟ کدام نهاد واقعا اسلامی بعد از انقلاب در کشور پا گرفته است نشان دهید! وقتی در این یکسال که زمینه برای تغییر آماده تر بود و نتوانستید یک نمونه از کار و نظم اسلامی ارائه دهید، با این روش قطعاً در آینده هرگز قادر به اینکار نخواهید شد. الان سیستم گذشته چون مرداب عمیقی شما و نهادهای عصر انقلاب را بیدرون خود می کشد. با تعمیر و اصلاح کار انقلاب سامان نمی گیرد. مبارزه با گرانروشی، با اعتصاب، و احتکار، با این شیوه بی تاثیر است. کنترل هرج و مرج و ناامنی بدون تغییرات در بنیادها و روابط، نه آنکه ممکن نباشد اما شما را تدریحا به شیوههای استبدادی شاه و سادات می کشاند. در یک کلام بگوئیم که ما به انقلابی دیگر نیازمندیم کاری که شما تاکنون کرده اید ماهیت انقلابی نداشته و ندارد. اگر می گوئیم انقلاب اسلامی داشته ایم، نظمان بر حرکت انقلابی مردم است که جوهر مکتبی داشته و دارد، نه آنکه سیستم جامعه انقلابی و مکتبی شده است. مردم در مبارزه خود خواهان حکومت و نظام اسلامی بودند و هستند و لذا هدفشان زیرورو کردن کامل سیستم است. مردم با رژیم گذشته انقلابی برخورد

نظم کهنه سخن می گوید. در شرح همه انقلابات انبیا، پیروزی حق با نابودی کامل نظم پیشین همراه است. پیروزی نهضت های انبیا، بمعنای جابجائی قدرت نبوده است انقلاب توحیدی در مفهوم مکتبی همه آثار و روابط و نهادهایی نظم شرکاء بود را درهم می گوید. هیچ عنصر و عامل و نهادی از آسیب تیغ بر آن انقلاب مصون نمی ماند. اینهمه دم از انقلاب مکتبی نزنید در حالیکه مفهوم انقلاب توحیدی در عمل هرگز تحقق نیافته، یا معیار و مبنای عمل ما قرآن است یا نیست، یک بام و دو هوا که نمی شود، هم مدافع و پرچمدار انقلاب مکتبی باشیم و هم در عمل همه معیارها و ضوابط آنرا زیر پا بگذاریم. جامعه انقلاب زده در قرآن خرابه ایست، از نظم گذشته که بر روی آن بنای توحید برپا می شود فلکین من قریه اهلکنا مافسی ظالمه و هی خاویه علی عروشها و بر معطله و قصر مشید. "جد بسیار شهرها و جوامع که ما نابودشان ساختیم در حالیکه ستمگر بودند، با خاک یکسان کردیم، بر پایه های فروریختند شدند چاهها معطل ماندند و کاخها بلا صاحب اگر چاره و درمان یک نظام و جامعه ستمگر اینست که قرآن می گوید، یا باید نظام و رژیم آریامبری را از جوامعی که قرآن ذکر می کند کمتر آلوده به ستم و شرک و فساد بدانیم و یا اعتراف کنیم که ما هنوز انقلاب نگردانیم. زیرا همجا آثار ظلم و ستم و شرک رژیم شاه بچشم می خورد. اقتصاد بحران زده فعلی دنباله طبیعی اقتصاد بیمار زمان شاه است بی آنکه بکلی از میکروب بیماری خلاص شده باشد. ادارات و نظام اداری کماکان بر پایه گذشته می چرخد. بیگاری، تنلی، زندگی انگل وار تبعیضها، سفارش و پارتی بازی، خاصه - خرجی و قوم خویش و رفیق بازی، حاکمیت روابط و نه ضوابط اصول، بوی پوسیدگی و فرسنگ زدگی از همه حای آن بچشم می خورد.

همانند گذشته هر کس تنها در تلاش اضافه حقوق و درآمد و مزایا، نه کاری و وظیفه و نه احساس مسئولیت، همه از دولت طلبکار و دولت در مانده و بی معیار. صداهزار گارمند بی آنکه عملا کاری بسود جامعه انجام بدهند، در پشت میزهاشان معطل مانده اند. روح و جسم آنها می پوسد و پژمرده و بیمارتر می شود. در یکسال و چند ماه گذشته دولت موقت و دولت فعلی چه کردند؟ دولت گذشته که بر آن حفظ منافع گارمندان ادارات صورت می کرد و نظر آنانرا بخود جلب می نمود، بزرگترین اقدام انقلابی! اثر، دادن یک اضافه کار ماهیانه و تأکید رتبه های رژیم در حال سقوط گذشته بود. هر وقت هم از انقلاب اداری و قضیه ادارات و دگرگونی نظام اداری صحبت می شد، بجوش و خروش می آمد که شما می خواهید همه جا را به آشوب بکشید. مگر ادارات ما چه عیبی دارند، آن دولت در این زمینه راهی را پیش گرفت که در گذشته بسیار معمول بود.

● یک انقلاب فرهنگی بر اساس مکتب، چاره دردهای بی درمان انقلاب ایران است، ولی چه کسانی صلاحیت انجام انقلاب فرهنگی را دارند؟ ضوابط و معیارها و هدفهای آن چه باید باشند؟

آغاز شده که عوامل نکست قطعی را با خود دارد. مسئول ضربهای که بر مکتب وارد می شود چیست؟ نگاه به حمایت میلیونها مردم ننکند. این میلیونها مردم هنوز بخاطر اسلام و انقلاب مکتبی شان شما را می خواهند. شما را می خواهند چون جز شما همه را ضد دین، منافق، التقاطی و یا وابسته معرفی کرده اند. هم اکنون بجای روحانیت مبارز و انقلابی کار تصفیه و انقلاب فرهنگی بدست عناصر مترجم از روحانی و غیرروحانی افتاده است. تک - عناصری از روحانیون بیدار و آگاه فریادی می زنند که نمی گویم بی اثر است، ولی رشته گار بدست کسانی است که زیر پای روحانیت

نمی بیند لکن ذهن و قلبی که در سینه دارند گور و بی ادراک است. نظام اقتصادی گذشته در تولید و توزیع پابرجا مانده، صنایع مونتاژ و وابسته مدیران و کارفرمایان پیشین در کار، همان سیاست دستور تولید و اداره کارگاه با این تفاوت که زیر فشار اقتصادی دولت و شرکتهای خارجی و هرج و مرج و خرابکاری عمال داخلی شاه هم هستیم. توزیع کالا همچنان در دستهای واسطه ها و دلالان پول پرست و متجاوز و مردم همانند گذشته مظلوم و بی پناه. کسی نمی گوید که شما نمی خواهید به کارها سرو سامان بدهید، می گوئیم راه را عوضی رفتاید. ریشه و علت را رها کرده چون گذشته به معلولها پرداخته اید، با شلاق و دادگاه درست مثل رژیم شاه می خواهید با گرانی مبارزه کنید، آنهم بصورتی نیم بند و متزلزل و مرد.

چوب بستهای اصلی رژیم گذشته دست نخورده مانده اند. آجرها و بعضی دیوارها فروریخته و بجای آنکه اسکلت و شالوده ها را هم ویران و اساس و بنیان تارهای را بی ریزی کنید، سعی می کنید، دیوارها را تعمیر و آجرها را سرچاشن قرار دهید. شاه اینکار را با خونسخت و استبداد و با تمام قدرت خود انجام می داد و اگر قرار بود این راه حل نتیجه بدهد، قطعاً شاه در کار خود موفق تر از شما بود. بارها گفتیم و نوشتیم که از سرنوشت رژیمهای چون رژیم سادات عبرت بگیرید، شکست این تجربه با معیارهای مکتبی قطعی است. تردیدی نداشته باشید. بر اساس وضع موجود نظام اسلامی و جامعه توحیدی بنا نخواهد شد که هیچ، دائما از آنچه هم بدست آوردیم دورتر خواهیم شد. شما را

● این همه دم از انقلاب مکتبی نزنید در حالیکه مفهوم انقلاب توحیدی در عمل هرگز تحقق نیافته.

را هم خالی می کنند. این نحوه دفاع از دین و از روحانیت قطعاً به زیان هر دو است. این بدترین شکل و حتی خطرناکترین شکل دفاع از دین و روحانیت است. توده مردم مسلمان و آرزومند ما بالاخره چشم باز می کند و آشی را که بنام جامعه و حکومت اسلامی برایش می پزید می بیند و می چشد. این حقیقت را بپذیرید که نظام و سیستم کنونی محکوم به شکست است. توان حل مشکلات و تضادهای جامعه را ندارد. نظام کنونی قادر به حل بحران بطور اساسی نیست، سیاست خارجی ما ماهیت

انقلابی و مکتبی پیدا نکرد، سیاست اقتصادی ما در زمینه صنایع و تجارت و توزیع همینطور. اگر این سیستم شکست بخورد، چون نام اسلام را با خود یدک می کشد چون حمایت شما پشت سر آنست ضربهای به اسلام و به شما هم می خورد. اما انقلابی فرهنگی لازم است. اما قبل از همه علیه خودمان. علیه روایتی که بنام اسلام بوجود آوردیم، علیه نهادهایی که بنام انقلاب و اسلام پدید آوردیم، علیه مسئولین و متصدیان که بنام اسلام، ارتجاع و سرمایه داری را تبلیغ می کنند، علیه مسلمانان قشری. اگر انقلاب خود را دگرگون نکنیم، قادر به اصلاح و تغییر جامعه نخواهیم بود. ذات ناپافته از هستی بخش، گئی تواند که شود هستی - بخش.

مردم در طول یکسال و چند ماه گذشته بهترین فرصتها را به شما داده اند. بعدها تاریخ شما را بازخواست و محاکمه خواهد کرد. آمادگی و فداکاری توده برای همکاری و مشارکت و تحمل و صبر بی سابقه است. اگر می خواهید می توانستید توفان خشم و ایقان توده را که یکشبه کاخ و قلعه شاه را در هم گوید علیه بقیه قلعه ها و کاخهای ستم، فساد، خودسری، استثمار و استعمار بگرا برد. این توفان قادر بود کاری را که انبیا می کردند، نسبت به رژیم ظالمانه و مشرک قلبی انجام دهد. قصرهای ظلم و فساد را در هم گوید. عناصر طاعون زده را نابود کند و بیماری را ریشه کن نماید. تردید نیست که بنا به سنت الهی و قوانین تاریخ مردم مسلمان ما روزی فرمان خدا را اجرا خواهند کرد و انقلاب را تحقق خواهند داد و تارویود نظامات پوسیده و شرکاء بود را بهم خواهند پیچید. این نهادها هر اندازه هم رنگ و لعاب اسلام بر خود بزنند یاری مقاومت در برابر تقدیر تاریخی ندارند. این تقدیر که از استین توده های مومن و باتقوی بیرون می آید، و قدرتش در بازوی محرومان و مستضعفان از صالحان تبلور پیدا می کند، سرانجام کار خود را خواهد کرد. چنان انقلابی که ماهیتی مکتبی و الهی دارد و خشم خدا در خشم توده های بیخاسته اش تبلور و متجلی است، به هیچ عامل بازدارنده و واپس گرایی رحم نمی کند.

ممكن است بفکر یک انقلاب فرهنگی بیفتید هدفی از این مقدس تر و ضروری و فوری تر هم اکنون نمی توان یافت. یک انقلاب فرهنگی بر اساس مکتب، چاره دردهای بی درمان انقلاب ایران است. ولی چه کسانی صلاحیت انجام انقلاب فرهنگی را دارند؟ ضوابط و معیارها و هدفهای آن چه باید باشد؟

اگر قرار باشد انقلاب فرهنگی هم حریمهای بدست واپس گرایان شود تا علیه نیروهای مترقی بگرا بزند، مسلمانان بیش از منفعت آنست.

مهمتر از هر چیز باید بینش موجود نسبت به انقلاب و مبارزه با امپریالیسم بقیه در صفحه ۳

تابرقراری جامعه بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

آیا آمریکا و اروپا و

بعده از صفحه ۱

ناری سیاسی و جنگ زرگری است و بین اروپا و ژاپن از یکسو و آمریکا از سوی دیگر در مقابله با انقلاب ایران تضاد و اختلاف اصولی وجود ندارد؟

دوم - باید دید بعضی وجود اختلاف و درستی این نظر که گویا اروپا و ژاپن منافع متضادی با منافع آمریکا دارند و می‌خواهند مستقل از آن بر قدرت عمل کنند، آیا بالنسبه به انقلاب ایران و سایر بهمنهای آزادیبخش، ماهیت و عملکرد آنان با هم متفاوت است؟

بعضی مثلا می‌گویند آمریکا امپریالیست و تجاوز و سلطه‌جویست و اروپا فاقد ماهیت استعماری و امپریالیستی است. چون اگر برای اروپا و ژاپن، بفرض قبول استقلال و سلب زور از آمریکا، ماهیت استعماری قائل باشیم و آنان منافع استعماری در کشورهای زیر سلطه نظیر ایران نداشته باشند، قاعدتا این نظریه و گرایش سیاسی درست است که برای ناسیونالیست‌ها و سلب‌جانی خود می‌توان بجای آمریکا، به اروپا و ژاپن روی آورد؟ و با اینکه ما از وابستگی به امپریالیسم آزاد می‌شویم، بدون آنکه تن به وابستگی جدیدی داده باشیم و حتی وانمود می‌شود که روی آوردن به اروپا و ژاپن برای ناسیونالیست‌های فوق بر نزدیکی و مرادوبه با کشورهای اتحاد شوروی ترجیح دارد و یا واضحتر بگویم گفتار این گرایش قبول این فرض است که وقتی گفته می‌شود، نه شرقی و نه غربی، منظور از شرق شوروی توسعه‌طلب و منظور از غرب آمریکا امپریالیست و در این وسط کشورهای وجود دارند مثل ممالک اروپایی در غرب و ژاپن در شرق که به این دو بلوک وابسته نیستند و قدرت سومی محسوب می‌شوند که نه امپریالیست‌اند و نه توسعه طلب و اشغالگر، بلکه با ملتهای آزاد و یا

استعمارگر غرب در اوایل انقلاب، در یک کنفرانس (کوادلوپ) و نشست محرمانه، خط مشی واحد و مشترکی در مقابله با انقلاب ایران اتخاذ کردند و معتقدند همچنان بر اساس آن تصمیمات عمل می‌کنند.

یکی از مهمترین تصمیمات این کنفرانس این است که خشونت علیه انقلاب ایران بکار نرود. دلیل، با توجه به کیفیت وضع نیروهای داخلی و برتری نسبی جریانات معتدل و میانه و سازگار و مرتجع نسبت به نیروهای انقلابی و با توجه به عملکرد و شیوه سیاسی و رهبری امام خمینی کاربرد هر نوع خشونت مستقیم، یعنی حملات نظامی مستقیم، اقدام به کودتاهای زودرس، محاصره کامل اقتصادی، ۱ - تعادل اوضاع را به زبان جریانات محافظه کار و اصلاح طلب یا سازگار و مرتجع و به نفع نیروهای انقلابی و خط امام خمینی بر هم می‌زند. ۲ - سیستم اقتصاد وابسته را در هم می‌ریزد. ۳ - در جریان نفت که خون صنایع جهان سرمایه‌داری محسوب می‌شود، اختلال جدی پیدا می‌شود. ۴ - ملتهای منطقه در هله اول و سایر ملل زیر سلطه تحریک شده، دست به شورش و قیام می‌زنند و سرانجام منافع حیاتی امپریالیسم و سرمایه‌داری نه تنها در ایران، که در هیچ‌دلیلی در دست نیست که در این گیری جاسوسان آمریکائی توسط دانشجویان مسلمان بیروخط امام، ظاهرا "میتوانست با ایجاد عکس‌العمل‌های تند و احساسی در آمریکا، این طرح را در هم بریزد و موجب انحراف از خط مشی مصوبه شود، لکن خطاست اگر تصور کنیم سیاستمداران آمریکا بخاطر تسکین احساسات و جبران ضربات که به غرورشان وارد شده، عکس‌العمل‌های

● برای ما آمریکا و اروپا و ژاپن فرقی ندارند و تضاد واقعی بین

آنها کلامی موهوم است و اگر رقابتی و اختلافی است در غارت

منابع و استثمار ملتهاست، نه در انگیزه و هدف یا ماهیت.

نشان دهند که منافع عظیم اقتصادی - سیاسی و استراتژیک آنانرا در جهان برهم بزنند. البته اگر سرکوبی انقلاب ایران در یک حرکت سریع امکان‌پذیر بوده و کاربرد خشونت و اقدام نظامی، آن نتایج را بیار نمی‌آورد. به اعتقاد ما آمریکا تردیدی نشان نمی‌داد و همان ماههای اول دست به اقدام می‌زد.

لکن برای امپریالیسم منافع اقتصادی بالاتر از هر چیز است، کنار آمدن با شوروی با چین، با کوبا و بسیاری عقب نشینی‌هایی که با تضادهای ایدئولوژی و روحیه قدرت‌طلبی و غرور و احساس خود - برتری مغایرت دارد، جز با ماهیت دادن به منافع اقتصادی قابل توجه نیست.

چنانکه از روز اول امام هم متوجه شد، آمریکا در برابر انقلاب ایران هیچ غلط مهمی نمی‌تواند بکند. این تهدیدها بقول معروف بلوف است. صرفاً تهدید است برای بهره‌برداری سیاسی، دیدیم یک سلسله تهدیدهای جدی و عربده‌کشی - های کاتر و سایر زمامداران، و درست در همانحال که می‌گفتند آمریکا کشنی‌ها و ناوهای خود را به آبهای خلیج فارس گسیل کرده، در خفا دلال و واسطه می‌تراشیدند و کمیسیون حل اختلاف می‌ساختند و با "مسئولین امور" در تهران در تماس و گفتگو بودند، حالا هم عینا مثل گذشته آمریکا ابتلا هارت و پورتنی کرده و می‌کند و قطع رابطه سیاسی برای تسکین دل نازک! آمریکا کشنی‌ها و بهره‌برداری در انتخابات ریاست‌جمهوری و حتی درست در گرم‌گرم همین جنگهای زرگری بقول شیرازیهها "دو آمدن" سرگرم اعزام دلالان تازه هستند و از والد‌ها برای شروع فعالیت‌های مجدد میانجی‌گری، (واسطه‌گری) که شغل شریف ایشان است و در اینکار گویا خیلی می‌متخصصی! هستند، تقاضای اقدام می‌کنند.

نقش اروپا روشن است، هر دو در یک خط اصلی حرکت می‌کنند، با عملی کردن تهدیدهای نظامی و تحریم کامل اقتصادی که قطعاً منجر به قطع جریان نفت به غرب می‌شود مخالفتند، اما آمریکا بیشتر برای تأثیر روی جو اذهان آمریکا کشنی‌ها و تاحدودی ایجاد زمینه سازش تهدید می‌کند ولی اروپائیها تأکید نمی‌کنند، زیرا اگر تأکید کنند، بلافاصله باید اقدام مشترک آغاز شود و این کار با منافع اساسی و حیاتی آنان مغایرت دارد. در همانحال همه شواهد دال بر همبستگی کامل دول استعمارگر اروپائی و ژاپنی با آمریکا است. قسمت اعظم صنایع و سرمایه‌های

موجود اروپا و ژاپن متعلق به شرکت‌های آمریکائی است. اگر چه ظاهرا نفت ایران به آمریکا نمی‌رود اما این حرف بی‌معناست بلکه نفت ظاهرا" و چنانکه ادعا می‌شود در سواحل کشور آمریکا تحویل نمی‌شود لکن در سواحل صناعی که متعلق به آمریکا است و در سراسر اروپا و ژاپن و کشورهای متحد دیگر جریان دارد. سهام کمپانیهای بزرگ نفتی که تولید و توزیع و فروش نفت را برعهده دارند، و هرروز میلیونها دلار سود ویژه بحسب می‌زنند، غالباً متعلق به آمریکا - شپهاست. پس حیات اقتصادی و بولی آمریکا بطور جدی با حیات اقتصادی اروپا و ژاپن گره خورده است و میباید دارد. هر ضربه به منافع اقتصادی صنایع اروپائی و ژاپنی و از بین رفتن بازار فروش و مایع تهیه مواد اولیه و خطوط ارتباطی این ممالک مستقیماً ضربه‌است به حیات

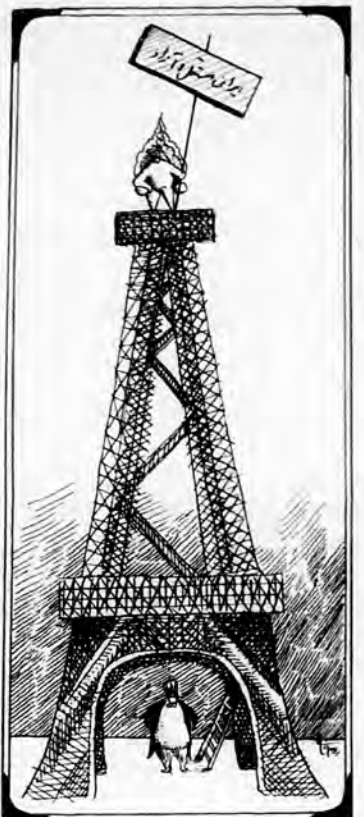
مشترک آنها کردند. اکنون هم دول استعماری آمریکا، اروپا و ژاپن، همه ماهیت مشترک دارند، همه استعمارگر و تجاوززود و علیرغم اختلافات و رقابت‌های جزئی در برابر ملتهای زیر سلطه و نهضت‌های آزادیبخش و منافع مشترک دارند و صف متحدی را تشکیل می‌دهند. اگر روزی بجای آمریکا - آلمان، فرانسه، ایتالیا یا ژاپن در ایران نفوذ کنند، چه تغییری را در زندگی خود نماند انتظار داشته باشیم، تغییری از آن نوع که از نفوذ بیشتر آمریکا بجای انگلیس رخ داد؟

این حرف که ما می‌توانیم در آزاد شدن اروپا از سلطه و یوغ آمریکا به آنها کمک کنیم، معنایی جز این ندارد که ما می‌توانیم به اروپا کمک کنیم تا سهم بیشتری در غارت کشورهای زیر سلطه نسبت

استعماری و امپریالیستی مستقل از آمریکا تبدیل شود و بدون پیوند با آن به رقابت برخیزد و ما با میدان دادن و راه دادن به آنها در رسیدن به این هدف با ریشانه می‌کنیم - اولاً در شرایط اجتماعی - تاریخی کنونی این هدف کاملاً ذهنی - تخیلی است زیرا مستقل شدن شرکت‌های اقتصادی و صناعی و سیستم بولی کشورهای استعماری (امپریالیسم جهانی) اگر ممکن باشد به نابودی امپریالیسم و جهان سرمایه‌داری منجر خواهد شد.

ثانیاً - بفرض که چنین امری مسیر باشد، برای ما چه فرقی می‌کند که زیر سلطه امپریالیسم اروپا یا ژاپن باشیم یا آمریکا. اگر صرف مستقل بودن از آمریکا امتیازی محسوب می‌شود، پس چرا زیر تسلط شوروی نمی‌رویم؟ شعار نه شرقی و نه غربی مفهوم

اقتصادی آمریکا، آمار و ارقام در نماند این - پیوند مشترک زیادند.



و اما فرض دوم که اروپا حقیقتاً خواهان استقلال از آمریکا است، و چون ماهیت متفاوتی با آمریکا دارد، استعمارگر و تجاوزگر و غارتگر نیست، می‌شود آنرا جایگزین آمریکا کرد.

آیا وضع اروپا و ژاپن در برابر آمریکا مشابه وضع ملت ما و سایر ملل زیر سلطه در برابر آمریکا است؟ آیا سیستم اقتصادی - سیاسی این ممالک اساساً با سیستم اقتصادی - سیاسی آمریکا تفاوت دارد؟ اقتصاد آلمان در اروپا و ژاپن در خاور دور همانند آمریکا توسط شرکت‌های بزرگ چند ملیتی اداره می‌شود. سرمایه‌داران نیض تولید و توزیع را در دست دارند، بانکها و سیستم مالی‌شان چنان با هم پیوند خورده که هرگز قابل تجزیه و تفکیک نیست. در زمان شاه که ایران جولانگاه غارتگری کمپانیها و دول استعماری بود، چه تفاوتی بین شرکتها و موسسات آمریکائی و آلمانی و فرانسوی و انگلیسی، ایتالیائی و ژاپنی وجود داشت. البته در چارچوب منافع مشترک و رقابت‌های بین آنان هست، در این واقعیت تردید وجود ندارد ولی رقابت دارند در غارت ممالک ضعیف، در استخراج و استثمار مواد اولیه در تسلط بر بازار، در صدور سرمایه و استثمار کارگران، در نفوذ و سلطه بیشتر، والا در سیاست سلطه‌جویانه و نفیظلبانه، کمترین اختلافی بین آنها نیست. زمانی انگلیسها در ایران نقش اول را در غارت کشور ما داشتند. آمریکا کشنیها در رقابت با انگلیسها برای جایگزینی بودند. بعضی آن‌موقع ساده - لوحانه می‌پنداشتند آمریکا از قماش دیگری است، چون زخم کارد زهرآگین آنرا بر پوست و گوشت خود تجربه نکرده بودند. اما دیدیم که وقتی آمریکا کشنیها نفوذ کردند در ماهیت، نه فقط با انگلیسها تفاوت نداشتند که شوروتر، بیرحم‌تر و جریمن‌تر هم بودند و علیرغم آن اختلاف و رقابت در برابر نهضت ملی ایران و مقاومت دکتر مصدق موضع واحد و

● ادعا میشود که اروپا - در حقیقت دولتها و سیستم‌های اروپائی و ژاپنی - همانند ملتهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مایلند از زیر سلطه امپریالیسم آمریکا خارج شوند، یعنی آنها در وضعیت مشابهی با ملت ما هستند، با امپریالیسم در تضاد و با ما سخنیت مشترک دارند!!

جغرافیائی ندارد، مفهوم مکتبی ندارد و مغایر با هر نوع وابستگی استقلال‌شکن است.

ملت ما طی بیش از یک قرن سلطه مستقیم و غیرمستقیم دول استعماری و خصوصاً با تجربه دوران سلطه شاه و رژیم فاسد و ستمگر و طرفدار تلخ نفوذ و غارتگری شرکت‌های استعماری آمریکائی - اروپائی و ژاپنی را چشیده‌است و هیچ تفاوتی در ماهیت منفعت‌طلبی این کشورها نمی‌بیند. مبارزه ما علیه امپریالیسم است و آمریکا سرزده امپریالیست‌ها است. برای ما آمریکا و اروپا و ژاپن فرقی ندارند و تضاد واقعی بین آنها کلامی موهوم است و اگر رقابتی و اختلافی است در غارت منابع و استثمار ملتهاست، نه در انگیزه و هدف یا ماهیت.

والسلام

در منطقه فلاحیه چه گذشت؟

بقیه از صفحه ۴

خود را نسبت به انقلاب از دست ندادند بلکه با تکیه بر عشق پاک خود به رهبری انقلاب، مبارزه با امپریالیسم آمریکا را تنها راه نجات و رهایی خود تشخیص دادند. رژیم گذشته که هدفش تبدیل کشور به بازار مصرف کشورهای امپریالیستی بود، کشاورزی منطقه فلاحیه را از بین برد بطوریکه عده زیادی از کشاورزان برای امرار معاش به کویت رفته و به کارگری می‌پرداختند یا در بنادر خرمشهر (محصره) مشغور و بندر امام خمینی به استخدام شرکت‌های بیمانکاری خارجی درآمدند. بعد از انقلاب در پی تعطیل اغلب شرکت‌های بیمانکاری، عده زیادی از این کارگران بیکار شده و به فلاحیه زادگاه خود برگشتند و چون بر طبق شناسنامه، اهل فلاحیه بودند، نتوانستند از وام تبعیدی که در خرمشهر (محصره) و بندر معشور به بیکاران پرداختند استفاده نمایند. مقامات مسئول در فلاحیه نیز چون بودجه‌ای برای این منظور نداشتند، آنها را به شهرهای دیگر حواله می‌دادند. بیکاری همراه با سیر صعودی قیمت‌ها فشار زیادی به بیکاران می‌آورد. سبل اخیر نیز که بیش از ۶۰٪ مزارع را از بین برد، مزید بر علت شد. آنان در همه این بدبختی‌ها سهل‌انگاری مسئولان را عامل اصلی می‌پنداشتند و بهین علت کینه شدیدی نسبت به سیستم اداری بدل گرفتند. آنان اظهار می‌داشتند که اگر مسئولان به حرف مردم توجه می‌کردند، سبل اخیر تا این حد خسارت

فقر شدید مردم عرب منطقه چه در شهر و چه در روستاها، فقدان حداقل نیازهای زندگی و نیز تبعیضات نژادی فرهنگی فراوان همواره زمینه مساعدی برای حرکت‌های ناسیونالیستی در این منطقه بود. این حرکت‌ها در حکومت جابرانه پهلوی انعکاس ظلم و ستم بیحدی بود که بر خلق عرب وارد می‌شد و بعلت اختناق شدید و عدم تماس با دیگر خلق‌های مبارز ایران برای رهایی از سلطه استبداد، تحزب‌طلبانه وانمود می‌شد و بی‌رحمانه سرکوب می‌گشت. پس از انقلاب، خلق عرب بعلت خفقان ۵۰ ساله پهلوی و احساس خلاء سیاسی، فرهنگی دست به تاسیس مراکز جهت شکل خویش زد که در در برابر سرمایه‌داران و عوام‌لشان این حرکت سرکوب شد. از آنجا که سرمایه‌داران و استثمارگران منطقه، رهایی این خلق را بر ضد منافع خود می‌دیدند، با کمک عوامل مزدور به سرکوب این مبارزان پرداختند و عده زیادی از مردم بیگانه را قربانی منافع خود نمودند. اولین نتیجه این سرکوب تشکیل گروه‌های خرابکار و وابسته به بیگانه بود که آگاه یا ناآگاه با انفعال لوله‌های نفت، آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزیدند و عملاً در جهت تحقق نقشه‌های شوم امپریالیسم گام برمی‌داشتند. اما اکثریت عظیم این خلق نه تنها ایمان

انقلاب را

عوض شود. اینهم مستلزم یک کار عمیق و مبارزه درازمدت مکتبی است و این راه دشواری است که ما در پیش داریم. وقتی می‌خواهی بر اساس معیارهای مکتب حرکت کنی از هر سو مورد حمله دشمنان رنکارنگ قرار می‌گیری. اگر ما زیر ضربات فشارهای شدید هستیم، اگر مرتجعین ساده‌دلان را تحریک می‌کنند تا به دفاتر ما حمله کنند و شعارها و تابلوها را پاره نمایند، اگر از هر سو علیه ما سندان‌ساز و افشاگری! می‌شود و باران تهمت و افترا بر سرمان می‌بارد، اگر تحریکات علیه ما یک لحظه قطع نمی‌شود، همه دلیل آنست که می‌خواهیم به اصولمان و به آرمانهای مکتب وفادار باشیم و حق را علیه هر کس که باشد با شجاعت بگوئیم. ما زمامان را ادامه خواهیم داد و امیدوار به یاری حق و همه نیروهای حق‌طلب و پای‌بند به مکتب هستیم. والسلام

اوج استثمار در کوره پزخانه‌ها

کوره پزخانه‌ها و به عبارت بهتر اردوگاههای کار اجباری، یکی از نادرترین واحدهای کارگری است که استثمار را در نهایت خود نشان می‌دهند. استثمار و بهره‌کشی کارفرمایان از کارگران کوره در تولید هرچه بیشتر آجر، جدی است که تنها با نماندن با آنها و لمس کردن فشار کار در آن امکان پذیر است.

این استثمار و بهره‌کشی با رشد بیمارگونه ترکیبهای ساختمانی و کارهای ساختمانی در سالهای گذشته افزایش چشمگیری داشته است به به علت اینکه کارفرمایان خود بصورت مستقیم در کار ساختمانی دست داشته و از این طریق نیز نیازهای فعالیتهای ساختمانی خود را بنسب بر کارگران کوره قرار می‌دهند. خیل عظیمی از کارگران کوره و ساختمان در سلطه استثمار آن قرار می‌گرفتند. اما پس از پیروزی مرحله اول انقلاب، به علت کاهش آهنگ رشد کارهای ساختمانی فشار کار کمتری بر کارگران کوره وارد می‌شد، که البته این فشار کار کمتر نسبت به علت بهبود وضع کارگران نشد، بلکه به علت بیگاریهای تنوعی از لقمه‌هایی که قبلا نیز بدست می‌آوردند محروم گردیدند.

باید اضافه کرد که زمینهای زیرساز کوره‌ها اکثرا زمینهایی بوده‌اند که توسط فئودالها و زمینداران با قیمت بسیار نازل به صاحبان کنونی کوره‌ها فروخته شده است که البته این زمینها در حقیقت از آن کشاورزان و روستائیان تحت ستم می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت که در کوره پزخانه‌ها استثمار مضاعف حاکم است چرا که از یک سو کارگری که در این کوره کار می‌کند، کشاورزی است که زمین خود را از دست داده و هم اکنون در حال بیگاری در کوره و به عبارت دیگر در زمین خود اما بشکلی دیگر، و از یک طرف در محل کار خویش تحت استثمار کارفرمای کوره قرار دارد.

حقوق کارگران در اکثر کوره پزخانه‌ها بر اساس کار فردی است به این ترتیب که هر قدر کار کنند، به همان اندازه حقوق و مزد دریافت می‌کنند. البته در این مورد سرمایه‌دار فقط کار یا محصول سالم را حساب می‌آورد و محصول و کاری که کارگر ساخته را اگر نپسندد قبول نمی‌کند. مثلا در کوره پزخانه بر اساس هر هزار آجر که از کوره سالم بیرون آید، کارفرما کارمزد را به کارگر می‌دهد. این شیوه از پرداختن مزد، یکی از حیل‌های قدیمی کارفرمایان و سرمایه‌داران بوده، بسیار مورد علاقه‌شان می‌باشد. چون دیگر محبور نیستند که دائم کارگر را سرکشی کنند. زیرا کارگر مواظب می‌شود که کار را خراب نکند و یا محصول خوبی تحویل دهد که پایش حساب بشود. علاوه چون کارگر هرچه بیشتر محصول تحویل دهد، بیشتر پول می‌گیرد، ساعات بیشتری کار می‌کند، نندرت کار می‌کند و با بقیه همکاری رقابت نیز نمی‌نماید.

در جهت اینکه مسائل گفته شده فوق، بصورت عینی مطرح گردند گزارش کوتاهی از یک کوره پزخانه ارائه می‌دهیم:

کوره پزخانه تیناب

این کوره حدود ۵ سال پیش توسط مهندس دستگیر در منطقه کوآر (استان فارس) ساخته شده که البته ایشان شرکت ساختمانی نیز دارد. حقوق کارگران نسبت به سود حاصله، بسیار کم است. به این ترتیب که روزمزدها ۵۰ تا ۵۵ تومان در روز می‌گیرند و کارمزدها، به ازای هر هزار آجر ۳۰ تومان دریافت می‌دارند.

از لحاظ بهداشتی همانطور که گفته شد، در سطح بسیار پایینی قرار دارد، برای مثال از لباس کار، حمام، اتاق رختی، و نباید در دست اشخاص خاصی باشد. ولی شکایات اثری نکرد و سرهنگ شکرانی یا بولدوزر به زمینهای مزروعی حمله ور شده که با مقاومت مردم روبرو شد و در این حادثه سرهنگ شکرانی زخمی شد که توسط خود دهقانان به بیمارستان برده شد. بعد از این حادثه بدستور سرهنگ شکرانی ۲۰ زندان مسلح با رئیس پاسگاه وقت محمودآباد وارد روستای چهار افرا شدند و زن و فرزند کشاورزان را مورد ضرب و شتم قرار دادند که در اثر فشار مامورین مردم از ده خارج شدند و به دهات اطراف گریختند و این مسئله تا ۱۵ روز ادامه داشت ولی مامورین ۸ نفر از اهالی ده را در دهات مجاور دستگیر کردند و بدون محاکمه حدود ۲ ماه زندانی کردند که در اول دستگیری شکنجه‌های زیادی روی این افراد انجام دادند. بعد از حادثه حدود ۲ ماه در ده حکومت نظامی توسط ۱۱ تن نظامی پاسگاه اجرا گردید که مردم از این وضع به تنگ آمدند و دستجمعی به تهران رفته و شرح حال خود را در دفتر روزنامه کیهان بیان کردند.

در آذر ماه ۴۵ سرهنگ شکرانی سه نفر

حتی یک بواله و نیز آب آشامیدنی محروم شد. در این کوره و اتمال آن بطور کلی مطرح نیست که یک کارگر باید ۸ ساعت بطور معمول کار کند، بلکه بر اثر حقوق کم و بالا بودن هزینه‌های زندگی کارگران مجبورند از صبح ساعت ۴ تا بعد از ظهر ساعت ۴ کار کنند. می‌توان گفت قوانین کار دوران طاغوت نیز در این واحد پیاده شده است.

گفتگو با کارگران

در صحبتی که با یکی از کارگران داشتیم، کارگر مزبور می‌گفت، ما در جهت گرفتن حقمان، چندین بار تا بحال اعتراض کرده‌ایم، اما هر بار با تهدیدهای کارفرما منتهی بر اینکه اگر نمی‌خواهد کار کنید من از شهر کارگری افغانی می‌آورم روبرو می‌شدم با اینکه اگر اعتراض می‌کردیم که آب نداریم قصد کتک زدن ما را می‌کردند. در مورد اضافه حقوق، کارگر مزبور افزود: بعد از مدت‌ها اعتراض و تلاش، بالاخره کارفرما یک تومان به حقوق ما اضافه کرد. البته با تاکید بر اینکه اینها اضافه حقوق نیست بلکه انعام است!

البته همانطوریکه در گزارش قبلی آمده بود، در جهت رفع این مشکلات و برآوردن خواسته‌های کارگران، در حدود ۶ ماه پیش از کارفرمایان خواستیم که به اداره کار جهت پاسخگویی بیایند، که در جلسات با آنها تعهد دادند که در ظرف ۳ ماه آینده تمامی خواسته‌ها را برآورده کنند. اما متأسفانه به علت عدم بی‌گیری اداره کار هنوز که هنوز است هیچ اقدامی در جهت رفع این مشکلات انجام نگرفته است.

نظرات پیشنهادی:

همانطور که گفته شد، ریشه اصلی این مشکلات، کارمزدی کارگران و متغیر بودن آنان در یک واحد مشخص است، بنابراین در این جهت که بتوان مشکلات فوق را حل نمود، بایستی کارگران کوره استخدام رسمی شده، شمیبه دیگر کارگران زیر پوشش اداره کار قرار بگیرند. به این ترتیب است که اولاً همیشه در یک کوره باقی مانده و نانیاً براساس قوانین کار ۸ ساعت در روز کار می‌کنند و حقوق ماهیانه دریافت می‌دارند. در این زمینه مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی باید از پشت میزهای خود بیرون آمده در تماس دائمی با کارگران مشکلات آنان را لمس کرده و در جهت حل آنها برآیند. از لحاظ بهداشتی بایستی هرچه زودتر حمام، لباس کار، دستکش، توالت، اتاق رختکن، آب آشامیدنی، وسایل بهداشتی و درمانی اولیه، فراهم شده و کلیه کارگران زیر پوشش بیمه نیز قرار گیرند.

در منطقه فلاحیه چه گذشت؟

اکثریت عظیم این خلق، نه تنها ایمان خود را نسبت به انقلاب از دست ندادند، بلکه با تکیه بر عشق پاک خود به رهبر انقلاب، مبارزه با امپریالیسم آمریکا را تنها راه نجات و رهایی خود تشخیص دادند.

جریان حادثه: روز دوشنبه ۵۹/۱/۱۱ عده‌ای از کارگران بنگار "اغلب روستایی هستند" شرکت‌های کسترش مسکن، بندر ماهسهر، انرژی و نیروی سنی در ساخت اقتصادی و فرهنگی منطقه دارد، لازم است نظری احتمالی بر اوضاع اقتصادی و فرهنگی منطقه بقیسمک.



فرمانداری خرمسهر (محرره) مراجعه کرده و تسهیلاتی که برای بزرگداشت این روز بخشداری مهلت داده و قرار گذاشتند که روز شنبه بار دیگر در همین محل جمع شوند.

روز سه‌شنبه ۵۹/۱/۱۲ که معارف با اولین سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی بود در راهبیمانی که برای بزرگداشت این روز برپا شد یکی از افراد غمگین نماینده - پاسداران بنام کارروزیان، به مردم می‌گوید که روز شنبه آینده نوطه‌های در فلاحیه بوقوع می‌یونند و از مردم خواست تا نوطه‌گران مقابل نمایند. روز شنبه ۵۹/۱/۱۶ طبق قرار قبلی در حدود ۲۰۰ نفر از کارگران بنگار در جلو بخشداری جمع شده و از بخشدار خواستند تکلیف آنها را روشن نماید، اما بخشدار سوار جیب خود شده و به ساختمان دامپزشکی می‌رود. کارگران که عده‌ای از آنها جماعی در دست داشتند (اکثر روستائیان با خود چمال حمل می‌کنند) در بی بخشدار روانه می‌شوند و ضمن اینکه شعار می‌دادند: "انحک مانعنی و حکنا انبرده" حق خود را از دست نمی‌دهیم زیرا مال ماست، از برابر مقر سیاه عبور کردند. سرانجام بنگاران وارد ساختمان دامپزشکی شدند و بخشدار را بشدت کتک زده و شیشه‌های ساختمانی دبستان امام خمینی، بخشداری، شهرداری، بهداشتی و بعضی از مغازه‌ها را با سنگ خورد نمودند و بطرف بازار اصلی شهر روانه شدند. در این هنگام عده‌ای از خریدکنندگان، تماشاچیان و فرصت طلبان به آنها پیوستند و اجناس چند مغازه را بهم ریختند. آنگاه انبار سرمایه‌داری بنام طلایی را که در آن روغن بقیه از صفحه ۳

زودخورد ۴ تن از اهالی کشته و ۱۸ نفر زخمی می‌شوند که هنوز تیزخورده‌ها در محل هستند. بعد از این تیزخورده‌ها را در داخل ربهو ارتشی ریختند و به طرف بیمارستان آمل بردند و در بیمارستان هم اجازه هیچگونه مداوایی را به دکتر نمی‌دادند. در همین رابطه دو نفر از اهالی به عنوان محرک بازداشت می‌شوند و همچنین دادسرای آمل حق پناه را بازداشت می‌کند که طی درخواست فاطمه پهلوی بعد از ۲۴ ساعت آزاد می‌شود و دو نفری را که از کشاورزان بازداشت شده بودند، یکی را به شش ماه و یکی دو سال محکوم می‌کنند و زمین بین فئودالها تقسیم می‌شود.

جنایات فئودالها در روستای چهارافرا یک روستایی بنام ابراهیم حسین‌زاده فقط بخاطر اینکه به حق پناه سلام نکرد، حق پناه گاویش را با یک گلوله کشت و در مقابل اعتراض جوابی نداد و چون از حق پناه در زندان برمی‌شکایت می‌کند، حق پناه زمین او را از دست می‌گیرد. * پسر حق پناه با یک آریا در فریدونکنار یک کودک ۴ ساله را کشت و چون گواهینامه نداشت، با وساطت دفتر فاطمه پهلوی و دستور دفتر فاطمه پهلوی به راهنمایی رانندگی آمل یک شه یک گواهینامه با یک سال سابقه صادر می‌کند و با اینکار پسر حق پناه حتی یک روز هم زندان نرفت. بقیه در صفحه ۱۰

گنج سرمایه‌دار، حاصل دسترنج کارگران است

مردم و ما

ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکادریان

سیر مواضع جناحهای حاکم در آمریکا از زمان ریاست جمهوری کارتر تا ۲۲ بهمن ۵۷ در برابر مسئله ایران

سازی - خواهر ف - س و برادر محمد - ش

آمریکا - نادسون ، برادر علی - ه



امیرالایسم جنایتکار آمریکا، چنان آمده نگر کودک ویتنامی را با نایالم به آتش کشید و برای کودکان اریتره، فلسطین، ولسطین آوارگی و کوله همداد داد، اما چشم آینده نگران کودک ویتنامی و همه کودکان محروم جهان آینده خشم و انقلاب و نابودی امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا ترسیم میسایند.

روزنامه لورو میافزاید: بکنه افراد مطلع واشنگتن مخالفتی با راه حلی که "سافرت" موفقی شاه که طبیعتاً مساوی است با یک تبعید همیشگی، لیکن حفظ سلطنت، ندارد. (۸۹)

* به گزارش روزنامه "لوموند" طی روزهای اخیر گروهی از کارشناسان آمریکایی در امور ایران از جمله "ریچارد کانم"، "جیمس بیوس"، "مارن دنس" و "دیگران" بیان اعزام گردیده‌اند. (۹۰)

* روزنامه لوماتن مینویسد: "مسئله‌ای که اکنون مطرح است، دانستن اینست که چه مدت دیگر آمریکا پشتیبانی بدون قید و شرطش را از شاه ادامه می‌دهد. زیرا سکنس بن‌بست ایران با آمریکا وابسته است. لیکن هر چه زمان بیشتری میگذرد، بیشتر "رهاکردن" شاه ایران برای منافع "ژئو-پولیتیکس" که وزارت امور خارجه بیکار دیگر در سه شنبه عصر اهمیتش را برای آمریکا متذکر شد، خطرناک می‌گردد. (۹۱)

* برآورد، پنجشنبه ایالات متحده را متهم به دخالت غیر قابل پذیرش در بحران ایران نمود. برآودا رسیدن ۶۰ کارمند آمریکایی به تهران با مسئولیت پیدا نمودن راه خروجی برای بحران ایران را اعلام میکند. بگفته، برآودا، افراد فوق، نمایندگان "سیا"، وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌ها میباشند. (۹۲)

* از ابتدای بحران ایران، واشنگتن مرتباً توسط حوادث غافلگیر شده است. خصوصاً "بعثت فقدان تقریباً" کامل ارتباط با مخالفین. امکانات سفارت آمریکا در تهران بشکل قابل ملاحظه‌ای تقویت شده و دیپلماتها همچنان که ماه‌مورسین سیا، ماه‌یوسانه می‌کوشند که این عقب‌انداکی را جبران کنند.

بگفته، یک مقام آمریکایی "اطلاعات ما بینهایت ناکافی است و ما حداقل اطلاعات را در مورد آنچه در خارج از شهرهای بزرگ میگذرد نداریم".

خطرناکتر اینکه: "علیرغم اینکه آمریکا سیزدین حاضر است که تناس با "نامی" مخالفین رژیم ایران را برقرار سازد، نمایندگان رژیم ایران به برقراری گفتگو مذهبیهای افراطی، خصوصاً "با کسی که خدایان آمریکا را در برابرش اند (آیت‌الله خمینی) شده‌اند. تنها ملی‌گرایان هستند که سرعت مذاکره با هیئت‌های آمریکایی را می‌پذیرند.

در مقابل چنین اوضاعی، دولت آمریکا بقیه در صفحه ۱۰

بخوانی می‌تواند مینویسد: آمریکا میبایستی اکنون خطر نگاه بسوی آینده را بپذیرد. او اضافه میکند: باید برهیز کرد از کوشش برای پشتیبانی از یک مرد ۵۹ ساله با اندیشه‌های نادرست بلند گرایانه و ادامه داد کوشش برای برقرار کردن روابط عالی با جانشینان جنبه ملی‌مدقق، همچون رهبرش کریم سنجابی یا سخنگوش داریوش فروهر". همچنین نویسنده مقاله مینویسد که: ایالت متحده میبایستی همچنین گسترش دهد روابطش را با جوانان و تکنوکراتهای با نفوذ ایران و بپذیرد دشمنی بحقشان را در مقابل نقشی که واشنگتن در بحران اقتصادی ایران ایفا نموده مسئله‌ای که اکنون ایران با آن درگیر است.

این رشد موضع قاطع و سخت‌بیش گرفته شده توسط کاخ سفید، از ابتدا بحران ایران چیزی جز نباید آشکار ناراحتی تعدادی از دیپلماتها نیست، بیکار دیگر در نتیجه، سیاست "سخت و قاطع" تجویز شده توسط شورای ملی‌امنیت که توسط برزیسکی شورای میشود، توسط کسانی که در وزارت امور خارجه بیکاری میکنند اوضاع را در منطقه از مدت‌ها قبل مورد قضاوت بد ناماها رانه و نادرست قرار گرفته است.

بر خلاف برزیسکی این افراد (وزارت امور خارجه) حساب میکنند که خطر تحلیل مسئله باین شکل که شوری از شورشهای ایران سود میبرد خیلی کمتر خواهد بود از اینکه ایالات متحده بپذیرد که رژیم جانشین شاه را آماده کند. در شورای امنیت ملی مسئله ایران بیشتر از دیدگاه رقابت قدرت بین دو ابر قدرت مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. و حساب میکنند که هر عملی که پس از این واشنگتن انجام دهد، سرنگونی شاه ایران نمیتواند تفسیر شود مگر به مثابه شکست ایالات متحده. و اینست دلیل پشتیبانی بدون قید و شرط برزیسکت کارتر که پشتیبانی اش را از رژیم ایران - در کنفرانسهای مطبوعاتی بی‌دری اش، ادامه میدهد.

* اوضاع سیاسی ایران بیش از پیش واشنگتن را مشغول میدارد.

اعلامیه‌های اخیر برزیسکت کارتر که در آنها شگفتی را کارتر در مورد توانایی شاه در حفظ قدرت بیان می‌کند، بگفته جودی پاول که دیروز اعلام نمود: به تفسیر شد، پاول اعلام کرد: ایالات متحده ادامه میدهد به پشتیبانی کاملش از شاه".

* شاه در روز دوشنبه ۱۸ سپتامبر ۲۷ آذر ۵۷، غلامحسین صدیقی را بحضور پذیرفت. صدیقی تصمیمش را جهت تشکیل کابینه در دو هفته آینده اعلام خواهد کرد. (۸۲)

* در دسامبر ۱۹۷۸، ریچارد هلمز، رئیس سابق "سیا" که در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸، سفیر آمریکادر تهران بود، اظهار داشت که بعقد "سیا" برای رژیم شاه نعم البدلی غیر از خود شاه وجود ندارد و بنابراین ایالات متحده باید تمام تلاش خود را بیکار برد تا شاه بر مسند قدرت باقی بماند. هلمز افزود: "شاه به هر آسانی پشتیبانی معنوی و سیاسی مانناز دارد". (۸۳)

* در اواخر سال ۱۹۷۸، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ناآرامی کرد که ۱۷۵ تن از کارکنان ساواک در بایگاه مخصوص "سیا" در مالکین - مرکز ویرجینیا - دوره تعلیماتی می‌گذرانند. البته باید گفت که سال ۱۹۷۸ از این لحاظ کم بار بود. زیرا سالهای پیش از آن در هر دوره "بنچساله" بالاسگاه ویرجینیا "ی" "سیا" بطور متوسط ۴۰۰ تن از عمال ساواک تعلیم میدادند. (۸۴)

* کچی و بی تصمیمی واشنگتن برای هیچ کس یک مسئله محرمانه‌ای نیست. رئیس جمهور آمریکا این جریان را در هفته گذشته هنگامیکه روزنامه نگاران از او سؤال کردند درباره سانس ادامه حیات رژیم شاه نشان داد. پاسخ کارتر چنین بود: "ما امیدواریم شاه نقش مهمی را در دولت نگاه دارد، ولی این تصمیمی است که از مردم ایران برمیخیزد." و در ابتدای این کارتر بیکار دیگر پشتیبانی از شاه اعلام داشت بدون توجه به خواستی که توسط مردم بیان شده. (۸۵)

* کاخ سفید بدینال اوج مبارزات ایران، مجدداً ریچارد هلمز را بعنوان مشاور مخصوص کارتر در امور ایران انتخاب کرد. همچنین دو ماه‌مور بلند پایه سازمان جاسوسی "سیا" روبرت بوم، رئیس شعبه تحلیل و بررسی ارزیابی‌های سیا و سرلشکر "تیکه" رئیس اداره "جاسوسی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا" عجله بایران فرستاده شدند. (۸۶)

بعد از ظهر دوشنبه ۲۵ دسامبر مساوی ۴ دیماه ۵۷، غلامحسین صدیقی، علی امینی و علی انتظامی احوال‌گفتار کرد.

* وزارت امور خارجه آمریکا دیروز عصر صریحاً پشتیبانی اش را از شاه اعلام داشت باید بر این مسئله که ابتکارات دیپلماتهای آمریکایی تساهلیت‌های بارهبران اوبوزیسون گرفته‌اند.

سخنگوی وزارت امور خارجه، صریحاً عنوان کرد: "ثبات ایران بدلائل ژئوپولیتیکی و بعثت موقعیت جغرافیایی و همچنین بمناسبت اینکه ایران پیشگامی در اقتصاد جهان صنعتی شرکت دارد، مهم میباشد. (۸۷)

* تابستان امسال، واشنگتن تصمیم گرفت وسائل "ضد شورش" بقیمت ۲۵۰ میلیون دلار بایران تحویل دهد. آمریکا تنها پس از او لین نظارات قم و تبریز با عجله اولین قسمت از ۵۰/۰۰۰ گاز اشک‌آور، ۳۵۵/۰۰۰ ماسک ضد گاز و ۴۳۰۰ مسلسل را بایران فرستادند.

آمریکا، سالیانه ۲۵۰ نظامی وابسته به ساواک را تربیت میکند که پس از اتمام دوره در آمریکا، بخدمت ساواک درمیآیند، ژنرال مقدم ریاست رکن ۲ از حمله آنان میباشد. (۸۸)

* روزنامه لوماتن مورخ ۲۸ دسامبر ۷۸ تحت عنوان "دولت آمریکا در مورد پشتیبانی از شاه دچار اختلاف شده از جمله مینویسد:

اختلاف در دولت آمریکا در مورد ایران بنظر می‌رسد که شدت یافته. هنگامیکه وزارت امور خارجه در روز سه‌شنبه بیکار دیگر موضع رسمی پشتیبانی از شاه را متذکر میگردد، ماهنامه بر نفوذ نشریه نیروهای نظامی، در همان روز، تحلیل طولانی و بلندی را که نشان‌دهنده بی‌فایده‌گی چنین سیاستی است، بچاپ می‌رساند. این مقاله که بانام مستعاری چاپ شده منتج میشود از یک تحلیل قدیمی وزارت امور خارجه. نویسنده مقاله بانام مستعار، عبدالقاسم منصور که ایران را

در پاسخ سؤالیها شما:

۱ - جنبش مسلمانان مبارز با دولت موقت و شورای انقلاب بعنوان نهادهایی که ماهیتاً توان حرکت در خط مکتبی و ضد - امپریالیستی ندارند، برخورد نموده است. این شوه برخورد را می‌تواند در کلیه بناینها و اطلاعاتها و سخنرانیهای که توسط جنبش مسلمانان مبارز منتشر و ایراد گردیده است، ملاحظه نمائید.

۲ - در مورد امام خمینی جنبش مسلمانان مبارز نه گرفتار جبرویهای کودکانه جماعتی است که برای برخورد با مسائل معیار و ضابطه ندارند و فکر می‌کنند هر چه نندرت و حادثه‌ساز دهند سرفتی‌ترند!!! و نه گرفتار راست‌رویهای غیرمکتبی، جریانها و عناصری که امام را مطلق نموده و با امام بر اساس شوه‌های غیراسلامی مطلق ساختن و عاری از خطا و سهو دانستن برخورد می‌کنند. در حالیکه امام خود چنین شوه‌ای را اسلامی نمی‌داند.

جنبش مسلمانان مبارز امام را آنچنان که هست می‌شناسد و تحلیل می‌نماید. جالب‌توجه است که هیچک از دو جناح راست و چپ ناکون تحلیلی واقع‌بینانه از امام ارائه ننموده‌اند. در حالیکه جنبش مسلمانان مبارز در حد توان خود تحلیلهایی درباره خط امام و شخص امام عرضه نموده است.

خواهر و برادر عزیز در تاریخ گذشته و در جریان ملی شدن صنعت نفت گروهها و سازمانهای والینه حزب توده بوعی سابقه جبروی و هرجه شعار تند دادن با یکدیگر در رابطه با دکتر مصدق داشتند و بدون احساس مسئولیت دکتر مصدق را عامل امپریالیسم آمریکا می‌نامیدند و نتیجه را شما خود بهتر می‌دانید. سعی می‌کنم بر اساس تحلیل و معیار و ضابطه با مسائل و رویدادها و جریانها برخورد نمائیم.

برادران و خواهران عزیز، دانشجویان مسلمان ایران مقیم توکیو

ما همیشه از برخورد انتقادی به شوه اسلامی (امر به معروف و نهی از منکر) از جانب برادران خود استقبال می‌کنیم. این شوه را تنها راه حل اختلافات و تضادهای درونی و رسیدن به وحدتهای متعالی‌تر می‌دانیم. ما خود را بی‌عیب و نقص و مضمون از خطا نمی‌دانیم و لذا نیازمند راهنمایی و ارشاد همه کسانی هستیم که بعقد به مکتب و براساس معیارهای مکتبی عمل می‌کنند.

و اما توضیح مختصری درباره ایرادات شما، البته جهت عمده متوجه جریان دیگری است که مربوط به آنهاست. ولی در مورد انتقاداتی که ما از دولت موقت کرده‌ایم، اولاً توجه دارید که هرگز آنها را متهم به حادت، جاسوسی یا مزدوری آمریکا نگردانیم و حتی اعتقادی هم نداریم. مکتب گفتمانی که رئیس دولت موقت به آنچه کرده و می‌کند اعتقاد دارد و بین حرف و عمل او ناهم‌بودی وحدت وجود دارد. ایراد ما به بینش فکری و سیاسی و عملکردهای این افراد است که با معیارهای مکتبی و ضرورتهای انقلاب و مبارزه ضد - امپریالیستی سازگار نمی‌دانیم. برخورد ما با آنها انتقادی - ارشادی و همراه با آگاهی دادن به مردم بوده است.

۲) ما دیگر نیروهای مترقی با بظاهر مترقی را هم از انتقاد برکنار نداشتیم و اگر بحثها و سخنرانیهای ما را دنبال کرده باشید، متوجه خواهید شد که با آنکه به معیارهای مکتبی و اصول شوه‌های سیاسی و انحرافات هرکدام را با صراحت ارزیابی و نقد کرده‌ایم و اینکار را وظیفه‌ای مکتبی برای خود دانستیم.

با تحلیل متطقی از خط انقلاب راه‌های انحرافی را نشان داده و با طرح اصول مکتب روشهای غیرانقلابی درسیاست، تبلیغات - سازماندهی و تشکیلات را مشخص نموده‌ایم - امیدواریم با همکاری همه مومنان راستین و پیروان شوه مکتبی علی به اصول وفادار بمانیم و در رشد و اعتدالی یک انقلاب مکتبی سهم خود را ایفاء کنیم.

شارهائی از امت که خواستاید ارسال نمودیم امید که به دستتان رسیده باشد. بقیه در صفحه ۱۶

برادر عزیز امیدواریم با تحولاتی که در چند روز اخیر با فاطمیت امام و دانشجویان مسلمان بیرو خط امام در رابطه با امپریالیسم آمریکا بوجود آمده است پاسخ سؤالیهای خود را یافته باشید.

دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مورد اتهامات فراوانی واقع شدند، آنها را ماجراجو، بجهارکسیست، توده‌ای، عامل حزب جمهوری، آلت دست مرتجعین و حتی مرتبط با سیا نامیدند. بعضی از انقلابیون بعد از انقلاب در هفته‌نامه خود که شما برادر به آن اشاره کرده‌اید مدعی علامه‌گری در فقه و اصول وحدت و قرآن و سنت و سیره اسلامی شدند که در اسلام مقوله‌ای بنام افشاکری وجود ندارد. اما حقیقت‌چیز آن بود که سازشکاران و انقلابیون و مسلمانان بعد از انقلاب و دست‌اندرکاران امور اجرائی می‌گفتند، دانشجویان مسلمان بیرو خط امام با همه انتقادهایی که در ترکیب و انسجام و شیوه افشای اسناد بر آن وارد است و درشاره‌های گذشته امت منعکس گردیده، از تبار همان دانشجویانی هستند که در دوران حقان و حاکمیت پدیس سیاسی مخوف شاه خائن مبارزه کردند و لحظه‌ای از جهاد بر علیه رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم غافل نماندند. در روزهایی که بسازی از قلم - بدسبانی که امروز بدانشجویان مسلمان بیرو خط امام می‌نارزد دردهای اجتماعی روشنگرانه خود را در پشت میز کافه‌های دود و دم گرفته سلامتی یکدیگر در درون جامه‌ها می‌نوشیدند، نسل جوان و دانشجو در میدانهای نبر و در سکنجگاهها و زندانهای مقاومت می‌نمود. جنبش مسلمانان مبارز عمل اشغال جاسوخانه آمریکا را تا این لحظه که امپریالیسم آمریکا روابط خود را با ایران قطع نموده‌است، حرکتی انقلابی و مثبت تلقی نموده است و رشد ناممهمی را که جماعتی از افشاهندگان و سازشکاران امیدوار به تفاهم و دوستی با آمریکا سرداده‌اند در حقانیت و اصالت عمل دانشجویان می‌بیند.

ما آرزو می‌کنیم که دانشجویان مسلمان بیرو خط امام با فراگیری از درسهای ضروری از تجربه بزرگی که پشت سر نهاده‌اند هرچه استوارتر در خط امام و امت به مبارزه و جهاد علیه سازشکاران و مرتجعین ادامه دهند.

شیراز - برادر علیرضا - ص

اینکه در جستجوهای خود در مسیر تکاملی بوده و ماهیت جریانها را تشخیص داده‌ای امیدبخش است و از جوانانی که انقلاب را در تمام وجوه آن دیدند و شنیدند و لمس کرده‌اند، جز این انتظاری نمی‌رود. برادر عزیز در مورد پشتیبانی که نموده‌ای بهتر است با دفتر امت و هواداران جنبش مسلمانان مبارز در شیراز تماس بگیری.

شوشتر - برادر محمد - الف

برادر عزیز شما می‌توانید برای ارائه فعالیت‌های خود با دفتر هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اهواز تماس بگیرید. احساس مسئولیتهای کار مکتبی بخصوص در میان نسل جوان در شرایط کنونی انقلاب اسلامی فراوان چشم می‌خورد و طبیعی است که باید این احساس مسئولیتهای را با گرایش بسوی کار سازمانی و تشکیلاتی بر اساس رهنمودهای مکتب عنینت بخشد.

تهران - برادران - صادقی

برادران شما در جنبش مسلمانان مبارز با شما هم عقیده‌اند که باید بمیان مردم رفت و باید مساجد را هم چنانکه از زمان رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین علی (ع) بوده است، پایگاههایی جهت تماس با توده‌های مردم آموختن از آنها و به آنها مبدل ساخت. در حد توان و امکانات و چنین کردیم و ادامه خواهیم داد. شما و برادران دیگر می‌توانید برای یاری در بخش امت با دفتر جنبش مسلمانان مبارز تماس بگیرید.

لغو مالکیت‌های فئودالی، خواست توده‌های دهقانی است

هدفدار بودن خلت

مقدار صفحه اول

تاریخ بدست می‌آوریم، حقیقی هستند یا نه. مهم نیست که مشمول تعریف قانون علمی می‌شوند یا نه. اما یک نکته مسلم است که قوانین و نظم حاکم بر کلیه پدیده‌های هستی، قابل مشاهده و بررسی می‌باشند. زیرا چنانکه قلا گفتیم این پدیده‌ها عینی، محدود و نسبی‌اند و بهمین جهت چنانکه در قرآن سیزه قویا" توصیه می‌شود، باید از راه مطالعه و مشاهده شناخته شوند.

کان عقبالمکذبین - هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین - ولا تنهوا و لاتحرزوا واتموا الالعون ان کتمتم مومنین" - ال عمران/ ۱۳۸ : پیش از شما شیوه‌ها و سنتی گذشت - پس در زمین بگردید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود - این بیانی است برای مردم و هدایت و اندرزی برای متقین - و مست نشوید. غمگین نباشید - شما برترید اگر مومنین باشید.

در همین جا به این نکته اشاره کنیم که توصیه به بررسی و مطالعه پدیده‌ها برای درک و قبول وجود "الله" آن واقعیت مستقل و واحد و مطلق نیست که از روی پدیده‌ها و مظاهر نسبی و محدود و عینی نمی‌توان واقعیت نامحدود و مطلق و عینی را شناخت، این شیوه غلط و یا برداشت نادرستی است که از آیات مزبور می‌شود. توصیه قرآن به مطالعه و بررسی پدیده‌های طبیعت و جامعه و تاریخ نه برای آنستکه از آن راه بشر به وجود خدا، آن وجود مطلق بی‌بورد، بلکه دقیقا" برای آنستکه انسان به نظم و قانونمندی حاکم بر آنها آگاه شده، متوجه شود که خلقت آنها بیبوده نیست. بی‌نظم و بیهدف نیستند. "الذین یذکرون الله قیاما و قعودا" و علی جنوهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا" سیحانک فقتا عذاب نار - ال عمران/ ۱۹۱: آنگاه خدا را ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلو یاد می‌کنند و در خلقت آسمانها و زمین می‌اندیشند که‌ای پروردگار، این را باطل نیافریدی، (عمل لغو) دور از توست، ما را از عذاب آتش نگهدار. تصادفی و الملمیختکی نیستند. بر مبنای اساس "حق" خلق شده‌اند. حق در عام‌ترین معنای آن در قرآن اشاره به وجود نظم و قانونمندی دارد که مظهر و جلوه اراده‌خداست. خداوند مردم را دعوت به مطالعه و مشاهده عینی پدیده‌ها در خود و در محیط خارج از خود می‌کند تا به حکیمانانه بودن و حاکم بودن نظم و قانون و هدفدار بودن حرکت آن، آگاه شوند. سربیم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید" فصلت / ۵۲ : بزودی نشانه خود را در سراسر گیتی و در خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که او حق است. آیا پروردگارت تو را پس نیست، او بر همه چیز گواه است.

در حرکت خود از مسیر مشخصی عبور نمی‌کنند؟ ما می‌گوئیم جامعه و تاریخ انسان همانند سایر پدیده‌های خلقت تابع نظم و قانون است، منتهی قوانین جامعه و تاریخ را با روش مشابه قوانین حاکم بر عناصر فیزیکی و شیمیایی نمی‌توان بدست آورد. قانونمندی تاریخ نشانه عبور تاریخ از مسیر معین و بسوی هدف‌های معین است. تفاوت قانونمندی علمی و فلسفی در ماهیت و عملکرد کلی آنها نیست، در موضوع و قلمرو بررسی آنهاست. در اینجا شاید لازم باشد

آنهاست. بعضی قوانین، حاکم بر پدیده‌های جزئی و مادی هستند و یا تجربه و مشاهده مستقیم بدست می‌آیند و بعضی مربوط به مجموعه پدیده‌ها یا کل هستی می‌باشند و تجربه مستقیم میسر نیست. بعضی را خداوند از طریق وحی و توسط انبیاء به اطلاع ما رسانده است و بعضی را با هم از طریق مشاهده و از روی تجربیات و سپس تعقل و تفکر بدست می‌آوریم. پس می‌گوئیم اولاً جامعه و تحولات آن هم مانند دیگر پدیده‌های هستی "به حق" خلق شده‌اند، یعنی تابع نظم

● آیا درست که معرفت علمی را محدود به اموری کنیم که از راه تجربه و آزمایش حسی بدست آمده‌اند و هرچه از غیر این روش بدست آید، غیر علمی بدانیم؟

این سوال جواب دهیم که علم چیست؟ فلسفه کدام است؟ چون بسیاری حجابها و سو تفاهات مربوط به معانی و برداشتهایی است که از این مقوله‌ها می‌شود. آیا درست است که معرفت علمی را محدود به اموری کنیم که از راه تجربه و آزمایش حسی بدست آمده‌اند و هر چه از غیر این روش بدست آید، غیر علمی بدانیم؟ علاوه بر آن در حقیقت همه نظریه‌ها و فرضیه‌های علمی از راه تجربه حسی بدست آمده‌اند؟ آیا این تقسیم‌بندی درست است که معرفت‌های متکی به تجربه حسی را علم و معرفت‌های متکی به تعقل را فلسفه تعریف کنیم؟ و آیا درست است که در معرفت‌های فلسفی، تجربه و مشاهده عینی و حسی بگلی راه ندارد؟ کدام نظریه و فرضیه علمی است که ابتدا و بلا مقدمه از طریق تجربه و آزمایش حسی بدست آمده باشد؟ این تقسیم‌بندیها درست بنظر نمی‌رسند و با واقعیت معارف علمی و فلسفی سازگاری ندارند. و یا متافیزیک را روش‌های علم و عقلانی بگیریم، بی‌شک از واقعیت منحرف شده‌ایم. اگر این سخت راست باشد، باید در معرفت‌های علمی ردپایی از استدلال عقلی نیابیم و در معرفت‌های فلسفی به‌عکس اثری از تجربیات و مشاهدات حسی راه نداشته باشد، در صورتیکه کمی دقت در آثار فلسفی و علمی نشان می‌دهد که در هر دو قلمرو، حس و عقل پا به پای هم دخالت

هدفدار و قانونمندی خاص می‌باشند و تا با اصول و قوانین حاکم بر موجودیت و تحولات آنها یا از طریق وحی بدست آمده که صد در صد حقیقی هستند یا بشر بکمک مشاهده و تجربه و تعقل به آنها دست یافته که درجه حقیقی بودن آنها بکمک واقعیات سنجیده می‌شوند. اگر بپذیریم که تحولات تاریخ از نظم و قانونمندی تبعیت می‌کنند، در اینصورت چرا نباید برای حرکت تاریخ هدف و مسیر خاص قائل بود؟ قانون علیت می‌گوید اگر علل معینی ظهور کنند باید انتظار معلولها و نتایج مشخص بود. تمایلات مشابه انسانها در رابطه با یکدیگر بصورت یک سلسله ملل و گرایشهایی مشترک در صحنه تاریخ ظهور می‌کنند این گرایشها و عملکردها نتایج خاص خود را ببار می‌آورند که با مطالعه قابل پیش‌بینی هستند. اگر گفته می‌شود قوانین حاکم بر تاریخ علمی نیستند، تنها از این نظر درست است که با روش‌های معمولی علوم تجربی بدست نمی‌آیند. آیا تنها قوانین علمی (بمعنای معروف کلمه) هستند که به تحولات مسیر و هدف خاص می‌دهند؟ قانون، قانون است. قانون یعنی نظم و روابط ثابت. ممکن است ما نتوانیم قوانین حاکم بر بعضی پدیده‌ها را از راه تجربه حسی و قابل تکرار بدست آوریم، یا امکانات و ابزار تحقیق به ما اجازه چنین بررسی و مطالعه‌ای را ندهد، آیا عجز از کشف قوانین می‌تواند دلیل باشد که آن پدیده

دارند. آیا فیلسوفان بکلی چشم از مشاهده عینی پدیده‌ها می‌بندند و به مطالعه علوم تجربی را به کاری می‌گذارند و از نتایج و دستاوردهای تجربیات حسی بهره‌برداری و استفاده نمی‌کنند؟ از قدیمترین فلاسفه تا جدیدترین آنان، هر کدام کم و بیش در ارائه نظریات خود از معلومات تجربی و حسی متأثر بوده‌اند. هم‌اکنون فیلسوفان، سعی می‌کنند عقاید خود را بر قوانین و نظریات علمی استوار کنند. در مقابل نظریه‌های علمی ابتدا بر اساس تعقل و استدلال عقلانی تنظیم می‌شوند و سپس در معرض آزمایش گذارده می‌شوند. نظریه علمی نداریم که مستقیماً از تجربه برخاسته باشد. دانشمند بر اساس مشاهدات و معلومات قبلی خویش، به کمک استدلال عقلی نظریه‌ای را تنظیم و طرح می‌کند و سپس برای تعیین درستی یا نادرستی آن به آزمایش می‌پردازد.

هم‌اکنون بسیاری نظریات علمی وجود دارند که حتی تجربه مستقیم روی آنها امکان پذیر نیست. مثلاً نظریه‌هایی که درباره وضعیت مرکز زمین و درجه حرارت درونی، با مواد متشکله آن مطرح است، هنوز تجربی آزمایش نشده‌اند. بلکه در حال حاضر بیشتر متکی به استدلالهای عقلانی هستند. در عین حال کدام اندیشه و استدلال عقلی هست که مبتنی بر مشاهده عینی و نوعی از تجربه نباشد؟ پس چه چیز معلومات علمی را از غیر معلوماتی متمایز می‌سازد؟ پاسخ ما اینست که معلومات علمی آندسته از معرفت‌هاست که در وهله اول با واقعیت‌های مستقل از ذهن، با امور عینی و خارجی، هماهنگی و تطابق داشته باشند. ما جهان را امری واقعی می‌دانیم، واقعیتی مستقل از ذهن، قوانین آنرا کاری علمی می‌گوئیم. پس معرفت‌های ما همگی پس از مشاهده واقعیت‌های عینی شکل می‌گیرند، اما همه معرفت‌های حاصله علمی نیستند زیرا همگی با واقعیت مستقل هماهنگی ندارند. ممکن است با مشاهده امور عینی برداشتهایی بدست آوریم که سختی و سازگاری با آن واقعیت داشته باشد. این نوع معرفت را علمی نمی‌گوئیم. پس یکی از شرایط اصلی معرفت علمی، انطباق و هماهنگی آن با واقعیت مستقل از ذهن است. ارزیابی نظریات علمی هم به این طریق انجام می‌گیرد و کار تجربه، امتحان و تعیین، درجه هماهنگی معرفت یا نظریه با واقعیت مستقل از ذهن است.

ادامه دارد

کامپیوتر و وابستگی به امپریالیسم

کی می‌خواهید این وابستگی‌های دوران آریامهری را قطع کنید؟

ماشینی آموزش و پرورش انجام شد) و بدنبال این دعوت تا کنون نمایندگان شوراها و هم چنین کارکنان علاقمند حدود ۶۰ مؤسسه مجموعاً در ۱۰ جلسه همگانی طی جلساتی با رئیس و اعضا کمیسیون ملی انفورماتیک نخست وزیری مذاکراتی پیرامون امور کامپیوتری کشور انجام دادند که متأسفانه با عدم قاطعیت روبرو شدند و در حال حاضر آخرین جلسه‌ای که در تاریخ ۵۹/۱/۲۶ تشکیل شد (شرکت نمایندگان قسمت شورا هماهنگی و نمایندگان دولت) و پیشنهاد شده است (نمایندگان کمیسیون انفورماتیک نخست وزیری) که سیستمهای جدید کامپیوتری اجرا نشود و سیستمهای غیر حیاتی را به سیستم های دستی تبدیل کنند. البته خوانندگان باید توجه داشته باشند که این تشخیص بعهده مدیران مؤسسه گذاشته شده است و مانعاً به نبودن شوراها و مردمی می‌توان بخوبی با این کلمه (غیر حیاتی بودن سیستم) کارکنان را که خواستار حق قانونی خود در تشکیل شوراها و مردمی است تحت فشار قرار داد و آنها را تهدید به اخراج کنند. این طرز عمل دستگاههای مسئول مبارزه ضد امپریالیستی و عدم تمایل متصدیان امور به قطع واقعی وابستگیهای ما با امپریالیسم - تاکی باید ملت ما در سایه حکومت کسانی که فاقد خصلت های اسلامی و معرفت و بینش مکتبی هستند - زیر بوغ استعمار شرکت‌های غارتگر خارجی باقی بماند؟ چه مقامی مسئول اینهمه ضایعات بر منابع مالی و استقلال اقتصادی کشور بعد از انقلاب است؟

هنوز که هنوز است سالانه ۴۰۰ میلیون دلار مخارج کامپیوتر از خزانه ملت ایران به جیب کمپانیهای غارتگر استعماری می‌رود. انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران برهبری قاطعانه امام خمینی ایجاب میکرد که در کلیه زمینه ها نفوذ امپریالیسم قطع شود اما پس از گذشت ۱۴ ماه از سرگونی رژیم مغفوق گامهای اساسی و اصولی در این زمینه برداشته نشد. اشغال لانه جاسوسی امریکای جهانخوار توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نطفه عطفی در اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم قهرمان ایران بشمار می‌آید. کارکنان مراکز کامپیوتری چندین مؤسسه را نیرو بخشید تا با صدور بیانه‌هایی ضمن اعلام پشتیبانی از این عمل انقلابی به افشای یک مورد بارز از غارتگریهای امپریالیسم که برای ماهها پیش تلاش های پراکنده‌ای از بایان دادن به این غارتگری آغاز شده بود بردارند و با ارائه روشها و راه حل های متعدد خواهان قطع وابستگی به امپریالیسم بویژه امپریالیسم خونخوار امریکا در تمام زمینه هاهم چنین در زمینه امور کامپیوتری مورد درگونی بنیادی نظام کامپیوتری کشور کردند. طی این افشاکری هامعلوم گردید که کارگزاران رژیم طاغوتی و دست نشانده و خائن ضمن ایجاد زمینه کاذب و تصنعی برای بالابردن سطح نیاز به کامپیوتر مبادرت به خریداری و اجاره صدها کامپیوتر (۸۱۲)

بهبشت و دوزخ و رابطه آن با عمل انسان در این دنیا بخوبی نشان می‌دهد که بر طبق سنت و حکمت خداوند، هر شیوه رفتار هر نوع زندگی، آثار محتوم در شخصیت و سرنوشت انسان دارد. و یک خط و اتصال علیتی بین حال و آینده کشیده شده است. گفته می‌شود که گفاسان در آخرت به تناسب اعمالی که انجام داده و بر آن مبنا زیسته است، محسور می‌شود. یعنی انسان مجسمه اعمال خود می‌باشد. زندگی جمعی هم مانند زندگی فردی نظم هدف‌داری را دنبال می‌کند یعنی - بر طبق حق - می‌گردد و نقل می‌کند. قرآن سنت را هم برای بیان نظم و قانونمندی حاکم بر طبیعت بی‌جان و هم بر حیات انسان و هم بر زندگی اجتماعی و تحول تاریخی بکار می‌برد. سنت‌هایی که عام هستند، زیرا مختص یک فرد و یک جامعه نیستند و ثابت و لایتغیر هم می‌باشند.

با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو در آوریم

تداوم حرکت هدفدار در تاریخ از دیدگاه علی

نگاهی به خطبه ۳۲ نهج البلاغه

با اندکی دقت روشن می‌شود که حضرت با کمال صراحت طبقات موجود در یک جامعه را و وابستگی طبقاتی را و خصلتهای هر یک از طبقات را بیان فرموده‌اند. می‌دانند منظور از طبقه در اجتماع آست که در آن اجتماع افراد از یک سطح زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و آزادی لازم برخوردار نباشند و گروهی بر گروهی دیگر تفوق داشته و عدای آن افراد آن اجتماع که مشترک‌المنافع هستند و جهت حرکتشان با هم است و در تحلیل نهایی هدفی مشترک را تعقیب می‌کنند مانند سرمایه‌داران و کارفرمایان صاحبان کارخانجات در مقابل عدای که مدام تحت سیطره و استثمار گروه اول قرار گرفته باشند و مانند کارگران و زحمتکشان و بطور کلی مستضعفان که اینان از آن حقوق اجتماعی‌ای که گروه اول برخوردار هستند، برخوردار نیستند و به علت استثمار و استثمار گروه اول در وضع آنها جاری ادامه حیات می‌دهند، طبیعی است که برای هر یک از این طبقات خصلتهای و خصوصیات خاصی موجود خواهد بود.

حضرت علی (ع) با اشاره به اینکه این افراد علما، مشیرها کشیده‌اند و لشکرها آراستاده و شرات خود ظاهر ساختند، می‌گوید: این افراد دارای خصلتهای طبقاتی خود می‌باشند و آن طبقات را بد این شرح بیان می‌فرماید که دسته اول آنهایی که برای کسب مال و ثروت دنیایی حاضرند دین خود را بفروشند یعنی همان سرمایه‌داران و متمولین اجتماع که تشکیل طبقه سرمایه‌داری را می‌دهند و خصلت مخصوص آنها را، حضرت علی (ع) زیر پا گذاشتن تمام اصول و قوانین انسانی حاکم بر هستی که همان دین می‌باشد، تعریف می‌فرماید. می‌دانیم که سرمایه‌دار آن کسیکه سرمایه هنگفتی را در جریان اقتصاد کشور در اختیار خود دارد، ناچار برای حفظ موقعیت خود و برای گسترش دادن به وسعت عمل خود نیروهای انسانی دیگری را باید زیر استثمار خود داشته باشد تا هر چه بیشتر با خرید نیروی باورز آنها و هر چه نیروی فکشان به نفع خود عمل کرده باشند. و اینکه دین را زیر پا می‌گذارند و گاملا رساننده همان معنی است زیرا دین به عنوان قانون شگفتن طبیعت و هستی، از طرف دیگر قانونمند بودن هستی مبتنی بر اینکه همه چیز در حالت توحید و وحدت هستند و هیچ پدیده‌ای بر پدیده دیگر رجحان ندارد، مگر با تقوی و شاکست بیشتر از خدا و نزدیکتر بودن به آن. پس وقتی که این چنین ضوابطی زیر پا گذارده شود نتیجه آن گشته از آنکه جامعه از حالت توحیدی دور خواهد شد. بلکه روز بروز شرک اجتماعی اختلاف و طبقات و بهره - کشی انسان از انسان حاکم بر سرنوشته انسانها خواهد شد و اینرا حضرت به عنوان خصلت مخصوص طبقه سرمایه‌دار می‌داند و می‌گوید: این گروه وجود و نفس خود را مشروط کرده‌اند بر پشت پا زدن به دین و ناموس طبیعت و منطق قرآن و نهائیا" انگار خدا، خالق و گرداننده هستی به سوی تکامل که اینان در تاریخ به عنوان قارونها و دیگر زرمندان مطرح شده‌اند و امروز بصورت کارخانه‌داران و تاجر بزرگ و کارتل‌ها و تراستها و سرمایه‌داری وابسته ظاهر می‌شود و در نتیجه برای یک حرکت اجتماعی که هدف و جهتی به سوی خدا و یگانه‌شدن باشد و خواست آن تحقق اراده خداوندی مبنی بر حاکمیت مستضعفان بر سرنوشته خود و زمین و همچنین وراثت زمین برای صالحان، سدی و تضادی به حساب خواهند آمد که باید در مقابل آن ایستاد و مبارزه کرد و تا نابودیشان به مبارزه ادامه داد. دسته دوم را حضرت به عنوان صاحبان قدرتهای نظامی می‌کند که به عنوان زورمندان در هیکل معاویها در صدر اسلام مطرح شده و در قیافه قدرتهای نظامی حاکم در حال حاضر می‌توان مشاهده نمود که در نتیجه برتری - طلبی و زورگویی‌شان جو دیکتاتوری - استبداد نظامی خطرناکی را بر اجتماع حاکم می‌نماید. دسته سوم آنهایی هستند که خود را به عنوان دایه‌های مهربانتر از مادر برای توده مردم‌نشان می‌دهند و به عنوان مربی و معلم به‌طور غیر مستقیم از منافع ضد خلق دفاع میکنند و در ظاهر به نصیحت و موعظه بی‌تأثیر و سست دست می‌زنند و با این حرکتشان نیز خود را همه گاره مردم به حساب می‌آورند و به خود

اجازه می‌دهند در تمام شئون و امور مردم مداخله کرده و تصمیم بگیرند. حال ببینیم این سه دسته چه ارتباطی با همدیگر می‌توانند داشته باشند از آنجائیکه حضرت این سه دسته را در یک گروه از گروههای چهارگانه قرار داده‌اند براحتی میتوان فهمید که هر سه دسته در تحلیل نهایی حافظ منافع همدیگر هستند و با پشتیبانی یکدیگر به خواسته‌های خود خود جامه عمل می‌پوشانند مثلا " برای اینکه سرمایه دار به بهره کشی خود از انسانها ادامه دهد باید حمایت دولت مردان و آنهایی که قدرتهای نظامی در اختیار دارند را جلب نماید آنها خود را وابسته و پشتیبان نشان می‌دهند و از طرف مقابل یعنی صاحبان زور نیز برای اینکه زمینه دیکتاتوری آماده باشد از سرمایه داران که عاملان استضعاف اقتصادی هستند یاری می‌گیرند و اصلا " این دوازدهم حد نیستند صاحب زر برای پاسداری از زر، زور را هم نداری می‌بیند و برای مردم هم برنامسه میدهند باید اول مردم را از خود بیگانه تمام آن بینشها و آگاهیهای ریشه دار و عمیق را از آنها گرفت و به جای آن

سالوس باشد در حالی که لحظهای از فکر دنیا و غلبه در آن غافل نیست تحول و دگرگونی در احوال انسان و در نتیجه اجتماع طبق منطبق قرآن جز بدست خود او امکان پذیر نیست آنجا که میفرماید ان الله لا یغیر ما نعوم حتی یغیر ما بانفسهم و انسان لاجرم برای هر عملی از کوچک یا بزرگ از خوب و بد نیاز به اسباب و گارایی دارد لذا منظور امام از حملات اول این قسمت از گفتار که در حال این گروه تحول ایجاد نمیشود و همیشه در حالت قلبی که داشتند باقی میمانند روشن کننده این مطلب است که انسان مجبور است برای ایجاد تحول در حال خود و در نتیجه استیلاش در جهان حال به حق یا بدنا حق نیاز به گارایی و اسباب و لاجرم نیاز به پیش و تکنیک هر لحظه وسیع تر و جدیدتر دارد و گروهی که به دریافت مفاهیم و اسباب جدید و خودسازی نسبت

عنوان پوششی قرارداده‌اند برای معصیتهای خود. آنچنان که از کلمات علی دریافت میشود این گروه از مردمان به علت عدم دریافت و درک صحیحشان از آخرت و عدم آگاهی و ایمان به این مسئله که زمانی و روزگاری کتاب زندگی انسان باز و تمام سیرتهایش آشکار و نمایان خواهد شد و بار از عدم توجه به معاد لحظه به لحظه که در حیات دنیوی انسان رخ مینماید مصداق شعر مولوی

ای برادر عقل یکدم با خود آزر دم بددم در تو خزان است و بهار و اینک هر لحظه حیات انسان برای لحظات قلبی اتی معادست تمام این حقایق را ندیده گرفته و همد چیز را در محدوده تنگ این دنیا و برای بدست آوردن آن میخواهند و هر عملی که حتی اگر ظاهرا " به صورت عبادات و احسان و غیره هم باشد برای دنیاست و بدست آوردن مطاع سی - ارزش آن، ایمان برای اینکه بتوانند در بین هموعان خود قدری و منزلتی بدست آورند و در حفا امیال خود را جامد عمل بیوشانند خود را در ظاهر به افراد عوام و متقی

معلوماتی را ارائه کرد که در اول خطبه حضرت فرمود که آن معلوماتی نفعی به ما نمیرساند تا قدرت اعتراض و انتخاب بهتر را از مردم گرفت و آنها را رام سرمایه‌داران خونخوار و صاحبان قدرتهای سیاسی و نظامی دیکتاتور کرد پس بدینوسیله این دسته سه را مثلثی شوم با خصلتهای مخصوص خودشان در رابطه با همدیگر عاملانی هستند که کلیه حرکتهای مترقیانه و انسانی را کد نفع زحمتکشان در آن باشد تعقیب خواهند کرد و میدان عمل را بر آنها تنگ خواهند نمود لذا حضرت با دادن این سه سری آموزشهای انقلابی و شناسایی از سه دسته گروه دوم افراد مومن و انقلابی را در نحوه مبارزه با آنها که همانا جلوگیری از وابستگیهای اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی است راهنمایی میکند و هر انقلابی که بدون توجه به موارد بالا ادعای خلقی بودن یا خدایی بودن و اسلامی بودن را داشته باشد موفق نخواهد شد و تغییرات وسیعی در اجتماع که بالا نشینها به پایین کشیده شوند و پایین نشینها حاکم بر سرنوشته خود باشند در چهار چوب یک حاکمیت ملی مستقل از تمام جهات امکان نخواهد داشت. خصوصیت دیگری امام برای این گروه از مردمان قید می‌نماید به این ترتیب که (ولش المتجران تری الدنیا ولتفسک ثمننا " و ممالک عندالله عوضا) وجه بد تجارتی است که بعضی دنیا را برای نفس خود بهایی و به آنچه که در نزد خدا است عوضی ببینند پس با این حساب این افراد تماما " گرفتار دنیا هستند از مجهولاتی که در حیاتشان است به علت قشری و سطحی بودن دریافتشان و علمشان بی خبرند برایشان ایجاد سؤال نمیکند که در نهایت باطل با تمام قدرت وجودشان فرا میگیرند و تمام سکات و حرکتشان در خلاف جهت تکامل سیر میکنند که بنا به منطق قرآن اینان خسران یافتگان هستند و مشرتیان گمراهی‌ها در قبال هدایت و جهت گیریهای انقلابی و تکاملی.

مهم و منظم من یطلب الدنیا بعمل الاخره ولا یطلب الاخره بعمل الدنیا، که ظلم من شخصه، و قارب من خطوه، و ضمن من ثوبه، و زخرف من نفسه للامانه، و اتخذ سترالله ذریعه الی المعصیه.

گروه سوم از مردمان کسانی هستند که دنیا را با کار آخرت می‌خواهند و آخرت را با کار دنیا نمی‌خواهند یعنی به کار دنیا، دنیا را میخواهند، خود را فروتن و افکنده نشان میدهند و گمراهی خود را گونا بر - میدارد و جمع گروه دامنه‌های خود را و نفس خود را به صلاح آراسته اند برای جلب اطمینان مردم در امانت داری، و - پرده خداوندی را که اوستار العیوب است بسه

● حرکت هستی و تاریخ حرکتی است مداوم و گسیختگی در گذشته و حال و آینده آن نیست و همداری میدهد که شما وارثان بدی برای آیندگان نباشید که آنها روزگاری از احوال شما بعنوان یک تجربه تاریخی سود خواهند برد.

مصدق آیات ۶۴ سوره فرقان و آیه ۴ سوره المدثر تشبیه میکنند تا به این وسیله از خاصیت دریا دلی و ستار العیوب بودن ناموس هستی و خدا، پرده‌ای و پوششی برای زشتکاریهای خود بکشند، این گروه از افراد از دیدگاه سیاسی خطرناکترین دشمنان خلق هستند زیرا در گروههای اول و دوم خصلتهای اجتماعی افراد شناخته میشود و جبهه گاملا " مشخصی در مقابل حسق و جریانهای مترقی و تکاملی دارند ولی این مارهای خوش خط و خال با این سادگی مورد شناسایی افراد مومن و انقلابی واقع نمیشوند لذا بیشترین ضربه‌ها را در مواقع حساس به حرکتهای انقلابی و حق طلبانه وارد می - سازند اینان را در اصطلاح امروز میتوان فرصت طلبان نامید که با کمال مهارت در سیستمها و سازمانهای مترقی نفوذ میکنند که به موقع ضربه مهلک خود را بر پیکر آن وارد سازند و کلیه حرکتهای ناشی از این گروه را به عنوان حرکتهای فرصت طلبانه می‌نامند که بارها و بارها خطرات ناشی از آنها را مشاهده کرده‌ایم و این همدارست برای کلیه گروهها و دستجات که قبل از اینک - افراد را در میدان عمل و یا آزمایش کشیده باشند اطمینان آنچنانی برای آنها نکنند و آنها را که صرفا " در یک سری گفتارها و تئوریهها و انتقادهای خود انقلابی نشان دادن‌ها ماهرند بدون اینکه حتی لحظهای مسؤولیتی را قبول کرده باشند تا صداقت و گارایی شان معلوم شود در صفوف متشکل و

● این برده‌های پو شاننده عوارض دنیاست که چشم‌ها را کور و مغزها را علیل و بیشه‌ها را ضعیف و ارزشها را وارونه می‌نماید و انسان را از مسیر اصلی رشد و تکامل باز میدارد.

سازمان یافته خود راه ندهند. و منم من اقعده عن طلب الملک ضو وله نفسه، و انقطاع سببه، و گروه چهارم آنهایی هستند که بغلت ضعف نفس و انقطاع وسیله نتوانستند طلب ملک نمایند و این حالت او را باز داشته است در حال خویش، پس خود را جای زده است بنام قناعت و مزین کرده است به لباس اهل زهد و تقوی " در حالیکه از اهل تقوی نیست نه در حال استراحت شبانگهی و نه در بامدادان " مسئله قابل توجهی که در این گروه به چشم می‌خورد جمله فقر صرته الحال علی حاله می‌باشد و ارتباط آن با ضعف نفس و نتوانستن در تهیه اسباب و وسایل تصاحب آقایی و فرمانروایی در دنیا و کشیدن این حالتها انسان را به حالتی که مجبور به ریا و

دوستان و صلحا . با اندکی دقت حضرت در این فرساز خطبه مردمان جدا از چهار گروه اول را در مراحل مختلف مطرح فرموده‌اند اول اینکه این افراد به تمام امیال خود مهار زداند در نتیجه شناختی که از آخر امور دارند و ایمانی که به روز باز شدن کتاب سیرتها و صورتها و اعمال در دلشان جای گرفته پس با این دلایل میتوان قدم اول برای خلاص شدن از زنجیرهای به اسارت گشاده انسان که نهائیا " او را در قالب یکی از چهار طایفه اول قرار میدهد داشتن شناخت دانست برابر آنچه که در اول خطبه گفته شد مبنی بر اینکه هستی دارای مرجعی است که با حرکت مداوم خود آنرا تعقیب میکند و در نهایت به آن خواهد رسید و دیگر ایمان داشتن بر اینکه در آن جو کتاب

به زمان قادر نیستند ایمان با گذشت زمان عقب می‌مانند و یک حالت ارتجاعی برایشان دست میدهد ولی چون همیشه در طلب ملک و استیلا هستند لذا دست به دامن ریا و سالوس می‌زنند و خود را در لباس اهل زهد و تقوی و تاریکان دنیا ظاهر مینمایند در حالیکه هر لحظه بفکر سلطنت و فرمانروایی هستند و بدینوسیله هم آن شغله تکبر و غرور درونی خود را خابوش میکنند و هم با قیافه انسانهای پاک که حقیقا " وارثان زمین خواهند شد (صلحا) خود را در بین مردم جای میدهند چه بسا با در دست گرفتن سرنوشته عدای از آنها، و موجبات عقب ماندگی و همیشه زیر استیلائی دیگران بودن میشوند آنچنانکه این مطلب بعد از بعضی تحولات اجتماعی در طول تاریخ مشاهده شده است وقتی که جامعه‌ای خود را تکان داده و در حالت جدید زمام امور بدست عدای ضعیف النفس و فاقد اسباب از نظر فکر و اندیشه و تعقل صحیح و منطقی سپرده شد به علت اتخاذ روشهایی که معقول نیست که حاصل از عدم دریافت صحیح مشکلات از قبیل مشکلات اقتصادی، سیاسی، ملیتی و اجتماعی و غیره آن جامعه را از ادامه تحول باز داشته که نتیجتا " همان مستکبران قلبی از درون مرز یا بیرون مرز دوباره استیلا پیدا کرده‌اند همچنانکه مشاهده شد تمامی این گروههای چهارگانه تنها حامی یک نظام هستند نظامی که عده کثیر دیگری را به طور مداوم زیر استضعاف خود قرار میدهند، در چهره‌های گوناگون و مختلف ولی در نهایت پشتیبان یکدیگر و تکمیل کننده راه هم و حافظان همدیگر که نهائیا " منجر به ایجاد جامعه‌ای میشود شرک آلود از تمام جهات شرک طرقاتی با مناسبات زور و قلدری و جپاول و استثمار و مسخ شدن فرهنگ و سنتها و استعما و وارونه نشان دادن ارزشها و احترام که تک تک این مناسبات ظالمانه بر روی افراد جامعه که زمینه عمل آنها قرار گرفته‌اند ظاهر میشود از قبیل فقر، عقب ماندگی فرهنگی، وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی و بدنبال آن مبارزه، زندان، شکنجه، قتل، پراکندگی و واتهام و غیره که در فراز بعدی خطبه سخنی از این دسته از مردم بمیان کشیده‌اند.

وبقی رجال غض ابصارهم ذکر المرجع، و اراق دموعهم خوف المحشر، فهم بینین شریذ ناد، و خائف موقوع، و ساکت مگوم، و داع مخلص، و تکلان موجه، قد اخلتھم التقید، و ملتھم الذله، فهم فی بحراج اجافواهم ضامه، و قلوبهم قرحه، قد اعظوا حتی ملوا، و قهروا حتی ذلوا و قتلوا حتی قتلوا

وبقی رجال غض ابصارهم ذکر المرجع، و اراق دموعهم خوف المحشر، فهم بینین شریذ ناد، و خائف موقوع، و ساکت مگوم، و داع مخلص، و تکلان موجه، قد اخلتھم التقید، و ملتھم الذله، فهم فی بحراج اجافواهم ضامه، و قلوبهم قرحه، قد اعظوا حتی ملوا، و قهروا حتی ذلوا و قتلوا حتی قتلوا

● این برده‌های پو شاننده عوارض دنیاست که چشم‌ها را کور و مغزها را علیل و بیشه‌ها را ضعیف و ارزشها را وارونه می‌نماید و انسان را از مسیر اصلی رشد و تکامل باز میدارد.

دوستان و صلحا . با اندکی دقت حضرت در این فرساز خطبه مردمان جدا از چهار گروه اول را در مراحل مختلف مطرح فرموده‌اند اول اینکه این افراد به تمام امیال خود مهار زداند در نتیجه شناختی که از آخر امور دارند و ایمانی که به روز باز شدن کتاب سیرتها و صورتها و اعمال در دلشان جای گرفته پس با این دلایل میتوان قدم اول برای خلاص شدن از زنجیرهای به اسارت گشاده انسان که نهائیا " او را در قالب یکی از چهار طایفه اول قرار میدهد داشتن شناخت دانست برابر آنچه که در اول خطبه گفته شد مبنی بر اینکه هستی دارای مرجعی است که با حرکت مداوم خود آنرا تعقیب میکند و در نهایت به آن خواهد رسید و دیگر ایمان داشتن بر اینکه در آن جو کتاب

ترازنامه یکساله انقلاب

من زبر سخنرانی
برادر دکتر بمان
است که در تاریخ
۲۲/بیمسن/۵۸ در
محل جنسی مسلمانان
مازاد ابرانداده است
و در شرایط حساس
کوشی، مخاطر
اهمیت مسائلی که در
آن مطرح شده است،
به حاب آن اقدام
کردیم.

امروز سالگرد انقلاب است و ضمن عرض
تهنیت به همه برادران و خواهران، رسم
است در پایان سال، هر مؤسسه یا
سنگلای، برآیندهای از کار خود را عرضه
کند و درباره آنچه که در طول یکسال
گذشته اتفاق افتاده، (ضعفها و قوتها،
خطاها و تسکینها و بیرونیها و...) و
ارزیابی بعمل آورد. لازم است که ما هم
نگاهی به عقب کرده به حوادثی که در
یکسال گذشته اتفاق افتاده، بنگریم و ضعف
و قوت کارمان را شناخته به کمک این
ارزیابی به اصلاح خطاها و استباهات
برداریم و اسوارتر و صحیحتر از پیش در
جهت تحقق آرمانهایمان گام برداریم.
شاید، عین حال لازم باشد تحلیلی از
حکومتی ظهور و رشد انقلاب مطرح شود تا
بنوانیم منظور دقیق انقلاب ایران را ارزیابی
کنیم. مسلما این کار کوچکی نیست و
احتیاج به اطلاعات بیشتر و تاحدودی
گذشت زمان دارد تا تمامی ابعاد و
ویژگیهای انقلاب ایران مورد بررسی قرار
گیرد. چون در عین حالی که تمام انقلابات
تابع قوانین و عملکردهای عامی هستند
ویژگیهایی دارند که توجه بآنها اهمیت
دارد و نادیده گرفتن آنها نوعی ساده
اندیشی، در تبیین مسائل اجتماعی است.

تا بود بود و حالت خودکفایی و تکیه بر
تولیدات داخلی که ایران تا امروز بر آن
محور حرکت می کرد و خودکفایی کشاورزی
یکی از مهمترین آن بود از بین برود تا اولاً
وابستگی اقتصادی - بولی ایران به اقتصاد
امریالیستی کامل شود و ثانیاً - با از بین
رفتن تولید کشاورزی، نیروی انسانی لازم
برای جذب در صنایع جدید و خدماتی که
باید در ایران بوجود بیاید، فراهم گردد.
و همچنین از آنجا که اقتصاد امریالیستی
سنگی به تمرکز سرمایه است، خودبخود
بازرزه با سرمایه های کوچک و خرده
سرمایه داری و تولیدات برانگیزه باید آغاز
می شد و می بایست همگی بخاطر انحصارات
بزرگ ندرجاً نابود می شدند. برنامه های
فرهنگی که در این زمینه باید پیاده
می شد، رواج نوعی فرهنگ سرمایه داری و
مصرفی بود تا زمینه را برای مصرف بیشتر
کالاها آماده کند و آموزش و تربیت افرادی
که بتوانند در سیستم جدید اقتصادی نقش
موتوری ایفا کنند. بنابراین برنامه های
آموزشی، فرهنگی و اخلاقیات میبایست در
جهت تربیت افراد مورد نیاز این سیاست
جدید سلطه جویانه و امریالیستی تدبیر
و ناگذردی انگیزه های رفاهی و مصرفی
تنظیم شود.

کوششهایی بعمل آید، نگهدار این نظام
چه کسی می تواند باشد؟ برنامه اصلاحاتی
که پیاده می شود خواهناخواه می بایست
بسیاری از مناسبات کهنه را در هم بشکند
(مناسبات فئودالی). و سیستم جدید
مدیران اداری و نظامی بوجود بیاورد. این
طرحی بود در رابطه با رشد طبقه متوسط
تحصیل کرده - که چنانکه اشاره شد - قرار
بود علی امینی عهده دار انجام آن شود که
بعدها شاه خود عهده دار این برنامه شد و به
این ترتیب مورد حمایت مجدد امریکا قرار
گرفت و شروع به اجرای این برنامه کرد.
این برنامه ظاهراً بسیاری از شعارهای
سیاسی را که مبارزین مطرح می کردند در
دست می گرفت. انقلاب اجتماعی و
اصلاحاتی که در زمینه تغییر مناسبات ارضی
مطرح می شد، ظاهراً اولین اقدام گسترده
عقبه مناسبات مالکانه و فئودالی بود.

● یکی از ضعف های بزرگ انقلاب ایران و جنبش اسلامی، نارسائی شدید کار ایدئولوژیک و آگاهیهای مکتبی میباشد.

در بعد اجتماعی آن حجاب که الگوی
جوامع سرمایه داری غربی است برای
جلوگیری از دوقطبی شدن جامعه که زمینه
را برای برخورد های جدی اجتماعی بین
گروه های محروم و مستضعف از یکطرف و
سرمایه داران صاحب قدرت از طرف دیگر
فراهم می آورد، یکی از هدف های امریکا
رشد دادن به طبقه متوسط بود که
می توانستند مهم ترین منبع تامین نیروی
انسانی برای سازمانهای دولتی و موسسات
اقتصادی باشد. چون افرادی که از طریق
خدمت در موسسات وابسته به امریالیسم
کسب درآمدهای کلان می کنند، مطمئن ترین
بایگه اجتماعی به حساب می آیند. و این
وضعیت هم به دلیل تفاوتی است که دائماً
بین آنها و توده وجودی می آید. و از لحاظ
اقتصادی در سطح بالاتری قرار می گیرند.
حقوق هایشان خیلی بالاتر است و بهره -
مندی مادی بیشتری دارند. ندرجاً
اشتراک منافع که بیشتر با ملتشان داشتند
از دست می دهند و بیگانگی بین آنها و
مردم افزایش پیدا می کند. طبقه ای جدا و
مستقل از توده می شوند و به دلیل ارتباط
نزدیکی که با امریالیسم دارند، موسسات
اقتصادی و اداری وابسته دارند، در تماس
نزدیکی با فرهنگ امریکایی و اروپایی قرار
می گیرند و لذا زودتر و سریعتر در فرهنگ
غالب مستهلک و جذب می شوند و نیز به
دلیل آنکه منافع مشترکی با سرمایه داران و
اربابان اروپایی و امریکاییشان در دفاع از
سیستم حاکم پیدا می کنند، تضادی که
میان خلق محروم و سیستم حاکم وجود
دارد برای اینها مطرح نبوده و به عکس
منافع و مصالح آنها در بقاء سیستم حاکم
است. از اینرو علیرغم سواد و تحصیلات و
داشتن زمینه های باصلاح روشنفکری عملاً
آلوده به فرهنگ غرب و مجذوب سیستم
حاکم می شوند. ولذا بهترین خدمتگزاران و
تامین کنند های خدمات فنی، علمی،
فرهنگی و حتی مهم ترین منبع ناسن
خدماتی در زمینه تاسیس سازمانهای نظیر
ساواک و نظایر آن قرار می گیرند.
حرکت امریکا بر این اساس است که اولاً
ایران تک محصولی بشود تا تولیدات محلی
و سنتی از بین برود و سرمایه برای ایجاد
صنایع مونتاژ و استخراج مواد خام و صدور
آن، در شرکتها و موسسات وابسته چند
ملیتی تمرکز پیدا کند. ثانیاً درآمد نفت
باید افزایش پیدا کند تا بتواند منبع خوبی
برای منور کردن این طبقه متوسط قرار
بگیرد و هر جا هم احیاناً خلائی بود که به
نظر می رسید فاجعه ایجاد کند تا تزرفتی
موقتی این خلاها را پر کنند.
طبیعی است که وقتی چنین برنامه ای
پی ریزی می شود برای حفظ نظام هم باید

بسی از آن جنبش کاری سابقه ندانست. و
طبیعی بود که برنامه را مصرفی و انقلابی
قلنداد کنند. تکیه گاه بسیاری از مبارزین
سیاسی عمدتاً بر روی نقطه ضعف های
اقتصادی - اجتماعی بود، و شاه و در
حقیقت امریکا سعی می کردند با تکیه بر
روی برنامه های اصلاحی و مترقی در ظاهر
مخالفین را از لحاظ سیاسی خلع سلاح
کنند. و بدین ترتیب مدعی شوند که
طرفدار زحمتکشان و حامی کارگران هستند و
گفتند اگر شما طرفدار دهقان و دادن زمین
به آنها هستید، و ما هم که داریم همین
کار را انجام می دهیم. شما طرفدار رشد و
پسوسه اقتصادی هستید، ما هم می خواهیم
همین کار را انجام دهیم. بدین ترتیب
اقداماتی چون جاده سازی، آزادبهای مدنی،
تساوی حقوق زن و مرد ملی کردن مراعات
جنگلها و تقسیم اراضی و طرح های دیگر که
ابتدا در مواد شش گانه و سپس در مواد
بیست و چند گانه گنجانیده شد و شعار
کردید. آندسته جریانات سیاسی که تکیه
اصلیشان روی شعار نفی استثمار و تضادهای
درون جامعه بود، در برابر این برنامه ها
ناحودوی خلع سلاح می شدند. البته
گروه هایی در مقابل شعار اصلاحات ارضی
آری، دیکتاتوری شاه نه را مطرح کردند.
این شعار توسط لیبرالها طرح شد. قبلاً
دیدیم که لیبرالها جز محدود کردن
استبداد شاه هدفی نداشتند. به همین
دلیل هم می توانستند با این برنامه
(بشرطی که بدست امینی انجام گیرد همراه
با دادن آزادی های سیاسی باشد) موافق
باشند. همین خط لیبرالی که امروز مورد

عقیده گرفت، لیبرالها احساس کردند که
باید با استبداد شاه مبارزه کنند. اما
شعاری که مطرح می کنند، دستها از بینش
بایگه فکری آنان برمی خیزد، استبداد،
نه، اصلاحات آری! آنها نمی توانند دست
امریالیسم را در پشت سر انقلاب شاه
ببینند. چون این تضاد برایشان مطرح
نیست بهر حال این شعار اثری ندارد و
نمی تواند درون توده نفوذ کند. چرا که
مسئله استبداد مسئله ای نبود که در سطح
جهانی منحصر به ایران باشد و حتی
بسیاری نهضت ها و جوامع مترقی که ابتدا
بر ضد استبداد عمل کرده بودند، خود به
نوعی استبداد و دیکتاتوری دچار بودند
لذا نمیتوانستند افکار عمومی جهان را علیه
حکومت شاه برانگیزند. بسیاری نظامات
مترقی در دنیا وجود داشتند که برنامه های
انقلابیسان را با شوه دیکتاتوری با
محمواها و عناوین دیگری پیاده می کردند.
بنابراین شاه هم می توانست خود را در
رديف دیکتاتوره های صالح قرار دهد. بویژه
که بعد از مدتها هرج و مرج و اغشاس
معمولاً زمینه ذهنی جامعه ساده اندیش
آماده پذیرش دیکتاتور مصلح است. بارها
سیده اید یا می شنیدید که می گفتند جامعه
ما احتیاج به یک دیکتاتور صالح دارد، ما
یک آدم خوب می خواهیم. شاه برود و یک
دیکتاتور خوب بیاید. حالا اگر همین شاه
هم از فساد به صلاح باز می گشت مورد قبول
قرار می گرفت. این است که شعار دیکتاتوری
نه در توده بازتاب سریع و صریح و عینی
نمی توانست پیدا کند. جز در سطح
روشنفکران که در خط لیبرالها عمل
می کردند، و با احتیاق و این نوع شعارهای
سیاسی برخورد دائمی داشتند. این یک
بن بست بود. بن بست دوم با تسلط نظامی
و سیاسی شاه بوجود آمد و آزادی هایی که
در طول یکی دو سال ۳۹ تا ۴۰ داده شد
تحت تاثیر همین نوسان سیاست امریکا
بود. بعد از آن احتیاجی بدان نداشتند
لذا جلوی مبارزات گروهها گرفته شد چون
ضرورتی وجود نداشت. مسئله بین شاه و
امریکا حل شده بود. فعالیت احزاب ممنوع
شد، روزنامه ها توقیف شدند و ارتش و
دستگاه های امنیتی بطور کامل بر کشور
سلط گشتند، جریانات لیبرالیستی که
شوه مبارزه شان جدا از بینش سیاسی،
ایدئولوژیکیشان نیست، و تنها شوه
مبارزه برای آنها شوه قانونی و پارلمانی
می باشد. حال که این نوع ممنوع شده
است، کاری نداشته نوز امکان برای
فعالیت آنها هم وجود نداشت. به همین
جهت اعلام سیاست صبر و انتظار کردند
چون رهبری مبارزات در این دوره با
جریانات لیبرالیستی بود خودبخود
مبارزه ای که تا آن تاریخ ادامه داشت از
لحاظ مشی هم به بن بست رسید، وقتی قلم
و زبان مسدود شده یا شکسته شدند و

● شرایطی که در آستانه سال ۴۰ بر جامعه حاکم بود و تحولاتی که رخ داد، سه بن بست را در مقابل ملت ایران قرار داد: یکی بن بست سیاسی، یکی استراتژیک و یکی بن بست ایدئولوژیک.

درهای ریدانها هم بازگشاید چه می توان
کرد، یا سرنیزه که کاری نمی توان انجام
داد!!
و بالاخره بن بست سوم از نقطه نظر
ایدئولوژیک بود، جریانات سیاسی که در
سالهای پیش تا این تاریخ رهبری فکری -
سیاسی مبارزه مردم را در دست داشته،
بدو دستنه بزرگ تقسیم می شدند؛ یکی
جریاناتی که اندیشه مارکسیستی بر آنها
حاکم بود و دیگری که جریاناتی که
اندیشه های ناسیونالیستی و نوعی
سوسیالیزم را دنبال می کردند. نیروهای
ملی و جبهه ملی وابسته بان در یک طرف
و در طرف دیگر هم سازمانهای مارکسیستی.

بخت همگان است در آن روزها با امینی به
سازش و توافق رسیده بود و آماده همکاری با
امینی مجری سیاست امریکا بود و قرار بود
همان برنامه ای که شاه بعداً شخصاً برعهده
گرفت بدون هیچ تغییر ماهیتی اجرا کند. با
این تفاوت که امینی در چارچوب یک نظام
دموکراتیک عمل می نمود و شاه آن را بدست
خودش و برای حفظ قدرت مطلقه خودش
می خواست عمل کند. لیبرالها چون تنها
با استبداد شاه مخالف بودند بنابراین با
برنامه امینی موافقت داشتند. می بینیم که
لیبرالها تضادی با امریالیسم ندارند و
اختلافشان را استبداد شاه است، و چون
شاه امینی را کنار زده و برنامه را خود به

گروه های اخیر با جبرسانی که از پیش
وجود داشت و حوادثی که در دوران نهضت
ملی دکتر مصدق رخ داده بود و بحولات
بعدها تا سالهای ۴۰ - ۳۹ عملاً از حل
تضادهای سیاسی - اجتماعی بازماندند و
نمی توانستند رهمود و تحمیل درست و
بدنیال آن رهنمودی برای تداوم مبارزه در
آن دوره اعلام کنند. یعنی سازمانهایی که
برجدار اندوایدئولوژی و طرز فکر بودند
عجزشان از رهبری و پیشانی خلق نابت
شد و باین دلیل سازمان و جریانی که
می توانست با این اندیشه ها ادامه بدهد
مبارزات باشد در صحنه باقی نماند.
اندیشه های مذهبی هم تا آن تاریخ بعنوان
ایدئولوژی فاتح و حاکم بر مبارزه ملت
ایران مطرح نبود. البته سازمانها و
جریاناتی بودند که با محتوی سیاسی -
اسلامی مبارزه می کردند ولی کارشان در
اعادای نبود که نقش پیرو و بشارت را در
مبارزات ضد استبدادی و آزادبخش ملت
ایران داشته باشند. این سه بن بست ظاهراً
در برابر ملت ایران و تداوم مبارزه قرار
داشت. چگونه در زیر تاثیر کدام عوامل
این بن بستها شکسته شد و ملت توانست
به مبارزه ادامه بدهد و حرکت جدیدی
آغاز کند. بن بست سیاسی را تنها مبارزه
ضد استعماری و ضد امریالیستی می توانست
شکند باین معنا که تحلیل درست از تسلط
امریالیسم امریکا و آغاز مرحله جدیدی از
نفوذ استعمار غرب و رشد دادن سریع به یک
سرمایه داری وابسته و اینکه انقلاب ارضی و
اصلاحات شاه اقداماتی جز برای ایجاد یک
طبقه سرمایه دار وابسته و تسلط کامل
استعمار امریکا نیست عاملی بود که برده
ابهام را از فضای سیاسی ایران کنار می زد و
این کاری بود که انجام شد. درست وقتی
بن بست بسیاری جریانات سیاسی و مخصوص
مذهبی که نیروی مخالف و مقاوم در برابر
اصلاحات شاه بحساب می آمدند در دام
همین اصلاحات و خدعه و تریک امریالیسم
می افتادند و مخالفت با نفس اصلاحات
می کردند باین عنوان که معایب با اسلام
است و یا شاه صلاحیت آنرا ندارد.
می بینیم که یک اشتراکی می گرد که شاه و
جریان این برنامه عامل امریکا و برنامه
بدست امریالیسم امریکاست و اعلام
می دارد که ما مخالفان با رژیم حاکم بدلیل
وابستگی و مزدوری آن در خدمت امریکاست
و این همانطوریکه می دانید شعاری بود که
در آن لحظات امام خمینی مطرح کردند و
در مخالفتشان با حکومت کامل آن روی این
مواضع تکیه کردند و همین شعار را دائماً
رشد و توسعه دادند.
در نتیجه شعارهایی که دیگر روحانیون
و سایر گروهها مطرح می کردند سرعت بی
اعتبار شد. و توده آن شعارها را دنبال
نکرد چون شعارهای درستی نبودند. نه
مخالفت با آزادی زن و مرد، نه شعار
مخالفت با اصلاحات ارضی و نه شعار
مخالفت با استبداد و قبول اصلاحات.
سپه یک شعار در صحنه ماند، مخالفت با
شاه و اتهام شاهی که مزدور امریکا و
امریالیسم است. شاهی که روز بروز تعداد
بسیاری امریکائیان را وارد کشور می کند و
بای مستشاران نظامی و اقتصادی و
سرکشیهای جنس طلبی را به داخل کشور باز
می کند، این چیزی بود که مردم
می توانستند احساس کنند و در مرحله اول
هم تولید کنندگان کوچک و خرده سرمایه -
داران و خرده بورژوازی که بلافاصله زیر تیغ
برنده حاکمیت امریالیسم و سرمایه داری
وابسته قرار می گرفت و رشد انحصارات
داشما همراه با نابودی کامل آنها بود، این
سلطه شوم را احساس کردند و سرعت
عکس العمل نشان داده و در صف مقدم
مبارزات ضد امریالیستی قرار گرفتند
بن بست دوم که بن بست استراتژیک
بود یعنی مشی مبارزه با رژیم، با طرح
مبارزات مسلحانه در برابر استبداد و
نیروی نظامی حاکم خنثی شد و اینرا هم

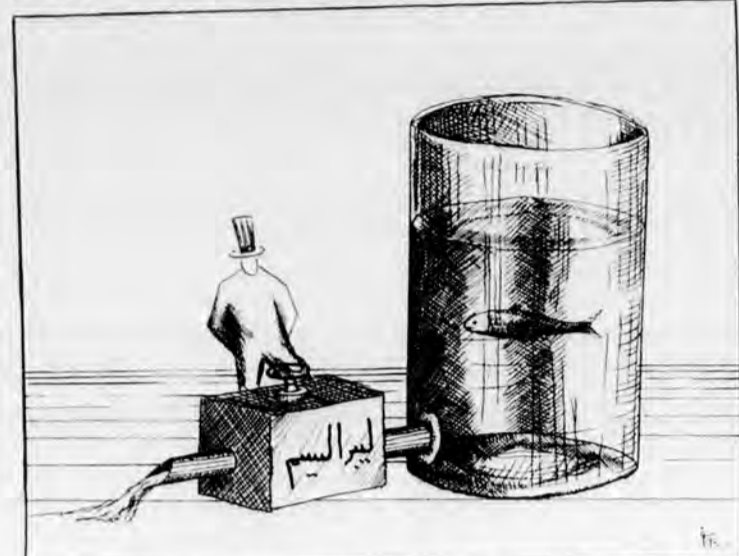
نابود باد امریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع

کروههای متعدد سار جرد در بین مسلمانان و حده غیرمسلمانان با تجزیه و تحلیل‌هایی که از همان فردای خرداد سال ۴۲ تصور برآوردند و بعد با سرک سسری عمل آمد، انجام دادند. این منی معیون سبها راه مبارزه با رژیستی که با سپهره و کجکجه و کسار نه مقابله مردم می‌آید مطرح شد و مورد استنمال تراز کرفت. بهمان درجه که شعار صداسرمالیستی و مبارزه با سلطنت دست‌سازنده آمریکا مورد قبول عامه مردم تراز کرفت. شعار مبارزه مسلحانه علیه رژیستی که کسری حق آزادی بیان و مبارزه و مخالفت برای هنجکس نائل نبود مورد قبول واقع شد. و طبیعی است که برای مردم همسده قبول یک راه حل و منی نظور کامل سراسر است کذراهیای معمولی و ساجحه شده نظور کامل مسدود بود و انکایی برای ادامه در آن سسر وجود نداشته باشد. در آن صورت رسنه؛ دهی و عینی کاملاً آماده برای اسخاد راجلهیای جدید است. این همان است که ما در سس تاریخ معنوی برست، اوج‌بخشاد و غریبکن شدن هر نوع سارس و مصالحه با نظم نشین بیان می‌کنیم. وقتی مللی احساس کرد که به هیچ نسبی و هیچ بهیندی نمی‌تواند با سوهیای کدسه‌هاهنکی نشان بدهد و با آنها کنار نیاید و سائلتیرا حل کند کاملاً آماده است که سوهیای جدید را قبول و دنبال کند.

به نیت سوم با اندتولوزی اسلامی و بازگت به اسلام اصل و طرح و سسین خطوط اساسی بکنت اسلام باز شد. غاطلی که سس از هر جبر محرکی برای روستفکران مسلمان و افراد آگاه و اهل تحقیق و مطالعه و غور و برسی سسر بود. اعتقاد مذهبی غابل دهی تمام ۱۵ خرداد بود. تمام ۱۵ خرداد که بعد از سلطه کامل شاه و مملاتی شدن و سوسف شدن مبارزات فلی انجام کرفت برای سساری سکت‌ایکری بود و جداسی برای تحقیق داشت که، حضور شد بلتی بعد از آنکه اجزاب و سازمانها و رهبران مبارزه کنار رفتند و نواسند ادامه دهند، دنبال تمام چند روحانی امحمن به حیانیها می‌ریزند و جندی هزار نفر شهید می‌دهند و سکوت را در نصای محقق ایران می‌سکنند. چه عامل محرکهای وجود داشت؟ از شهریور ۲۰ به این طرف مدتها می‌گذشت که عامل محرکه اسلامی معنویان یک عامل فائق در جنبشها احساس می‌شد و مکتب و اندتولوزی اسلامی در صحنه عمل اجتماعی خود جرد در خطوط باریک و محدودی می‌تواند بود. اما

یک‌الگوی واقعی در جامعه بناده می‌بود و کوسنها و لالی‌های فکری مبارز و سسروان در همه نترهای سارر صحنه‌های واقعی سناد آن را در زندگی خودشان یک به یک بناده می‌کنند. بطوریکه اادیان هست که اگر واعظی بر روی منبر از بزند هم که صحبت می‌کرد باز داسی‌تد به حرم اینکه چرا کفتی بزند؟! ما سنادیم وقتی می‌گویی بزند منظور شاه است! و لذا بردن نام بزند هم قدس شده بود. در بین روستفکران هم ساسر این معنی در بعد عیسویری بدیدار کنت. اگر در میان بودهای کوسس فکری در آگاه وسیدار کردن وجدان مذهبی و احساسی و مسئولیت سست نه سروسس خودریدیکی اجتماعان ساسر کداسست و لذا در ابعاد غمغیر و بصورت اندتولوزی مطرح نبود اما در میان روستفکران مسلمان و جوانها به عنوان یک اندتولوزی، یک بکنت مورد برسی و تحقیق قرار می‌گرفت. بدین معنی که اسلام نه فقط می‌تواند منی مبارزه در برابر دسین را تعیین کند و نه فقط می‌تواند حقایق تاریخ را سسین کند و سائلت اجتماعی را تجزیه و تحلیل سناد، بلکه می‌تواند بادیاری برای نظام آینده هم ارائه دهد. با هر مطالعه سسر و سکاقتن روانا و دیدن برده‌هایی که ۱۴ قرن بر روی اندتولوزی اسلامی سابه افتکده بود ابعاد جدیدتری از آن آشکارتر می‌شد و روز بروز این اندتولوزی بارورتر و عینی‌تر می‌گشت. باین ترتیب حرکتی در سطح بوده‌ها بصورت فتر و مقاومت در برابر رژیم، اگر چه در دوره اول بطور بهیفته و پنهانی و بعدا بارز و آشکار بوجود آمد و در میان روستفکران بصورت مبارزه‌ای سازمان‌یافته و منکی برنوعی جهان‌بینی و اندتولوزی شروع شد. این جریانات سکاگه؛ اساسی بودند که زسینه‌های یک جنبش بزرگ نوده‌ای را که به پیروزی ۲۲ بهمن منجر شد بوجود آوردند و چون اکنون قصد ما سسین سسر انقلاب نیست کافی است که بهیمن اختصار قناعت شود و تنها رد پای این سه عنصر را در ایجاد جریانی که ماهیت انقلابی - منکی دارد جستجو کنیم. از یک طرف رهبری جنبش که بوسیله طرح تقلید انجام می‌گردد، چه‌ره و نمود نازدای از امامت را که مدنها از صحنه دهنی و واقعت جامعه محوشده بود ارائه می‌دهد و به نیت سیاسی موجود را هم باز می‌کند و به مبارزه، ملت ایران ابعاد نوده‌ای می‌بخشد، همراه با یک عامل ایمانی که در

می‌کرد، کدامند؟ یکی از مواردی که سس از همه سئوال می‌بود نفس امام خمینی است. اول سائل ادعان داشت که جز بعضی گروههایی که اسلامی نیستند و گروههای اسلامی عددا در باده نفس امام خمینی تحت صرح انجام نداده‌اند. و در دسه؛ مخالف و موافق امام هر دو را برخورد صریح و روشی با این مسئله برهیزی می‌کنند. آبهایی که افراد در سطح و حرم دفاع از امام و سسکلتی که در بعضی موارد دفاع کامل از همه بواجع انسان دارد برهیزی دارند و جز



گروههای کلی. هرگز به دقت در باره این مسئله تجزیه و تحلیل ارائه نمی‌دهند، یا برخورد قسری حزمی دارند و مطلق - نکند. به این معنا که وقتی یک چیزی درست نافتند همرا مطلقاً درست می‌پندارند و غاری از هرگونه ضعف و نارسایی می‌بینند. به همین دلیل ضرورتی برای نقد و برسی نمی‌سند - چرا که دللی‌نادره به آن سبزدانند مثل اینکه بخواهیم درکار خدا از نقطه‌نظر ضعف‌های تحقیق کنیم و ببینیم در کار خدا ضعفی هست! وقتی خدا را مطلق می‌دانیم در خلاصیت و دانس و آگاهی و در زیبایی و حکمت و همه؛ اعمال و آثار او را در اوج

همین خط لیبرالی که امروز مورد بحث همگان است در آئروزها با امینی به سازش و توافق رسیده بود. لیبرالها چون تنها با استبداد شاه مخالف بودند بنابراین با برنامه امینی موافقت داشتند

کمال مطلق می‌سناسیم و دللی‌نادره که درباره ضعف و نقص او وارد مطالعه سوم. بعضی در مورد مخلوقات خدا هم این چنین عمل می‌کنند و طرف مقابل هم که مخالف است، بطور مطلق رد می‌کند. آنها هم در یک جنبش وضعیت فکری و برخورد جزئی قرار دارند. و برای برهیزی از سسکلاخی که در تجزیه و تحلیل درست و عینی از این جریان وجود دارد و موارد عینی که بتفرضکننده پیش داوری‌ها و با سسین‌های موجود است، از اینکه وارد این بحث بطور عمیق و صریح شوند ابا دارند و بعضی هم که قضا را کلا" مطلق می‌کنند و غاری از هرگونه نقطه قوت می‌پندارند، باز هم دللی‌نمی‌بینند که یک چیزی را که صد درصد غیرمردمی است مورد ارزیابی جدیدی قرار دهند. اگر برخورد دقیق‌تری این مسئله لازم است به خاطر اهمیتی است که این عامل در طول مبارزات ۱۵ ساله ملت ما داشته و هنوز هم نقش سسار حساس

به همان درجه که شعار ضدامپریالیستی و مبارزه با سلطنت دست‌نشانده آمریکا مورد قبول عامه مردم قرار گرفت، شعار مبارزه مسلحانه علیه رژیمی که کمترین حق آزادی بیان و مبارزه و مخالفت برای هیچکس قائل نبود، مورد قبول واقع شد.

و تعیین‌کننده‌ای در سروسس انقلاب دارد و تا زمانی که امام در صحنه است و حضور دارد این نقش را می‌تواند ایفا کند. و بخصوص بدلیل اینکه برداشتهای غلط از هر دو جانب موجب موضع‌گیریهای غلطی شده که نتایجش در حوادث یکساله اخیر چه مثبت و یا منفی بسیار با اهمیت بوده می‌بایست دقیق‌تر با این مسئله برخورد می‌گردیم و موظفیم برخورد کنیم. چرا که سسر گرفتن این امر در صورتی که به یکسال گذشته‌گاه کنیم خواهیم دید که باعث ضعف‌ها و انحرافات و اشتباهاتی شده است که اگر رخ نمی‌داد بدون تردید سسر حرکت انقلاب ما در یکسال گذشته به‌گونه‌ای دیگر می‌توانست باشد، و ما امروز با دست‌آوردهای بهتری در طول نازده ماه مواجه و همراه می‌بودیم. بزرگترین و شاید سهم‌ترین ایرادی که همیشه وارد می‌آید،

مسائل و ضعف مواضع اندتولوزیک و باریکی تجزیه و تحلیل‌های سیاسی است. حال نه سسله سیرداریم. در این رابطه دو دسه عوامل فائل محتساده؛ یکی عوامل جامعه‌سناسی، (در اینجا بخصوص بوجه کسانی را جلب می‌کنم که علاقه دارند با مسائل احساسی برخوردی منطقی با باصلاح علمی کنند)، کسانیکه برای جامعه قانونمندی قائلند، تاریخ را عنت و تصادفی نمی‌دانند، کسانیکه برای شخصیتها نفس‌انسانهای و قهرمانی قائل نیستند، آبهایی کداریخ را تابع قانونمندی و حساب و کتاب می‌دانند. آنان می‌بایست اینطور برخورد کنند و جزئی از افراد بخواهند که ضروریهای جامعه اصضا نمی‌کنند. سسین سوجدی در تاریخ و در جامعه‌سناسی بما آخاره نمی‌دهد که جامعه و تاریخ را تابع هوسیا و نفسیات افراد بدانم و بحولات احساسی و انقلابات را راننده؛ اراده یک فرد، یا مصمم‌گیری عناصر سرفرد تلقی کنم. بلکه حرکت احساسی برای خود قانونمندی و حساب و کتاب دارد و اگر ضروریهای تحقیق پیدا کنند و جمع شوند امکان ندارد که یک جنبش تحولی رخ دهد. این بختی است در اندتولوزی که در صورت امکان انسان‌الله بعدها مطرح خواهد شد. ولی همسفر بدانیم که وقتی فرار است یک حادثه‌ای رخ دهد، یک تحول کفتی در جامعه انجام پذیرد، یک چشم صورت کرد، لازمه آن وقوع یک سلسله تغییرات کمی و کیفی می‌باید و اگر همه آن تغییرات نسلی انجام نگیرد و نمایی آن شرایط جمع شود، آن حادثه بزرگی را که انتظار داریم، آن تغییر کفتی بزرگ که معادل کلی جامعه را باید عوض کند و وضعیت نوین بوجود آورد رخ نخواهد داد. این دقیقا همانند تغییراتی است که در صحنه طبیعت هسی رخ می‌دهد. در آخا هم برای انجام تحول در ماهیت یک ماده و یک عنصر یک سلسله تغییرات فلی لازم است و آن تغییرات حتما باید رخ دهند، تنها فرقی اینست که تغییراتی که شما در جامعه با آن روبرو هستید، بیشتر از آنچه که مستقل از اراده؛ انسانها واقع شوند تابع عملکرد من و شما هستند. انقلاب کامل وقتی رخ می‌دهد که برطبق معیارهای مکتب در برخورد نهایی و قهرامیز حق و باطل، باطل بکلی نابود شود و جایگزینی توسط مستضعفان بانقوا انجام‌گیرد، و منقین به بیسواپی و امامت برسند. اگر قرار باشد ابتدا مثلا" ۵۰۰/ تغییر (کمی و کیفی) رخ دهد، اگر شما ۴۹۹ تغییر را انجام دهید و یکی از آن تغییرات و شرایط باقیمانده باشد انقلاب رخ می‌دهد اما نه آنچنانکه شما انتظارش را دارید و در مکتب پیش‌بینی شده، در ایجاد این تغییرات است که من و شما دخالت داریم و مسئولیم. ممکن است ما این تغییرات را در ظرف ۵ سال انجام دهیم، یا سالیان‌آگاهی و با سازمان‌یافتگی. و با ممکن است این تغییرات را در عرض ۱۰ سال بانجام برسانیم، آن دیگر بسته به کیفیت عملکرد و آگاهی ما است و نیز به سازماندهی و تشکل و نیرو و اراده‌ای که پیشش می‌گذاریم. در جریان قیام روز ۲۲ بهمن با مطالعه واقعت جامعه‌سناسی در پیروها و انقلاب منوجه می‌شویم که شرایط برای انجام یک تحول کامل انقلابی آماده نیست و لذا نباید انتظار یک جایگزینی کامل بوسیله؛ مستضعفان و منقین را داشته باشیم، در آن صورت شما چگونه انتظار دارید که دسنی از غیب برآید و معجزه‌ای انجام دهد که برخلاف قوانین و سنهای تاریخ است. مگر اینکه شما اصولا سکر قانونمندی در تاریخ باشید، و بگوئید نه اینها همه بوج است، یک فرد هم می‌توانست معجزه کند، در حالیکه این‌گونه معجزات برای انبیا؛ هم قائل نیستیم و انبیا؛ هم حسن ادعایی ندارند که برای پیشبرد اهداف اجتماعی و انقلاب معجزه کرده‌اند بخصوص در تجزیه؛ پیامبر اسلام که حرم‌کننده نبودند. در این تجزیه؛ آخرس که باید سمرسنت جاودانه؛ سسلها و اسامها در همه؛ تاریخ باشد، معجزه‌های برای پیشبرد هدف و مبارزه با باطل انجام نکرقت. معجزاتی که برای انبیا؛ قائلیم اساسا برای اثبات حقانیت‌هدف و صداقت سامبر است. اگر هم مطرح است، نه برای پیشبرد هدف، نه برای از میان برداشتن مانعی که توده‌ها نمی‌توانند بردارند و شرایطش آماده نیست، اگر این چنین بود ما نباید ۱۴۰۰ سال زیر چکمه؛ جلدانان و درخیمان و ظالمین بسر برده باشیم و نباید چند صباحی بعد از رحلت پیامبر انقلاب اسلامی منحرف شود و جایگزینی توسط سسمرکان و اشرف انجام گیرد و مکتب از صحنه کنار زده شود و نظام غیر اسلامی حاکم گردد. چرا شد، اگر چنین معجزه‌های میسر بود، باید پیامبر اسلام این معجزه را انجام میداد، پس قانونمندی جامعه و سنت الهی را فراموش نکنیم، نه اینکه قاعده‌ای را قبول داشته باشیم ولی در عمل نتوانیم بکار ببریم و با فقط در کتاب بماند، یعنی در کتاب‌ها بخوانیم اما در برخورد بسا

ترازنامه یکساله انقلاب

بقیه از صفحه ۹

واقعتهای اجتماعی قدرت بکار بردن را ندانسته باشیم و متأسفانه این نوع آگاهی و سبوه و عملکرد رواج دارد. مطالعات ایدئولوژیک و مکتبی انجام میدهم اما در عمل نمیتوانیم ارتباط آن را با واقعیتها روشن کنیم و نمیتوانیم آنها را بصورت رهنمود در بیاوریم و ابزار و معیاری برای تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی بدست دهیم. اینجاست که باید همه ما و شما خواهان و برادران هشیار باشیم که کار ایدئولوژیک به معنای واقعی و جدی آن انجام دهیم و نه اینکه آنرا شوخی و سرسری بگیریم و ساده انگاری کنیم و آن یکی از ضعف های بزرگ انقلاب ایران و جنبش اسلامی، نارسائی شدید کسار ایدئولوژیک و آگاهیهای مکتبی میباشد و بر شمس که با دقت و هوشیاری و باستانکار زیاد و سازمان یافته روی مکتب کار کنید. بدوی که مکتب بتواند راهنمای واقعی عمل اجتماعی ما باشد، مسائل ما را تبیین کند و دعوت کابلی بین ذهن و عین بوجود بیاورد. غالباً مشاهده می کنیم بین آنچه میدانیم و میگوئیم و آنچه واقعیت دارد تضادی هست و نمیتوانیم بین آنها هماهنگی بوجود آوریم، غالب نظاهرات کمسخنی شخصیت ها و دوگانگی رفتارها و موضع گیریهای چپ و راست و زیگرگی و هردم بیک طرف مایل شدن ناشی از همین عدم هماهنگی و ارتباط بین ایدئولوژی و واقعیتها جامعه و یعنی بین ذهن و عین است. وقتی استدلال کردیم که تجربه انقلابی در سالهای قبل از ۲۲ بهمن از لحاظ رشد آگاهی و تشکل و عمل انقلابی برای تغییرات انقلابی و جایگزینی کامل مستضعفان (محرومان و انقلابیون و متقین) کافی نبوده است چگونه انتظار داریم که این جایگزینی صورت گیرد. این خلاف

ست است. "ای الله ای جبری ولا مورالا باسپها" خدا ابا دارد، که کاری را بدون اسباب و وسایل و عملکرد قانونی انجام دهد. خداوند، سقما "خدا از قانونمندیها و سنتهایی که حاکم کرده است کاری انجام نمیدهد و دیگر اینکه نباید انتظار داشته باشد که در سنت الهی به خاطر میل و هوس ما و آرزوی ما تغییر رخ دهد" فلس تجد لسه الله تبدیلا" امکان ندارد در سنت الهی در تاریخ و در زندگی اجتماعی تغییر ببینیم. آن وقت شما چگونه انتظار دارید قوانین آهمن تاریخ و سنت حنی و لایتیر در جامعه اجاره چنین جایگزینی را بدهد. امام خمینی بیاید و چنین جایگزینی را انجام بدهد. این میسر نیست، همان اندازه که شرایط اجتماعی اقتضا میکند و متناسب با رشد و موضعگیری هر یک از نیروها، نیروهای لیبرال و مرجع در یک طرف، و نیروهای انقلابی در طرف دیگر، و نیروهای مکتبی و منقی در یکطرف و نیروهای غیر مکتبی و مناقق در طرف دیگر، جایگزینی چگونه انجام میگردد. چنانکه در عصر پیامبر اسلام و پس از این ایشان متناسب با قوت و ضعف هر یک از این دو نیرو انجام گرفت. در عصر ما هم عیناً همان راه طی شد. از یک طرف نیروهای انقلابی شاه را در زندانها و سیاه سبجها و در زیر شکنجه ها قرار گرفته و نابود میشدند و قدرت اظهار وجود از ایشان گرفته میشد و همین دلیل نمی توانستند باقی باشند و کمترین حرکت اجتماعی و فکری آنها کافی بود که آنها را از صحنه و از تماس و از رابطه نزدیک با توده محروم کند و در نتیجه سازمان و عملکرد آنها یکسره محو بشود و کسار برود. و همین فشار و اختناق رژیم مانع از رشد کمی و حتی کیفی این نیروها میشود، چرا که اگر فشار از حد معینی بیشتر باشد برای مدتی میتوانند جلوی رشد کمی و کیفی حق را بگیرند و درحالیکه برقراری ارتباط مستمر و دائم بدلیل فقدان شرایط آزاد از لحاظ انتشار افکار و صحبت کردن با مردم برای نیروهای پیشرو و انقلابی وجود نداشت در مقابل نیروهای لیبرال که در شرایط آزاد قبل از تحکیم رژیم آریامهری در بعد مبارزه ضد استبدادی برای مردم شناخته شده بودند و از اینرو در جریان اخیر شرایط برای رشد نیروهای لیبرال مفتضی و آماده تر بود و بعد هم بعلمت عملکرد آمریکا این فضا بازتر شد و لیبرالها نتوانستند بعنوان هیربان مبارزه سیاسی بین مردم موقعیتی برای خود کسب کنند. ک صورتیکه نیروهای انقلابی که در شرایط اختناق تولید پیدا کردند و رشد کردند، شرایطی که ارتباط دائم آنها را با توده میسر کند، تقریباً غیر ممکن و با بسیار دشوار بدست می آید. از اینرو در حرکات پس از پیروزی مرحله اول انقلاب ما نمیتوانیم این هر دورا در یک سطح از لحاظ جایگزینی قرار بدهیم. چرا که زمینه های مساعد و یکسان برای نیروها وجود ندارد. لیبرالها در آن مقطع خاص از زمینه اجتماعی کافی و کادر و سازماندهی لازم و فرصت برای خود نشان دادن بهره مند بودند از اینرو نتوانستند بعضی مواضع رهبری را اشغال کنند. عامل کمک کننده دیگر برخورداری از حمایتهای آمریکا و مطبوعات امپریالیستی در داخل و خارج برای معرفی آنها به عنوان رهبران اجتماعی و مخالف رژیم شاه برای مطرح نشدن نیروهای انقلابی و خودجوش مردمی که عماداً سعی میشد با بی اعتنائی در گمنامی کار زده شوند در اینجا برای بعضی این سوال مطرح میشود که اینها درست، اما بالاخره این دولت را امام بسر کار آورده است و میتوانست بیاورد، و میتوانست کسی دیگری را به این کار بگمارد. با همه این حرفها که مزینیم و دلایلی که میآوریم باز هم میگویند امام نمیتوانست کسی دیگری را بیاورد. بسیار خوب مام میگوئیم امام را همین واقعیتها روبروست. این جا بحث از مطرح کردن اشخاص نیست و هرگز نباید یک انسان را عاری و مصون از خطا و اشتباه بدانیم. این خلاف اصول مکتب ماست و کسانی که این گونه برخورد میکنند، خود را دچار مشکل کرده و کار مبارزه ایشان به انحراف و بن بست میرسد. هر فردی خطا میکند این جا باید به این نکته دقیق توجه کنید که آن چه ما درباره یک فرد میتوانیم مطرح کنیم این نیست که آیا این فرد در زندگی میتواند اشتباه کند یا نه؟ و اینکه هرگز خطا کرده یا نکرده؟ هرگز چنین قضاوتی ممکن نیست. شما چه کسی را می



توانید سال بیاورید که هرگز اشتباه نکرده باشد و چه کسی را سنبولند مثال زیند که لائل بگزار خوب در زندگیش انجام نداده باشد. در مورد افراد با بررسی تک تک اعمالشان نمیتوان قضاوت کرد. با دیدن یک خطا و ده خطا نمیتوانیم فردی را بد بدانیم و با دیدن چندین عمل خوب بگوئیم، نه، شخصی را مطلقاً خوب بشماریم. روش صحیح بررسی و قضاوت در مورد افراد در جهت گیری کلی و اساسی آنها در زندگی و تاریخ است که باید مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد. فی المثل ببینید این فرد به جانب شرق یا غرب در

مقطعی خاص حرکت میکند یا در مقطعی عملی می بیند که با انتظارات شما مغایرت دارد. صرف این حرکات را مبنای قضاوت قرار ندهید. بلکه شخصی را در طول تجربیاتش در بستر زمان مطالعه کنید. ببینید جهت کلی حرکت او در کدام طرف است. این رهنمود را قرآن به ما میدهد. قرآن نمی آید انسانها را در مقطع زمانی خاص و بطور مکانیکی مورد بررسی قرار دهد. با انسانها بطور دینامیک و در حرکت آنها در بستر زمان برخورد میکند. "ای وجهت و جهی للذین حنیفا" فطرت الله الی فطر الناس علیها" - من در جهتی حرکت میکنم، این نیست که تمام اعمال من همانست، جهت کلی حرکت من همان است که قانون بندی تاریخ و سنت های الهی است. و خلقت خداوند بر آن اساس است. یک انسان بویای راه تکامل انسان سرپیزی نیست که بدون اعوجاج می رود. نه، ممکن است حرکت او زیگرگی هم باشد مانعی بوجود نیاید، به طرفی حرکت کرده و اشتباه کند. در حقیقت انسان بویای راه تکامل که نمودار مختصات زندگی در کل سمت خدا باشد و مجموعه زندگی علی رغم خطاها و نیکی - هایش سمت الله در جهت حرکت بدن او باشد و آنگاهست که نمیتوانیم بگوئیم فلان فرد خاص جهتش موافق جهت الله است یا مخالف الله. مسئله سرعت و کیفیت حرکت بسمت الله نیز مطرح است که از بحث ما فعلاً خارج است. اینستکه برخورد شکنی و مقطعی نمیتواند ملاک تشخیص محکم و درستی باشد مثلاً "مکن است کسی رو به قبله آمده باشد روزی ۵ بار رو به قبله نماز گذارده باشد، ولی زندگی، جهت کلی زندگی در جهت شیطان باشد.

حمله به مسجد زاهدان

از جندی پیش حملات منظم و گسترده ای در سراسر کشور به تحریک عوامل واپس گرا به کتابخانه های مساجد صورت میگردد. کتابخانه ها که غالباً در حکومت شاه به همت جوانان مسلمان و متعهد برای نشر ایدئولوژی اسلامی تاسیس شدند و اغلب کانون آگاهی بخش و مبارزه و انقلاب بودند. یکی از برجسته ترین نمونه این کتابخانه ها کتابخانه مسجد جامع زاهدان است که در شرایط سخت و سیاه رژیم شاه بدست جوانان مسلمان و مبارز زاهدان تاسیس و خدمت پروری در نشر آگاهیهای مکتبی در زاهدان نمود. جندی پیش کتابخانه فعال به تحریک روحانی مسجد - مورد تعرض عدلای قرار گرفت و درهای آن بسته شد و از فعالیت افراد و جوانان متعهدی که سالها درباره آن زحمت کشیده بودند. تار و مار شدند. آیا قرار است در دوران انقلاب پس از آنکه برای جندی مساجد بصورت مراکز فعال و زنده تلاش فکری و انقلابی در آمده بود به وضع اسف بار سابق بصورت خانه های مرده و متروک درآید؟ این است معنای خدمت به اسلام و احیای مسجد در حکومت اسلامی؟

جنایت فتوای هادرده

بقیه از صفحه ۴

هنگی در یک خانه سکونت داشتند) و وقتی به آنها می گویند که هرچه زودتر وام گرفته شده را بپردازید، حسین علیزاده را به مرگ تهدید می کنند در ۵۸/۱/۱۴ به حسین علیزاده در سر جاده حمله می کنند و با جاقو به پیشانی او می زنند که بعد از انتقال به بیمارستان آمل به علت وخیم بودن حالش پزشکان جوابش می کنند او را به تهران می برند و در بیمارستان مهران حدود یک هفته بیهوش و حدود یک ماه بستری می شود و در همان روز حدود ۱۵۰ نفر پاسدار و ارتشی به بیشه گلآذین آمدند مردم هم در دو طرف جاده تحصن کردند در این موقع پاسداران دارودسته حقیناه و بیشه گلآذین را خلع سلاح می کنند و ۵ نفر از آنها بنامهای ۱- آقاچانی حقیناه ۲- عزت حقیناه ۳- یحیی دهقان ۴- اسفندیار بیشه گلآذین ۵- رمضان زروق دستگیر شدند که فرار شد بعد از محاکمه این پنج نفر وضع زمینهای غصب شده توسط این فتوای هادرده مشخص بشود.

در سال ۵۱ الی ۵۲ یکی از کشاورزان بیشه گلآذین احتیاج به زمین برای کشت داشت و وقتی پیش حقیناه می رود و از او خواهش می کند، حقیناه در ازای دادن زمین خواهان دختر ۱۴ ساله او می شود ولی پدر دختر قبول نکرد. تا اینکه در یک شب خاله دختر، دخترک را اغفال کرده او را به حقیناه می سپارد و حقیناه او را به بابلسر می برد و پس از صست کردن به او تجاوز کرد و با گرفتن ۲۰ هزار تومان سفته از علی اصغرپور دختر را به صینه او درمی آورد تا اینکه دختر بالغ شود و بعد به عقد رسمی اصغرپور درآید.

به تهران می برند و در بیمارستان مهران حدود یک هفته بیهوش و حدود یک ماه بستری می شود و در همان روز حدود ۱۵۰ نفر پاسدار و ارتشی به بیشه گلآذین آمدند مردم هم در دو طرف جاده تحصن کردند در این موقع پاسداران دارودسته حقیناه و بیشه گلآذین را خلع سلاح می کنند و ۵ نفر از آنها بنامهای ۱- آقاچانی حقیناه ۲- عزت حقیناه ۳- یحیی دهقان ۴- اسفندیار بیشه گلآذین ۵- رمضان زروق دستگیر شدند که فرار شد بعد از محاکمه این پنج نفر وضع زمینهای غصب شده توسط این فتوای هادرده مشخص بشود. ولی بعد از ۲۵ روز ۳ نفر از اینها بنامهای عزت حقیناه، یحیی دهقان و اسفندیار بیشه گلآذین آزاد شدند که مردم در اعتراض به آزاد شدن این افراد به دادسرای آمل رفتند و از دادستان جوابی علل آزادی فتوای هادرده شدند که دادستان آمل در جواب گفت چون زندان جا نبود تا آنها را با وجهالضمان آزاد کردم تا وقت محاکمه آنها به دادسرا بیایند مردم در اعتراض گفتند که رمضان زروق را آزاد نکنید چون ما را تهدید کرده و گفته که تا ۱۰ نفر از اهالی را زندم بدهد ما می گردیم دادستان هم قبول کرد که زروق را آزاد نکند ولی بعد از ۶ روز رمضان زروق را هم آزاد کردند. و این بی توجهی دادستان انقلاب باعث شد تا طی توطئه ای که توسط این فتوای هادرده انجام گرفت در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۹ در اثر یک نقشه حساب شده جوان بیست و پنج ساله ای بنام اسکندر رضانی که بارها توسط فتوای هادرده تهدید به مرگ شده بود بدست عوامل آنها (حسن صفری) بشهادت رسید و در پی آن در روز ۵۸/۱۲/۲۰ مردم روستا بعد از دفن شهید رضانی به عنوان اعتراض به عدم رسیدگی شکایتان به خانه فتوای هادرده حمله کردند و از ساعت ۸ صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر جاده محمودآباد بابلسر را مسدود نمودند و خواهان آمدن دادستان به محل حادثه و رسیدگی به وضعیت بودند و در طی آن حدود ۶ تا از خانه فتوای هادرده از خم دهقانان دچار حریق شد و بعد از آن ساعت ۴/۵ با آمدن دادستان به محل و قول دادن در مورد دستگیری عوامل و همچنین عذرخواهی از کار گذشته اش راه باز شد. بعد از آن فتوای هادرده در استاندارت بعنوان اعتراض به عمل دهقانان تحصن می کنند و خواهان پرداخت غرامت خود

در ۱۳ فروردین ۵۸ بدنیال درخواستی که در مورد خلع اسفندیار بیشه گلآذین از شرکت تعاونی (اسفندیار بیشه گلآذین دهقان، رئیس حزب رستاخیز، عضو انجمن شهر، رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی بود) حدود ۴۵ چاقدار که توسط فتوای هادرده هدایت می شدند به بیشه گلآذین حمله می کنند و ۱۱ نفر از مردم را زخمی می کنند که در روز ۱۴ فروردین ۵۸ مردم شکایتی از فتوای هادرده به استانداری فرستادند که شکایت آنها از استانداری به دادسرای آمل و از دادسرای آمل به کمیته محمودآباد انتقال یافت و این شکایتنامه تا تاریخ ۵۸/۲/۲۴ در کمیته محمودآباد معوق ماند و چون خبری از شکایت آنها نشد، مردم برای اعتراض به این مسئله به کمیته محمودآباد رفتند و خواهان رسیدگی شکایتان شدند ولی در آنجا هم چاقو بدستان فتوای هادرده در حیات کمیته به مردم حمله می کنند (در مقابل حمله چاقو بدستان، کمیته بی تفاوت می ماند) چند زخمی از خود بجای گذاشت. بعد از این حادثه مردم برای رسیدگی به شکایتان به فرمانداری آمل رفتند و زیر باران در حیات فرمانداری متحصن شدند ولی چون فرماندار آمل در فرمانداری حضور نداشت، آنها دستجمعی به دادسرای آمل رفتند و خواهان رسیدگی شکایت خود شدند که دادستان آمل در جواب آنها می گوید که به شکایتان رسیدگی نمی کنیم ولی مردم روی خواستشان پافشاری می کنند. از آن طرف حقیناه آنها را تهدید می کند که اگر تحصن کنید، شما را می کشیم که این تهدید روی پیرمردها اثر گذاشت و به ده خود بازگشتند.

- بنام خداوند درهم کوبنده ستمگران
- ۱- بار دیگر ما کشاورزان قریه روستای بیشه گلآذین هراز از توابع شهرستان آمل همیستکی خود را به جمهوری اسلامی ایران و وفاداری خود را به رهبر انقلاب امام خمینی اعلام می داریم.
 - ۲- ما مصرا نه از استاندارد مازندران می خواهیم که عاملین اصلی قتل شهید اسکندر رضانی که در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۹ که در اثر یک توطئه حساب شده صورت گرفته دستگیر کرده و خواستار اشد مجازات برای آنها می باشیم
 - ۳- ما هر نوع حمایت از این نوع فتوایهای وابسته رژیم سابق و آنان که بشیرمانه سالیان دراز ما را تحت ستم و استثمار خودشان قرار می دادند محکوم می کنیم.
 - ۴- ما از استانداری مازندران می خواهیم که آقایان عزت الله حقیناه نماینده فاطمه بهلوی و شیافکن بیشه گلآذین رئیس خانه انصاف سابق بیشه گلآذین اسفندیار بیشه گلآذین عضو انجمن سابق شهرستان آمل و دهقان سابق بیشه گلآذین رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی منطقه و عضو فعال حزب رستاخیز منحل و رمضان زروق آبادی و سران چماق بدستان (سالارچاق معروف بیشه گلآذین) که بارها مردم بی دفاع این روستا را بی شرمانه مورد حمله قرار داده و هربار تعدادی را مجروح ساختند می باشیم
 - ۵- ما خواهان مصادره کلیه اموال و زمینهای آنها توسط آنها غارت شده است بنفع مستضعفین می باشیم
 - ۶- ما از استانداری مازندران می خواهیم که نامبردگان را در دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان آمل تا با شرکت کلیه کشاورزان این روستا و روستاهای دیگر تحت ستم آنها محاکمه کردند.
 - ۷- ما آنان را که از طریق رادیو و مطبوعات مبادرت به بخش خبرهای نادرست نمودند تکذیب نموده و از آنها می خواهیم مطالب درست را در محل حادثه بررسی و آنرا در مطبوعات درج و از رادیو پیش نمایند.
 - ۸- تا تحقق خواسته هایمان بتحصن خود ادامه خواهیم داد.

ماهیت و عملکرد

- بیش از پیش تقسیم شده و دچار اختلاف میباشد.
- مشي رسمي، آنچيزی که توسط گروه برزینسکی و همچنین از جانب پاره ای از مقامات وزارت امور خارجه به کاخ سفید توصیه میشود، بنا میشود بر مبنای این تز که در شطرنج ژئوپولیتیک کنونی، سقوط شاه بدون شک چون شکستی برای آمریکا بحساب خواهد آمد. برزینسکی سیاست همکار قبلی اش هانری کیسیج را تأیید میکند برزینسکی حتی مدافع سیاست تأیید فاعلتر شاه بود.
- ... امروز فراوانند در وزارت امور خارجه و در پنتاگون کسانی که تعبیر رادیکال سیاست آمریکا را که بنظر آنها تنها راه امکان مقابله با اوضاعی را که در ایران در پیش است به آمریکا خواهد داد، تجویز میکنند. تاکنون آنها شنیده نمیشدند، لیکن هنگامیکه در نهایت متوجه شدند که بحران ایران از میان نمیرود، کارتر معاون وزارت امور خارجه جرج بال را برای داشتن یک گزارش مستقل درباره ایران دعوت کرد. نتایج اعلام شده توسط جورج بسال برزینسکی را خطا کار خواندند. (۹۳)
- (۸۲) - روزنامه لیبرالسیون مورخ ۲۰ دسامبر ۷۸
- (۸۳) - ص ۱۱۴ تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران نوشته: پروفیسور گریگوری لوویچ بوندارفسکی
- (۸۴) - ص ۷۱ - ۷۲ تاریخ توسعه طلبی آمریکا بوندارفسکی
- (۸۵) - لوینیه ۲۱ دسامبر ۷۸
- (۸۶) - آینده شماره ۱۶۸ مورخ دیماه ۵۷
- (۸۷) - روزنامه فیکارو مورخ ۲۷ دسامبر ۷۸
- (۸۸) - روزنامه لوموند مورخ ۲۷ دسامبر ۷۸
- (۸۹) - روزنامه لورور اوآر دسامبر ۷۸
- (۹۰) - روزنامه آینده شماره ۱۶۹ مورخ ۸ دیماه ۵۷
- (۹۱) - روزنامه لوماتن مورخ ۲۸ دسامبر ۷۸
- (۹۲) - روزنامه لوماتنیه مورخ ۲۹ دسامبر ۷۸
- (۹۳) - روزنامه لوماتن مورخ ۲۹ دسامبر ۷۸

درود بر رهبرانقلاب، امام خمینی

سیری در اندیشه‌های اقتصادی

۷

"آدام اسمیت" آفریننده
لیبرالیسم اقتصادی

آدام اسمیت (۹۰ - ۱۷۲۳)، بنیانگذار لیبرالیسم اقتصادی در اسکاتلند متولد شد. اولین مطلبی که درباره اسمیت می‌توان گفت اینست که نگرش او نسبت به کشاورزی گرایان را مقایسه با نگرش او در قبال تجارت‌گرایان متفاوت بود. از تجارت‌گرایان شدت انتقاد می‌کرد و آنها را دشمنان عقیدتی خود می‌دانست. اما کشاورزی‌گرایان را بخاطر مازاره آنها علیه محدودیت‌های تجاری - که توسط تجارت گرایان موجود آمده بود - دوستان و متحدانی می‌دانست که همان هدف او را منتهی از راهی متفاوت دنبال می‌کنند. بطور کلی اسمیت از هر کسی که طرفدار آزادی (از نوع سرمایه‌داری آن) از حمله آزادی اقتصادی بود حمایت می‌کرد. این جوهر اصلی لیبرالیسم است. این زبان حال بورژوازی بسوز فرس ۱۸ است که علاقه‌ای به دخالت‌دولت در امور ندارد. ولی هنوز در لفافه زمسرداری پوئانده شده است. در حقیقت این، زبان حال گروهی از لیبرالهای ایران (بویژه لیبرالهای سنی) نیز هست.

در سال ۱۷۵۹، اسمیت اولین اثر علمی عمده خود را بنام "نظریه احساسات" منتشر کرد. در این کتاب اسمیت به اخلاق مسیحی‌ناخت و نوعی اخلاق مادی بنا نهاد. او معتقد بود که اخلاق اساساً زائیده نظم اجتماعی - اقتصادی جامعه است و بر آنکه اخلاق دینی دهنی را رد کرد. اصل انزاعی اخلاقی را حاکمین آن ساخت و آن "اصل همدردی" بود. در بخشی از این کتاب که تحت همین نام است، بیان می‌دارد که احساس همدردی، انسانها را از خودمحوری و خودخواهی دور می‌سازد و زندگی را در جامعه خوشایند می‌کند.

اسمیت معتقد بود که انسانها به همبازی و تفاهم احساس‌دارند تا بتوانند زندگی سادی داشته باشند. بنظر او اگر اینها نباشند، بازم زندگی تحت تاثیر انگیزه‌های مادی ادامه می‌یابد ولی سادی و لذت‌بخشی آن کمتر خواهد بود؛ اگر زردان و جانبگاران هم بخواهند اجتماعی تشکیل دهند، حداقل باید از حیاول و کشاورزی دیگر خودداری ورزید.

در کتاب اول خود اسمیت از نیروی اخلاقی (اصل همدردی) که انسانها را بهم پیوند می‌دهد صحبت می‌کند. ولی در کتاب بعدی که معروفترین اثر اوست (ثروت ملت‌ها)، انگیزه اقتصادی جای انگیزه اخلاقی را در رفتار انسان می‌گیرد. بدین ترتیب که هرکس باید فرصت آزادی داشته باشد تا نفع خود را تعقیب کند و چنین وضعی به نفع همه مردم جامعه تمام خواهد شد. بنظر اسمیت هر کس می‌کوشد سرمایه‌اش را طوری بکار اندازد که محصولش بیشترین ارزش را داشته باشد. شخص هنگامیکه چنین کاری را می‌کند، در فکر نفع عمومی نیست، ولی دینی نامرئی او را بسوی مقصودی می‌کشاند که بهیچوجه دنبالش نبود (یعنی نفع جامعه) ... اگر نفع شخصی خود را دنبال کند، بیشتر به پیشبرد نفع جامعه کمک می‌کند تا هنگامی که واقعا در صدد پیشبرد نفع جامعه برمی‌آید!

در "نظریه احساسات اخلاقی"، نیروی از بین برنده خودخواهی و نامین‌کننده منافع جامعه، همدردی و مهربانی است. درحالیکه در "ثروت ملت‌ها"، رقابت اقتصادی و نفع‌طلبی شخصی بعنوان نامین‌کننده منافع جامعه معرفی می‌شود. در کتاب اول قانون طبیعی و معیارهای اخلاقی توسط خدا وضع می‌شود و در کتاب دوم، طبیعت و نظام جامعه خود زاینده قانون و معیارهای اخلاقی است.

ثروت ملت‌ها:

این کتاب که اسم اصلی آن "تحقیق در باره ماهیت و علت‌های ثروت ملت‌ها" است در مارس ۱۷۷۶ در لندن منتشر شد. این اثر از پنج دفتر تشکیل میشود و در هر دفتر اسمیت به یک موضوع خاص اقتصادی پرداخته است. در این کتاب مطالب زیادی درباره مستعمرها، دانشگاهها، جنگ، بانکداری، معادن و قاچاق و خیلی چیزهای دیگر آمده است. البته از دیدگاه اقتصاد دانان کنونی، چنین چیزهایی ارتباط کمی با نظریه اقتصادی دارند ولی از نظر اسمیت اقتصاد سیاسی میبایست به همه مسائل اجتماع بپردازد.

در این کتاب، اسمیت روش تحقیق در اقتصاد یعنی روش علمی را بسط و تکامل داد. کوشید نظام خود را بر پایه مقوله‌هایی چون تقسیم کار، مبادله و ... بنا کند و به تحلیل درآمد گروه‌های عمده

اجتماعی بپردازد. نکته‌ای مهم درباره روش اسمیت اینست که او هر دو روش "انبات - کرائی" و "هنجاری" را در هم آمیخت و بکار برد. در روش اول، اقتصاددان فقط به علتها و واقعات موجود می‌پردازد. نگرشی مثبت و تحلیلی نسبت به ساخت اقتصادی جامعه دارد. عبارت دیگر "آنجده هست" را مورد بررسی قرار می‌دهد. آنجوری را که در واقعیت وجود دارد و علت تحول این واقعیت را بررسی می‌کند. اسمیت علم اقتصاد را بطور عمده بدسوزلد تحلیل مسئله‌های اجتماعی، رابطه میان طبقه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. ولی از نظر او اقتصاد حسنه دیگری هم دارد. از نظر اسمیت علم اقتصاد همچنین باید مسئله‌های عقلی را براساس تحلیل عینی حل کند؛ باید سعی اقتصادی‌ای را نامین کند که درآمد فراوانی برای مردم فراهم آورد و با عبارت دیگر فادرتان سازد و چنین درآمدی را برای خود فراهم سازند و معاش خود را نامین کنند. این حسنه دوم را "نگرش هنجاری" و عقلی می‌نامند. در این نگرش از "آنجده باید باشد" صحبت می‌شود. مطابق با چنین نگرشی، اقتصاد - دان می‌کوشد تا به این برش جواب بدهد که چگونه می‌توان ثروت اجتماعی را افزایش داد.

حال با توجه به توضیحات فوق بر کتاب ثروت ملت‌ها مرور می‌کنیم و به بررسی قسمت‌های مختلف آن می‌پردازیم:

تقسیم کار:

اولین دفتر ثروت ملت‌ها به موضوع تقسیم کار اختصاص یافته است، عنوانی که در زمان اسمیت ناشناخته بود. اسمیت در این بخش به نقش تقسیم کار در افزایش بهره‌وری و غیره می‌پردازد. بنظر او تقسیم کار، بهره‌وری کار را به دلایل زیر افزایش می‌دهد:

اولا، هر کارگر، نیروی خود را صرف فراگیری یک فن می‌کند و در نتیجه در آن فن به مهارت کامل می‌رسد. ثانیا، در اثر تقسیم کار، اتلاف وقت کاهش می‌یابد، زیرا کارگر مجبور نیست که با عوض کردن شغل و تخصص و با محل کار خود، وقت را بسپوده تلف کند. ثالثا، اختراع و بهبود ابزارها و ماشین‌ها به تقسیم کار ارتباط دارد. اختراع ابزارهای جدید از راه تقسیم کار بهتر میسر است.

آزادی اقتصادی و همسویی منافع:

اسمیت بزرگترین مدافع آزادی اقتصادی است - عدم دخالت دولت در فعالیت اقتصادی جامعه. بنظر او دولت‌ها زائد، فاسد، بی‌فایده و ... هستند. اگر افراد جامعه بحال خود گذاشته شوند که بدون دخالت دولت و تحت تاثیر انگیزه سودجویی به فعالیت اقتصادی بپردازند، ناخواسته و بطور خودبخود در جهت حرکت منافع جامعه حرکت خواهند کرد. اسمیت ناآنجا پیش می‌رود که می‌گوید: اگر فرد نفع شخصی خود را دنبال کند، بیشتر به پیشبرد نفع جامعه کمک می‌کند تا هنگامیکه واقعا در صدد پیشبرد نفع جامعه برمی‌آید! او این پدیده را "همسویی منافع" می‌نامد.

اسمیت به آزادی اقتصادی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی معتقد بود و در کتاب خود تجارت‌گرایان را بخاطر محدودیتی که برای بازرگانی بین‌الملل قائل بودند، شدت مورد حمله قرار می‌دهد. در تبیین و تائید "همسویی منافع" اظهار می‌کند که این از مهربانی و نودوسوی قنابت و نانو نیست که ما غذا برای خوردن بدست می‌آوریم، بلکه سودجویی آنهاست که ما را صاحب گوشت و نان می‌کند.

برخلاف تجارت‌گرایان که می‌گفتند ثروتمندی یک ملت، ضرورتا به فقر و ناداری ملتی دیگر خواهد انجامید، اسمیت معتقد بود که تجارت آزاد، همگان را صاحب نفع خواهد کرد. بنظر او اگرچه ظاهرا سودجویی بازرگانان بضرر جامعه است، ولی اصل "رقابت اقتصادی" در باطن جلوی ضرر جامعه را خواهد گرفت: یک بازرگان نمی‌تواند تا این نهایت بر ثروت خود بیفزاید، زیرا رقابت دیگر افراد جامعه، سودهای حاصل را بین همگان تقسیم خواهد کرد.

اسمیت حتی اصل "آزادی اقتصادی" را در مورد فعالیت برکنان، استادان دانشگاه و ... روحانیان صادق می‌داند. بنظر او اگر به روحانیان همه حرفه‌های مذهبی فرصت داده شود تا به رقابت آزاد یا بکدیگر بپردازند و هیچ گروهی از اساتذهای ویژه‌ای برخوردار نشود، کمترین زیان را خواهند داشت.

بنظر اسمیت، اقتصاد آزاد در عمل مستلزم اتخاذ تدبیرهای زیر است:

اولا، لغو همه قانونهایی که حرکت کار را محدود می‌کند. منظور او در درجه اول بازمانده‌های زمسرداری چون کارآموزی اجباری و قانونهای مربوط به سکونت‌بودن. ثانیا، اسامت را تجارت کاملا آزاد زمین طرفداری می‌کرد. او مخالف بزرگ مالکی بود و میخواست زمین در دست کسانی باشد که قادر بودند بستترین بهره‌گیری را از آن بکنند. ثالثا، اسمیت مخالف هرگونه مداخله دولت در صنعت و تجارت داخلی بود. رابعا، اسمیت از سیاست تجارت خارجی انگلستان انتقاد کرد و برنامه تجارت خارجی آزاد را تنظیم نمود. از اسیرو جنس تجارت آزاد با گرفت که بورژوازی صنعتی انگلستان در قرن ۱۹ برحدمدارش گشت.

اگر اسمیت معتقد به عدم دخالت دولت در نظام اقتصادی است، پس از نظر او نقش دولت چه باید باشد؟ اسمیت جواب می‌دهد که دولت سه رل مهم در اجتماع دارد:

اول، دفاع از جامعه در مقابل حمله خارجی. دوم، اداره امور قضایی جامعه. سوم، اداره آن از نهادهای اقتصادی که بخاطر سودآور نبودن، بخش خصوصی حاضر به اداره آنها نیست.

در مجموع، اسمیت، کنترل دولت را بر بانکهای ناسر اسکناس، نرخ بهره و وضع بعضی قوانین و مقررات تجاری و اقتصادی تجویز می‌کرد. حتی او در کتاب خود، شرایطی را برای عادلانه بودن این مقررات - از جمله مالیات - برشورده است.

ارزش:

از نظر اسمیت، ارزش دو مفهوم می‌تواند داشته باشد:

الف - ارزش مصرفی، که ناشی از مطلوبیت یک کالا برای فرد می‌باشد. هرچه فرد بیشتر خواهان کالای ویژه‌ای باشد، ارزش آن کالا بیشتر خواهد بود. ارزش مصرفی، مقوله‌ای کاملا ذهنی است.

ب - ارزش مبادله‌ای، که بمعنای قدرت یک کالا در موقع معاوضه شدن با کالای دیگر می‌باشد. یعنی اینکه چه مقدار از یک کالا با کالای دیگر مبادله می‌شود. در این مورد، ارزش یک کالا برای فرد هنگامیکه می‌خواهد آنرا با کالای دیگری مبادله کند و برابر است با مقدار کاری که در آن کالا بکار رفته و با مقدار کاری که در ازای آن دست دادن آن کالا می‌توان دریافت کرد. بنظر اسمیت، ارزش مصرفی کالا هیچگونه رابطه‌ای با ارزش مبادله‌ای آن ندارد. زیرا ارزش مصرفی یک موضوع ذهنی بوده که نسبت به افراد مختلف تفاوت می‌کند. بهینم جهت در ثنوری خود تنها به ارزش مبادله پرداخته است.

در کتاب اسمیت سه، چهار عقیده کاملا متضاد در باره ارزش بیان شده، لذا طبقه‌بندی دقیق ثنوری ارزشی وی کاری بس مشکل است.

قیمت طبیعی و قیمت بازار:

اسمیت، نرخ متوسط دستمزد، سود و اجاره را نرخ طبیعی آنها می‌نامد. و قیمت طبیعی یک کالا، قیمتی است که درآمد کافی برای برداخت دستمزد، سود و اجاره طبیعی را نامین کند. قیمت طبیعی حداقل قیمتی است که در آن، تولیدکنندگان حاضر به ادامه تولیدند. پائین‌تر از این قیمت، تولید متوقف می‌شود. بنظر اسمیت، چنین قیمتی در درآمدت برقرار می‌شود.

قیمت بازار برای یک کالا، قیمتی است که در بازار تحت تاثیر عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. این قیمت ممکن است بالاتر، پائین‌تر و یا معادل قیمت طبیعی باشد. اگر قیمت بازار بالاتر از قیمت طبیعی باشد، تولیدکنندگان جهت کسب سود تولید را افزایش داده و در نتیجه بر اثر افزایش عرضه، قیمت بازار بطرف قیمت طبیعی (متوسط) سقوط می‌کند. و در صورتیکه قیمت بازار پائین‌تر از قیمت طبیعی قرار گیرد، تولید کاهش یافته و قیمت بطرف قیمت طبیعی (متوسط) صعود می‌کند. این نوسانات در کوتاه‌مدت وجود دارد و در درآمدت "قیمت بازار" بر "قیمت متوسط" منطبق می‌شود.

دستمزد:

بنظر اسمیت درباره دستمزدها حتی در حال حاضر نیز تا اندازه‌ای اهمیت خود را حفظ کرده است. او معتقد بود که بین خواست کارفرما و کارگر بر سر تعیین دستمزد تضاد وجود دارد. از نظر اسمیت حداقل نرخ دستمزد باید در حدی باشد که

یک کارگر با خانواده‌اش بتواند ادانه حیات داده و توان عرضه نیروی کار به جامعه داشته باشد. ولی هنگامیکه تقاضا برای نیروی کار افزایش یابد، این نرخ بالاتر از حداقل قرار می‌گیرد. در اقتصاد رو به گسترش تقاضا برای کار افزایش یافته و دستمزدها بالا می‌رود، بطوریکه نرخ افزایش ثروت ملی نمودار نرخ افزایش دستمزدهاست. از اسیرو اسمیت براینست سرمایه و رسد اقتصادی ناکند دارد. بنظر او اگر ثروت ملی ثابت باشد، افزایش جمعیت (افزایش عرضه نیروی کار) نرخ دستمزد را کاهش خواهد داد. از اسیرو او برای جلوگیری از افت دستمزدها، انبات هرچه بیشتر سرمایه و رسد سریع اقتصادی را توصیه می‌کرد. تکامل بعدی سرمایه‌داری نشان داد که اقتصاد روبه گسترش واقعا زمینه مساعدی را برای مازاره در جهت افزایش دستمزد فراهم می‌آورد.

نظریه اسمیت، در مخالفت با نظریه تجارت‌گرایان بود که "دستمزد کم" را برای کارگران توصیه می‌کردند. نکته دیگر آنست که بنظر اسمیت عامل، در افزایش دستمزدها دخالت دارد:

سخت و مشکل بودن کار، بهره‌رینه بودن فراگیری کار (حرفه)، برسئولیت بودن، ریسک‌آمیز بودن شغل و معمولی نبودن کار، بنظر اسمیت موارد فوق، در افزایش دستمزد کار سهم مهمی دارند.

سود:

اسمیت معتقد است که از آنجا که هر سرمایه‌گذاری با خطر سوخت سرمایه همراه است، حداقل نرخ سود باید آنقدر باشد که علاوه بر جبران خطر احتمالی، مازادی هم به صاحب سرمایه برسد. سود ناخالص برابر است با مازاد بازاری خطر احتمالی باضافه ارزش اضافی و سودخالص دقیقا برابر است با ارزش اضافی که بحسب سرمایه‌داری می‌رود.

اجاره:

اجاره قیمتی است که در ازای استفاده از زمین پرداخت می‌شود. اجاره ارزش اضافی است که نرخ آن بر اساس حاصلخیزی زمین و محل آن تعیین می‌شود. قیمتی که تولیدکننده در ازای کالا می‌گیرد باید مزد، سود و اجاره زمین را بپوشاند.

در اینجا بنظر اسمیت، کار، سرمایه و زمین در ایجاد ارزش کالا سهمی برعهده دارند و طبیعی است که سهمی از ارزش نیز بآنها تعلق می‌گیرد. این عقیده اسمیت در باره توزیع درآمدها تا حدودی مبتنی بر نظریه کشاورزی‌گرایان و در حدی عالیتر از نظریه آنها بود. عقیده او در این باره جامع و سیستماتیک بود.

نقش پول و اعتبار:

اسمیت این سنت کلاسیک را که برای پول نقش مهمی قائل نمی‌شود بنیان نهاد. از نظر او پول بعنوان وسیله برداخت، نقشی حیاتی در اقتصاد دارد و بدون آن مبادله منظم غیرممکن است. اسمیت به مسئله پول و اعتبار اشاره می‌کند ولی در باره این دو مقوله اقتصادی زیاد بحث نکرده است. پول را فقط ابزاری فنی می‌داند که جریان پول‌های اقتصادی را تسهیل می‌کند. اعتبار را صرفا وسیله‌ای برای به فعالیت انداختن سرمایه به حساب می‌آورد. او پول و اعتبار را بعنوان عامل‌هایی مستقل که بر تولید نفوذ دارند، دست می‌گیرد.

از دیدگاه اسمیت، پول به تنهایی و بخودی خود برای جامعه درآمد محسوب

نمی‌شود. پول گردش کالا را تسهیل می‌کند ولی تنها دومی است که درآمد جامعه را مشخص می‌نماید. طلا و نقره اگر چه قسمت بزرگی سرمایه جامعه را تشکیل می‌دهند ولی بازار (سروان) می‌یابند، چرا که قادر به تولید چیزی نیستند.

توسعه اقتصادی:

آنجده که اسمیت را متمایز می‌گرداند و اعتبار خاصی به او می‌بخشد ناکند او بر "انبات سرمایه" و "تقسیم کار" بعنوان عامل‌های تعیین‌کننده بیشترت اقتصادی جامعه است. اسمیت می‌کوشد تا ثابت کند که مانند راهکنای ثروت جامعه است. این امر درک عمیق وی از مسئله عمده اقتصادی انقلاب صنعتی را نشان می‌دهد.

تحلیلهای اقتصادی اسمیت، در رسنه اقتصاد کلان (ماکرواقتصادی) بود. او کل اقتصاد جامعه و رسد و توسعه آنرا مورد تحریک و تحلیل قرار می‌داد. بنظر او مابین آلت (سرمایه) و تقسیم کار در افزایش رسد اقتصادی موثر است. بنظر اسمیت تقسیم کار، بهره‌وری را افزایش می‌دهد، از اسیرو او به تقسیم کار بین از تجارت و انبات خزانه کشور اهمیت می‌داد. او با این کشف مهم ناآل شد که تقسیم کار، امکان استفاده هرچه بیشتر از ماشین‌آلات را افزایش می‌دهد.

در رابطه با نیروی کار، او به وجود دو نوع کار معتقد است، کار تولیدی و کار غیر تولیدی. اسمیت می‌نویسد که شخص اگر کارگر تولیدی استخدام کند ثروتمند می‌شود و اگر مستخدم بگیرد فقیر.

عقیده او اولی نیروی کار تولیدی و دومی نیروی کار غیرتولیدی است. این موضوع در مورد جامعه نیز صدق می‌کند: بخشی از جمعیت که به کار تولیدی اشتغال ندارد باید به حداقل کاهش داده شود. اسمیت با عنوان کردن کار تولیدی هدفی نداشت جز ناخن به عصرهای زمسرداری و هرآنجگه که به آنها مربوط می‌شد: دیوان - سالاری، ارتش، کلیسا، او پادشاهان، سربازان، اربابان کلیسا، قضات، پزشکان، بست‌چی‌ها، ورزشکاران، موسیقی‌دانان، خوانندگان، رقاصان و ... را غیرتولیدی و صنعتگران و تجار را تولیدی می‌داند.

از دید اسمیت، کشاورزی تولیدی‌تر از صنعت و تجارت است. زیرا در کشاورزی، کار طبیعت، همراه با کار انسان وارد کالا می‌شود. ریکاردو به این نظریه اسمیت اعتراض کرد و معتقد بود که حتی در صنعت نیز، کار طبیعت، بصورت مواد خام - وارد کالا می‌شود.

بنظر کلی، اسمیت در دورانی می‌زیست و تفکر می‌کرد که سرمایه‌گذاری و تولید در غرب پیروزمندانه به پیش می‌ناخت و بازارهای وسیع، انبات وسیع تولید انبوه می‌طلبید. طرز تلقی اقتصادی نسبت به کسانی که باری بر دوش نیروهای تولیدی هستند و مانع انبات می‌شوند ویژگی بورژوازی و هم‌چنین طبقه کارگر آندوره بود.

نوسانات اقتصادی، تولید اضافی، بیکاری و دیگر مشکلات نظام سرمایه‌داری هنوز ظاهر نشده بود. در آن شرایط نظریه همسوئی منافع - اینکه هر کس در راه کسب سود شخصی، به منافع جامعه خدمت می‌کند - درست می‌نمود. سرمایه‌داری پیروزمندانه به پیشروی خود ادامه می‌داد و لیبرالیسم اقتصادی نظریه مسلط زمان بود. با توجه به آن شرایط تعجیبی نیست اگر اسمیت "اقتصاددان خوشبین" است.

(ادامه دارد)

مردی و انسانی انسان و رشد و سرکشی
خصائل حیوانی و سلطه جویی آن.
وانغطوا بمن کان قیلکم قبل ان یتعظ بکم
من بعدکم

تداوم...

میشوند و تعداد کمی از آنها باقی میمانند که منادیان ایمانند و پویندگان راستین راه قرآن و اسلام.

قد وعظوا حتی ملوا، و قهروا حتی ذلوا و قتلوا حتی قتلوا. فلتکن الدنيا فی اعیینکم اصغر من حثاله القرظ، و قراضه الجلم.

پس دنیا در چشم شما باید حقیرتر از حثاله برگ سلم و خورده‌ریزه مقراض باشد منظور تحقیر دنیا به ناچیزترین شیئی ها است زیرا که تمام آن ناملایماتی و خصلتهای غیر انسانی و شهوات و خود-خواهی‌ها و بشرتی طلبی‌ها از قیمت دادن به دنیا ناشی‌میشود و این برده‌ها را پوئاننده عوارض دنیاست که چشم‌ها را هور قرار می‌دهد و قضاوت را از دست خدا ربی می‌بندد و آنها را به ورطه هلاکت میکشاند. و باز همان دنیا برای آنهاست که دنیا را وسیله رشد و ارتقاء مقام انسانی و الهی خود قرار میدهند بهترین‌وسیله و اسباب برای اجرای نیت خداوندی بدست مردم میشود پس بپا دادن بی مورد برای این خاکدان عفن گرفته مساویست با مرگ تمام خصلتهای انداخت.

یکسالی که از انتشار «امت» گذشت

بقیه از صفحه اول

رفات به بازی میکروند؟
و در ادامه فضای جریان لیبرالیسم در امت شماره ۳۸ تحت عنوان "جریان لیبرالیسم در مقابل خط انقلاب نوشتیم".
جریان لیبرالی و سازشگران، رفرمیستها و مرجعین تقریباً تمامی مواضع قدرت را اشغال کردند. فریاد اعتراض از جیب جا بلند شد... ما در اولین روزهای بعد از سرنگونی رژیم و روی کار آمدن دولت موقت، خطر لیبرالیسم را افشا کردیم و نوشتیم که حکومت این جریان، انقلاب را مدفون و کشور را در واپسگی به امپریالیسم نگاه میدارد. و سادات را بعنوان سمبل یک لیبرالیست سازشکار و خائن معرفی نمودیم. لیبرالیهای ایران عملاً در راه سادات قدم نهادند و گام برمیدارند. یکی از وظایف انقلابیون مسلمان راه از آغاز فضای جریانات ضد انقلابی و انحرافی از جمله لیبرالیسم دانستیم....

در سنی تحلیل ها و نظریاتی که در چارچوب خط فکری - سیاسی جنبش

● ما را چه باک که بر طبق بینش توحیدی مان رنج و ابتلاء را پذیرا هستیم، زیرا خداوند تکامل انسان و خداگونه شدن وی را مشروط به مبارزه دائمی با مظاهر شیطان و قرار گرفتن در کوره حوادث و آزمایشهای سخت کرده است.

تحصیت سازی و شخصیت پروری، بلکه نشان دادن انسان اسلامی گرفتیم و حکومتی انسان شدن درک یک انقلاب دناوی اسلامی. به مسائل انقلاب نه از دیدی سنگ نظرانه و حزمینی کور، بلکه با انکا به مکتب و با اصلی و نوعی کردن تضادها و شناخت دوست از دشمن، "خطراتی که انقلاب را تهدید میکند"، ارزش ها و ضوابطی که باید جایگزین، "قدرت" و روابط منحط گذشته گردد، و راهی که باید در پیش گرفت، نگرسیسیم. معیار ما بنان ارزشها، نقد واقعیت ها بود و هست و نه طی کردن راه برای کسب "قدرت" چه بسیار از طالبان قدرت" و شخصیت های برجسته از قلم امت رنجیدند و چه تهمت ها که روا نداشتند. اما ایمان به حقانیت راهی که در پیش گرفتیم و تفاوت صحیح شما طالبان نظام ارزشی اسلامی، همیشه مشوق ما در انتشار نشریه امت شد.

عنوانهای مقالاتی که در این یکسال در نشریه امت درج شده است، خود گواهی است بر این ادعا، در نخستین شماره مقاله شماره اول امت، تحت عنوان "اجازه ندهم فاحش رخ دهد...!" میخوانید:

هر نظام اجتماعی و سیستم حکومتی فرهنگی و اخلاقیات خاص خود را رواج میدهد. استبداد دو سرمایه داری وابسته به استعمار جهان خوار و سودجو برای تحکیم موقعیت و تسلط خود ارزشها را تغییر داده نفع طلبی را در زنده ترین اشکال برتری جوئی و جاه طلبی را همراه با کثیف ترین شیوه ها تبلیغ کرد و تعلیم داد، بطوریکه در این انقلاب تاریخی، فقط با یک نظام بلند سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مواجانبستیم که بادشمن سرسخت تر و کهنه کار و بینتر پنهان و نامرئی یعنی یک فرهنگ فاسد و اخلاقیات سودجو و مغرض و قدرت طلبی و شخصیت پرور و برده ساز و سراسر آلوده به نیرنگ و نامردمی نیز روبرو میباشیم....

و پیرامون مهم ترین مسائل انقلاب "ملیتها، شوراها، ارزش، خطر لیبرالیسم و ارتجاع، خلق بد از سرمایه داری وابسته، جنگونی مبارزه با امپریالیسم، دفاع از جنبش های آزادیبخش و... مقالات و نوشته ها و رهنمودها در این یکسال بجای رسیده.

در دومین شماره امت میخوانید خلق مسلمان کرد و دیگر خلقهای امت اسلامی ایران را دریابیم):
از قبل بیش بینی میشد که پس از پیروزی سریع انقلاب، مزدوران امپریالیسم برای برانگیختن جنگهای داخلی به تحریک در میان اقوام و ملیتها خواهند پرداخت و اختلافات فرقه ای و مسلکی و مذهبی را دامن خواهند زد. از این رو مزدوران ساواک و جاسوسان آمریکا، بسوی سرزمینهای برادران ما در کردستان، ترکمن صحرا و بلوچستان و خوزستان روانه شدند و بیشتر یکمک فتودالها و ملاکین و سران فراری ارتش و سرمایه داران خائن به تحریک و سبایشی پرداختند... بر دولت است که با شیوه های انقلابی در پاسخ گفتن به خواسته های برادران مسلمان ما اقدام سریع بعمل آورد.

و در اولین شماره امت و سپس در شماره های دیگر پیرامون ارزش و جنگونی بازسازی آن در جهت انقلاب اسلامی و ایجاد یک ارزش مردمی و اسلامی مقالات متعددی نوشتیم، یکی از فوری ترین پراهمیت ترین مسایل انقلاب پیروزی اسلام در این روزهای بحرانی و پس از دردم کوبیدن قدرت استبداد محمد رضا شاهی، نحوه برخورد با ارتش و سازمانهای انتظامی و همچنین جنگونی دفاع از انقلاب در برابر ضد انقلاب است... و در ادامه تحلیل پیرامون ارزش مقالاتی تحت عنوانهای "ارتش اسلامی بجهت موازیبانی استوار است؟"، "برخورد مقطعی با ارتش، ارتش را فراموش نکنید... نوشته شد.

و در مورد شوراها و ایجاد نظام شورائی در بیشتر شماره های امت، از همان آغاز کار که پدر طالقانی هم رهنمود راه تشکیل شوراها را میدادند، مقالات متعددی نوشته شد، در دومین شماره امت نوشتیم "بیش بسوی تشکیل شوراها اسلامی امالات"
از طریق شوراها مردم حضور خود را در صحنه امور سیاسی و اجتماعی کشور ثابت میکنند و رابطهای دائمی و فعال و خلاق

رحمت وی امیدوار هستیم، که رحمت و باری جز از جانب خدا نخواهد بود.
در اینجا دارد از زحمات خواهران و برادران کارگر در شرکت چاپ افتخار و سپاسگزاری کنیم که در انتشار امت ما را یاری کردند

جنبش مسلمانان مبارز به عنوان یاگاه نیروهای اصل مکتبی که به مبارزه دراز مدت مکتبی و بعثت و انقلاب دائمی منظور تحقق امت واحد و استمرار جامعه بی طبقه توحیدی معتقد اند مسئولیتهای سنگین بردوش ما میگذارد که در برابر آنها دست از خداوند طلب ناری نکنیم و به



بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

بقیه از صفحه ۱

بعثت ضعف های درونی خود قادر به تنظیم و اجرای یک برنامه مشخص انقلابی نبوده اند - حتی بحرانهای نظیر کردستان و ترکمن صحرا ضمن قبول نقش فرصت طلبانه بعضی گروهها که از آغاز مترصد استفاده از موقعیت بوده اند، معتقدیم ضعف دولت و نداشتن برنامه و عدم قاطعیت انقلابی در برابر مشکلات و نیروهای ضد انقلاب به رشد بحران کمک کرد. پس از شورای انقلاب و دولت می - خواهیم که صادقانه علل نابسامانیها و توقف انقلاب را در سیزده ماه گذشته بیان کنند و بجای برداختن به معلولها به ریشه های مسائل بپردازند.

۶ - ضرورت یک انقلاب فرهنگی را صد در صد تأیید میکنیم و معتقدیم این حرکت باید از پائین و توسط نیروهای انقلابی و جوانان مسلمان و متعهد و مکتبی انجام گیرد ولی مسافانه حرکت اخیر که در پوشش تصفیه دانشگاهها و انقلاب فرهنگی آغاز شده با وجود آنکه عده ای از دانشجویان صادق و بخشی از توده در آن شرکت دارند هدایت آن توسط دستگاهها و مقاماتی انجام میگردد که قادر به انجام این تحول انقلابی اسلامی نیستند و بجای اصول اسلام راستین تنها پوسنه ای از اسلام بر روی نظام کشیده خواهد شد.

۷ - اگر آزادیهای قانونی مردم محدود و یا سلب شود هیچکس جز دشمنان انقلاب و اسلام از آن سود نخواهد برد. مسلمانان "هدف جوانان و توده ها خدمت به انقلاب و اسلام است لکن باید یادآور شد جریاناتی از این تمایل برای پیشبرد مقاصد خود و تثبیت هر چه بیشتر سیستم کهنه در پوشش اسلام و هموار کردن راه رشد یک استبداد جدید استفاده میکنند بعلاوه این شیوه عمل، عملاً موجب تشدید تضادهای داخلی شده به وحدت مردم در مبارزه علیه امپریالیسم لطمه میزند.

۹ - در مورد تعطیل دفاتر گروهها ضمن خودداری از هر نوع اقدام خشونت آمیز که درگیری درونی میان مردم منجر شود اعلام میکنیم که برای پاسداری از مکتب و ارزشهای اصل اسلامی و دفاع از آرمانهای انقلاب بانام قوا از حقوقی که قانون اساسی به مردم برای دخالت و مشارکت در سرنوشت سیاسی کشور داده است استفاده نکنیم و در برابر هر جریانی که بخواهد قانون اساسی مرحله ای مصوب ملت را عملاً نادیده بگیرد ایستادگی خواهیم کرد.

۱۰ - در این میان روحانیون مبارز و اصیل که پای بند به اسلام راستین اند مسئولیتی بزرگ بر دوش دارند زیرا متصدیان امر حکومت روشهای و انحرافات کرده اند اعتبار و حیثیت مکتب و انقلاب اسلامی را در برابر حملات دشمنان آسیب پذیر میسازند. شورای انقلاب باید ضمن نفی روشهای غیر اصولی و اتخاذ شیوه های اصولی در ایجاد انقلاب فرهنگی و فراهم کردن زمینه های اساسی آن مسئولیت خطیر خود را در برابر نسل فعلی و نسل های آینده بخوبی درک کرده از شکست یکی دیگر از آرمانهای انقلاب اسلامی جلوگیری نماید.

ما از رهبر انقلاب امام خمینی انتظار داریم مانند گذشته با رهنمودهای خردمندانه خویش جلوی بروز حوادث ناگوار و تشدید اختلافات و انحرافات را گرفته اجازه ندهند دشمن از ضعفهای درونی ما بهره برداری کند.

دانشگاهها و تصمیمات شورای انقلاب یادآوری موارد زیر را بنا به وظیفه مکتبی و مسئولیتی که در قبال انقلاب اسلامی خلق بر عهده داریم لازم میبینیم.

۱ - ضرورت یک تحول بنیادی در کلیه شئون کشور و نیاز یک انقلاب تمام عیار فرهنگی برای در هم پیچیدن طومار حیات نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم آلوده به شرک و و طبقاتی گذشته چیزی است که همان روزهای نخستین بعد از پیروزی انقلاب بر آن پای فشرده کسه مسافانه انعکاس منبئی در میان مسئولین و متصدیان امر نداشت. معتقد بودیم تا هنگامی که چارچوب نظام گذشته از لحاظ اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی در هم ننگد و نظم نوین انقلابی - اسلامی حاکم نشود هیچیک از شعارها و هدفهای انقلاب اسلامی ایران تحقق عینی پیدا نخواهد کرد.

۲ - معتقد بودیم ترکیب و ماهیت و بنیاد عناصر در رأس قدرت و تصمیم گیری در مجموع به کیفیتی نیست که قادر به ایفای مسئولیت بزرگ هدایت این تغییرات بنیادی و مکتبی در جامعه باشند بعکس در سایه حکومت آنان نیروهای سازشکار و مرتجع و سرمایه داران و فرصت طلبان و حتی عوامل ضد انقلاب رشد بسیار کردند کافی است وضع اسف بار اقتصادی، در هم ریختگی و آشفتگی امور آموزشی و مشکلات روبروند مردم را در نظر آوریم تا جلوه های از دستاوردها و نتایج کار متصدیان امر معلوم گردد - لازم به تذکر است که پیروزیهای بدست آمده بعد از سقوط رژیم بیشتر زیر فشار و خواست توده ها و دستورات مستقیم رهبر انقلاب امام خمینی بوده است.

۳ - ضرورت یک تغییر اساسی در ترکیب و عناصر منسکله رهبری بخصوص بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا و سقوط دولت موقت که توسط امام و ملت درک و اعلام شد و شورای انقلاب هم آنرا تلویحاً تأیید کرد عملاً نادیده گرفته شد.

۴ - در موقعیت نادی بسیار مناسبی نظیر ماههای اول بعد از ۲۲ بهمن، بعد از اشغال سفارت که شرایط از لحاظ بسیج توده ها برای انجام هر اقدام انقلابی و بویژه انقلاب فرهنگی آماده بود اقدام انقلابی چشمگیری در عمل صورت نگرفت و مردم از زبان مسئولین جز شعار و حرف چیزی شنیدند و پس از مدتی شور و هیجان مردم فروکش کرد و اوضاع بدتر از گذشته شد اکنون وقت آن رسیده که موقعیت مناسب تازه که با قطع رابطه آمریکا پدید آمده از میان برود.

۵ - اقدام اخیر عده ای از دانشجویان در اشغال دانشگاهها که گفته میشود بمنظور تصفیه دانشگاهها و انجام تغییرات در نظام آموزشی بعمل آمده است بویژه با شیوه های که اتخاذ شده و هدفهایی که دنبال دارد بهیچ وجه در جهت انجام یک انقلاب حقیقی مکتبی سیر نخواهد کرد و در رابطه با فعالیتهای سیاسی سازمانها و احزاب مختلف هر چند بارها کشمکشها و جنجالهای گروهی را که به تضادهای درون خلقی دامن میزند محکوم کرده ایم لکن معتقدیم اگر دولت انقلابی عمل کند این گروهها نمی توانند سد راه اقدامات انقلابی و مکتبی و از جمله انقلاب فرهنگی شوند بلکه توقف انقلاب و آشفتگی کشور و تشدید مشکلات مربوط به اینستکه شورای انقلاب و دولت از ابتدا تاکنون علیرغم برخورداری از حمایت توده ها و داشتن قدرت اجرایی گسترده

خط صالح رفتن

اما تو سر بلند - آری تو سرفراز
ای امت دلیر و مبارز
ای از سلاله بی مرگان
ای نطفه در وجود
تامت تجلی مکتب
پیوسته بر اصول
آری همواره بمان.

میان باغ شبهه شگفتی
چراغ راه شدی
و در توهم تردید خیل مسئولین
رسول گردیدی
پیام آوردی
پیام کامل راه
پیام روشن مکتب.
تو ای ضرورت هنگام
آئینه صدیق شرایط ابهام
ای ریشه در قرون
بر خط سرخ و جاری تاریخ
در ساری حقیقت
ای بر مزاج صداقت
با جوهر هدایت و ارشاد.

وقتی که شهر مانده در آشوب
بخشی نشسته به تقسیم ارت شهیدان
در بردن غنائم جنگی به اختلاف
- اما تو در ضیافتشان جایی نداشتی
زیرا اگر که سقیفه تکرار میشود
ما چون علی به تعهد مکتب
میشاق بسته ایم -

بعضی به اجتهاد خیانت!
نشسته به سازش
جمعی مبارز میدان
در انقلاب و قیام و شهادت!
اما جز "خویش" نیستشان مقصود
با انحراف شعار
در بی تعهدی از سرنوشت خلق
در فکر رشد "خویش"
اندیشان تزیید آرا!

۵۹/۱/۲۳

مسلمانان مبارز در امت میگرددید بوسیله حوادث یکی پس از دیگری تأیید میشد. یکسالی که پشت سر گذاریم خالی از اشکالات و تهدیدها نبود و آینده های که در پیش رو داریم مسلمانان را ملایمات بیشتری برای مابه ارمغان میآورد ولی ما

را چه باک که بر طبق بینش توحیدی مان رنج و ابتلاء را بپذیرا هستیم زیرا خداوند تکامل انسان و خداگونه شدن وی را مشروط به مبارزه دائمی با مظاهر شیطان و قرار گرفتن در کوره حوادث و آزمایشهای سخت کرده است... ما صورانه تهمت ها، نسا - سزها تهدیدها و فشارها را تحمل کردیم - ولی حتی یک لحظه نخواستیم که حقیقت را مصلحت خط فکری قاطعانه از ارزشهای مکتبی و آرمانهای خلق و انقلاب اسلامی خلق دفاع کردیم و هر انحراف و سازشکاری و واپس گرایی را بی پروا افشا نمودیم میدانیم که مسئولیت ما به عنوان ناشرین خط فکری جنبش مسلمانان مبارز هر روز دشوار تر میشود.
ما سعی خواهیم کرد ارزشهای مکتبی را بیش از گذشته تنگاتنگ واقعبات قرار داده از میان آن مسئولیتهای خود رانشخیص دهیم

موافقتنامه کمپ دیوید یا توطئه آمریکا - اسرائیل و مصر ۲



گرفت. راه حل این مذاکرات باید حقوق حقه مردم فلسطین و خواستهای عادلانه آنان را نیز در نظر داشته باشد.

۲ - تمام وسایل و راههای لازم برای حفظ امنیت اسرائیل و همسایگانش در دوره انتقالی و بعد از آن بکار گرفته خواهد شد. برای کمک به نامس جنین امنیتی یک پلیس خواهد آمد. این نیرو مرکب از ساکنان غزه و ساحل غربی خواهد بود. پلیس داتا یا اسران تعیین شده اسرائیلی اردنی و مصری درباره مسائل مربوط به امنیت داخلی رابطه خواهد داشت.

۳ - در مدت دوره انتقالی نمایندگان مصر اسرائیل و اردن و دولت خودمختار کسندای دائم تشکیل خواهند داد که سوه پذیرش افرادی که در جنگ ۱۹۶۷ از غزه و ساحل غربی بی‌خانمان شده‌اند تصمیم گیری کند.

۴ - مصر و اسرائیل با یکدیگر و دیگر جناحهای علاقمند همکاری خواهند کرد تا در مورد روتی درست، عادلانه و دانشی در مورد حل مسئله آوارگان فلسطینی به موافقت برسند.

ادامه دارد

دیگر فلسطینیها را بر اساس توافق متداول در برگیرند. این جناحها در باره موافقتنامه‌ای که تعیین‌کننده حیطة قدرت و مسئولیت حکومت خودمختار در ساحل غربی و غزه است، مذاکره خواهند کرد. خروج نیروهای اسرائیلی پس از آن صورت خواهد گرفت و مابقی قوای اسرائیل در نقاط امنیتی مستقر خواهند شد. یک نیروی پلیس قوی تشکیل خواهد شد که بتواند در برگیرنده اتباع اردن نیز باشد. علاوه بر نیروهای اردنی و اسرائیلی در واحدهای گشتی مشترک و برای اداره و بازدید فرارگاههای مرزی شرکت خواهند کرد. تا امنیت مرزها را حفظ نمایند.

ج: زمانیکه حکومت خودمختار (شورای اجرائیه) در ساحل غربی و غزه برقرار گردید و شروع بکار کرد، یکدوره پنج‌ساله انتقالی آغاز خواهد شد. ... و مذاکراتی صورت خواهد گرفت تا شکل و موقعیت ساحل غربی و نوار غزه و رابطه آنها با همسایگان را تعیین نموده و قرارداد صلحی میان اسرائیل و اردن در انتهای دوره انتقالی امضا شود. این مذاکرات میان مصر، اسرائیل، اردن و نمایندگان انتخابی ساحل غربی و غزه صورت خواهد

گرفت. این اسلحهها برای ذخیره در انبارها نیست بلکه برای مواقع خاصی است که علیه خلق عرب و فلسطینیها بکار خواهد رفت. گاهی به جنوب لبنان و اردوگاههای فلسطینی و بیمارانهای هوایی روزمره اسرائیل این مطلب را به اثبات می‌رساند.

سپس یاسر عرفات روشن می‌کند که: "ما می‌دانیم که جنگ بسیار طولانی و مشکلی را در پیش داریم و نازمانی که فلسطینیها آواره و بی‌خانمان و سرگران هستند این نبرد ادامه خواهد یافت. اما در حالیکه سرزمین ما توسط صهیونیست‌های سن‌الطلی یا پشتیبانی آمریکا تحت اشغال است، خلق فلسطین راهی جز ادامه جنگ ندارد. ما به مبارزه نامحقق تمامی اهداف خود با استفاده از تمامی امکانات و وسائل و راهها هم‌چنان ادامه خواهیم داد.

دولت صهیونیستی اسرائیل، در دوره سی‌ساله اشغال سرزمین فلسطین و اعراب، یکک استعمار جهانی زمینه را برای تحمیل بهودیان جهان و بسط استعمار صهیونیستی به موقفت‌های ناپایداری نائل گردید. در این زمان بزرگترین نقطه عطف تاریخ فلسطین یعنی تشکیل سازمان الفتح که میراث فدائیان گذشته بود، وضع را به نفع خلقها در منطقه درتعبیر داد. چه با تشکیل این سازمان و سازمانهای دیگر و علیرغم محدودت‌های مالی و فقدان ساز و برگ جنگی وحشی پایگاه‌های نظامی، ولی با ایمن و مجاهدات دلاورانه فلسطینی جهان موقعیت خاورمیانه و فلسطین اشغالی را تغییر داد که طرف مدت ۱۲ سال اولاً مهاجرت یهودیان را بفلسطین نهند تا نقلی داد، بلکه مرور آرا معکوس ساخت تا با اسرائیل را به بحران سخت اقتصادی دچار و علیرغم کمکهای مستمر امیرالیسم آمریکا (بالغ بر چند میلیارد دلار) و کمکهای رسمی دیگر و اعانتای یهودیان آمریکا و سراسر جهان که بیش از کمکهای امیریکامشود و غزات جنگی دولت آلمان فدرال و سایر کشورهای استعمارگرو مستعمره مانند ایران در زمان رژیم شاه از

شما بیسپان دارند، سن جزو آنها نیست!!

حاشیه رفتن... و اسرائیل را بدریا ریختن حرف بوجی است که به هیچ وجه حقیقت را نشان نمی‌دهد... اسرائیل توانست با امضا این قرارداد کتکهای زیاد نظامی که از لحاظ کسبت و کیفیت در حد بالائی قرار دارند دریافت دارد. این سلاحها از نوع هواپیمای مدرن اف ۱۵ - اف ۱۶ و تانکها و موشکهای مدرن و الکترونیک می‌باشد.

مقاتلات اسرائیلی می‌از امضا قرارداد با خونحالی می‌گویند: "ما از ۱۹۶۷ مرتب بدستال آن بودیم که وقت را بگذرانیم و حداقل ریس را بیس دهیم. بزرگترین خطر برای ما طرح راجح بود که ما توانسیم با قرارداد جدید منج دیگری برناوبت آن سیاست (بازگشت به مرزهای قبل از جنگ ۶۷) برسیم. ما قبول داریم که تمام دنیا در مورد مرزها علیه ما هستند، و ما بطور خطرناکی سکی بیک کشور واحد (آمریکا) برای تهیه سلاحهای مدرن هستیم، بهترینقدر ما در ۷ - ۸ سال گذشته موفق بوده‌ایم و می‌توانیم تا دهسال دیگر هم ماور دهیم". بطوریکه مشهود است، این موافقتنامه جز سرافکندی و تسلیم و خفت هرچه بیشتر نمره‌ای برای مصر و اعراب ندارد. این موافقتنامه نیست، بلکه یک تسلیم‌نامه فاجعه‌آمیز است به امیرالیسم و صهیونیسم.

ماده دوم این موافقتنامه، کنفرانس صلح زو بین اسرائیل و آمریکا را تأکید می‌کند که: "آمریکا هم‌چنان سیاست فعلی خود را درباره جنبش آزادی‌بخش فلسطین ادامه خواهد داد و آرا برسمیت نخواهد ساخت. این موافقتنامه هم‌چنین سرنوشت سایر مناطق اشغالی منجمله سوریه و اردن و فلسطین و اماکن مقدس را بکلی مسکوت گذارده و آنها را بگوگل به توافق یک "صلح عمومی" در منطقه نموده است.

ماده ۱۴ قرارداد بین آمریکا - اسرائیل، با کمال صراحت و وقیحانه اعلام می‌کند که آمریکا و اسرائیل، تنگه‌های

اسرائیل موافقت کرده است که منطقه نفتی ابوردی را به مصر برگرداند، برای رفت و آمد کارگران مصری یک نوار ارضی در اختیار مصر قرار دهد. آمریکا نیز باید قطع درآمد نفت اسرائیل سالانه ۳۵۰ میلیون دلار به آن دولت خواهد پرداخت (محمد رضا پهلوی نیز برهبران آن کشور وعدنامه‌ای کامل احسانات نفتی آنها را داده بود). آمریکا عهد کرده است در صورت قطع نفت ایران به اسرائیل (بهر دلیل) خود نفت آن کشور را نامس و حتی وسایل حمل‌ونقل را در اختیار آن کشور قرار دهد. گرچه مصر توانست به‌نامس منابع نفتی دست یابد، و بتواند سالانه مقداری ازر خارجی بی‌انداز کند. اسرائیل نیز علاوه بر دست‌آوردن نفت مورد نیاز خود سالانه ۳۵۰ میلیون دلار از آمریکا این بدرخواهده خود دریافت دارد.

آمریکا هم‌چنین معهد گشته‌که حدود ۶۰۰ میلیون دلار مواد غذایی - کسندم - به مصر کمک نماید و خواستهای مصر را در مورد بازهای جنگی آن کشور مورد توجه قرار دهد. در این خیانت‌نامه هر دو کشور معهد می‌شوند در صورت بروز اختلافی از نیروهای نظامی استفاده نکنند. این عهد بین آن آنگه حسیه نظامی داشته باشد بعد ساسی دارد زیرا برای اسرائیل که در حال حاضر سرزمین‌های عربی را در اشغال خود دارد و عقب‌نشینی هم نمی‌کند، مفهومی ندارد. اما برای مصر که حدود ۹۰ درصد سینا را از دست داده است، بدانمعاسبت که در صورت عدم عقب‌نشینی اسرائیل مصر برای آزادساختن زمین‌های خود از نیروهای نظامی خود سود نخواهد. بدین ترتیب اسرائیل خواهد توانست بزرگترین بخش نیروهای خود را که در مرزهای مصر مستقر کرده است، به کارهای تولیدی برگرداند، زیرا حالت جنگ اقتصاد آن کشور را دچار رکود و بی‌بست‌های گوناگونی نموده است - کسربودجه‌نورم برای یک‌کشور سه‌میلیونی - مصر و اسرائیل موافقت سوده‌اند که یکدیگر را تحت محاصره نظامی قرار ندهند. واضح است که منظور از این بند آنست که مصر به این عمل اقدام نکند، چه اسرائیل چگونه می‌تواند مصر را تحت محاصره قرار ندهد؟ در واقع این قسمت از موافقت نقلیل فشار نظامی در مرزهای اسرائیل می‌باشد. در قسمت دیگری آمده که این دو کشور با استقرار نیروهای سازمان ملل در آبراه سوئر بعد سه سال موافقت کرده‌اند. البته اسرائیل هیچگاه حضور این نیروها را در خاک خود نپذیرفته و بعد از این هم نخواهد پذیرفت زیرا که همیشه این نیروها در خاک مصر استقرار داشته‌اند.

مصر هم‌چنین می‌پذیرد که تمام کشتی‌هایی که از اسرائیل و یا به قصد بنادر آن کشور قصد عبور از کانال را داشته باشند، مجاز می‌باشند. این ماده نیز از جهت اقتصادی کاملاً به نفع دولت اسرائیل می‌باشد. نخست‌وزیر اسرائیل در این رابطه چنین گفته بود: "اسرائیل قرارداد را امضا نخواهد کرد مگر آنکه مصر اجازه بدهد کشتی‌های حامل کالا بمقصد اسرائیل از کانال سوئر عبور نمایند (۷۵/۶/۱۸) مصر نیز عهد می‌کند بایکوت و فشارهای اقتصادی علیه آن کشور را نقلیل دهد. در زمان ناصر اتحادیه عرب پیشنهاد مصر را صینی بر محاصره اقتصادی اسرائیل و بایکوت‌کشورها و کمیانهایی که با اسرائیل روابط اقتصادی داشتند، تصویب نمود. به موجب این طرح شرکتها، کمیانهایی، بانکها و صنایعی که در اسرائیل فعالیت داشتند، در فعالیت و دادوستد با کشورهای عربی را نداشتند. این بایکوت بتدریج اثرات خود را ظاهر ساخت و اسرائیل را تحت فشار قرار داد. بعد از جنگ ۶۷ و بالا رفتن بهای نفت و ازدیاد موجودی دلارهای کشورهای عربی نفت‌خیز، کمیانهایی غربی بیشتر تمایل پیدا کردند روابط اقتصادی خود را با این کشورها توسعه دهند، در حالیکه بسیاری از آنها در لیست سیاه‌اعراب قرار داشتند. مصر با قبول چنین تعهدی عملاً کلیه دست‌آوردهایی را که اعراب توانستند طی سالها بدست آورند (اقتصادی) همه را ختنی نماید.

مصر هم‌چنین می‌پذیرد که تبلیغات سیاسی خود را علیه اسرائیل محدود و پایان دهد. نقلیل این تبلیغات در واقع دعویان سادات خائن از توده‌های عرب برای قبول موجودیت اسرائیل در سرزمین‌های عربی بوده است. سادات با بی‌شرمی می‌گوید: "اسرائیل یک واقعیت تثبیت شده و مستقر می‌باشد. یک حقیقت است، اگر بعضی‌ها می‌خواهند سرهای خود را زیر

● در موافقتنامه کمپ دیوید کوچکترین سخنی از فلسطین اشغالی جز آنچه در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده است، یعنی بخش غربی رود اردن و نوار غزه بمیان نیامده است.

باب‌المنذب و جبل‌الطارق را آب‌های بین‌المللی اعلام نموده و حق‌کشی‌رانی آزاد را برای خود برسمیت شناخته و وجود اجازه می‌دهند که بهر وسیله‌ای که صلاح بدانند، از طرق دیپلماتیک یا غیر آن (منظور نظامی) این آزادی را نامس نمایند. آنها هم‌چنین توافق کرده‌اند که هواپیمای اسرائیلی آزادانه در منطقه دریای احمر پرواز کنند.

اسرائیل در منطقه سینا آنها می‌باشد، آنها قصد دارد کلیه منطقه را تحت کنترل و پوشش نظامی خود درآورند. یعنی اسرائیل منطقه باب‌المنذب و دریای سرخ و کانال سوئر را و رژیم سرنگون شده شاه جنایتکار خلیج فارس را. (رابطه کنترل دریای سرخ و باب‌المنذب را نهنتها از باب آزادی گشتی‌رانی در این منطقه، بلکه از باب سرنوشت جنبش رهایی‌بخش ارتیره و سومالی و کلیه سواحل غربی دریای احمر باید در نظر داشت).

این موافقتنامه توسعه‌طلبانه و تهدیدآمیز برای خلقهای منطقه شدیداً از سوی مردم فلسطین، الفتنج یاسر عرفات و خلقهای منطقه مورد حمله و افشاکری قرار گرفت. یاسر عرفات در مصاحبه مطبوعاتی دیگری (۷۵/۱۰/۱۳) با یواس نیوز اندور- لندن رپورت اعلام کرد: "موافقتنامه اخیر مصر و اسرائیل نهنتها امکان صلحی را برای خاورمیانه بوجود نیاورده، بلکه خطر جنگ را نیز تشدید کرده است. این موافقتنامه اساسی‌ترین علت مشکل، یعنی مسئله فلسطینیها را بکلی نهدیده گرفته است. علاوه بر سرزمین‌های عربی هنوز در اشغال اسرائیل است و اسرائیل در تحویل آنها سر بازی می‌زند. شرکت آمریکا در سینا مشابه شرکت آمریکا در جنگ ویتنام است که ابتدا با اعزام متخصصین و مستشاران آغاز گردید و به اعزام نیم‌میلیون سرباز منتهی شد. یاسر عرفات نسیم به تجهیزات جدیدی که آمریکا قرار است به اسرائیل تحویل دهد، اشاره کرده می‌گوید: "به موجب این قرارداد سری، بیشترین سلاحها در اختیار اسرائیل قرار خواهد

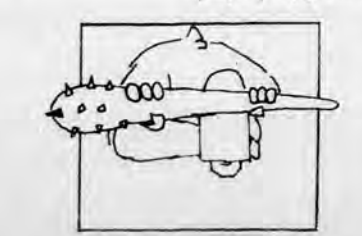
باتغییر بنیادی در آموزش

داشته باشند. آنها را مانع شوند و از رشد سیاسی ایدئولوژیک دانش‌آموزان که باید بعنوان یکی از دست‌آورد‌های انقلاب خونبار خلق مسلمان ایران به شمار آورد، جلوگیری کنند. کداسین برنامه آموزش و پرورش جهت اعتلا و رشد استعداد‌های دانش‌آموزان به مرحله اجرا درآمده است. ورزش که هنوز بزکمیهای استعماری خود را دارا است و تعمیری درکفیت سوه آن داده نشده است. امور تربیتی که خود به عنوان یکی از عوامل درگیرها در مدارس عمل میکند می‌توانست با برنامه‌های انقلابی و اسلامی در زمینه‌های قلم و ناه-تر کتابخانه وغیره، هم استعداد دانش‌آموزان را بارور گرداند و هم اینکه مروج اخلاق انقلابی و اسلامی در بین نسل جوان جامعه باشد. بهر جهت ما کمتر برخوردی اصولی را در آموزش و پرورش بعد از انقلاب مشاهده می‌کنیم. که آخرین نمونه آن نحوه برخورد آنان با تعطیلات نوروزی بود که انگار در این مدت ۴ یا ۶ روز جوانان این مملکت علامه دهر می‌شوند. با توجه اینکه مصادر امر از قلم بی‌بسی سبکی می‌کند که در این مدت اگر مدارس هم باز باشد درسی و کلاسی در کار نخواهد بود ولی مثل اینکه اگر یک سری حرفها را روی کاغذ بیاورند و بخشنامه کنند مسایل حل خواهد شد. بهرجهت مسایلی که ذکر شد مشتی بود از خروارها اینکه تو خود حدیث مفضل بخوان از این مجمل.

در پایان باید یادآوری کنیم که اس سیر و روال آموزش و پرورش ما را به یاد شعر معروفی اندازد که:

ترسم که به کینه‌نرسی اعرابی
این ره‌گه تو میروی به ترکستان است!

ما هم با این آموزش و پرورش که فعلاً در جامعه انقلابی بعد از انقلاب داریم در جهت هر چه بیشتر وابسته بودن به نظام استعماری کام می‌زنیم.



شوره زار را تبدیل به زمین حاصل خیز و قابل کشت نمائیم که ماهیت آن را عوض کنیم و آتزاز بنیاد تغییر دهیم. در جامعه نیز وقتی می‌توانیم تحول ایجاد کنیم که شالوده اصول حاکم بر آن تغییر داده و آنگاه حرف از رهایی از سلطه امیرالیسم به میان آوریم. با این تفصیل آیا میتوان بدون یک نظام آموزشی همگام و برخاسته از نیازهای اصیل انقلاب، از فرهنگ انقلابی و انقلاب فرهنگی دم زد. آیا بدون تغییر محتوای نظام آموزشی قبلی اعم از کتاب و برنامه میتوان ادعا کرد که در آموزش و پرورش برانقلاب شده است. بدون شک آنچه اکنون بر آموزش و پرورش بعد از انقلاب می‌رود چیزی جز استحکام همان مبانی نظام پیشین نیست، ۸۵٪ از رؤسای مدارس همان قبلی‌ها هستند، همانها که در نظام قبلی دستورات مافوق را بدون چون و چرا اجرا میکردند در شرایط حاضر برای مقابله باالاتر سبزی هم خورد نمی‌کنند و هرچه که بنفع خودشان است اجرا می‌نمایند. افرادی که جز حفظ منافع و کسب قدرت بیشتر به چیز دیگری نمی‌اندیشند. این افراد نحوه برخوردشان با معلمان و دانش‌آموزانی که نمیتوانند محدودیت‌های نظام قبلی را در برابر خود حس کنند غیر اصولی است. آنچه باعث ناه‌سف است حمایت بیدریغ اولیا، امر از افرادی این چنین است. ما ضعفهای حاکم بر آموزش و پرورش را بطور در بست به نظام پیشین نسبت نمیدهم زیرا بیشتر این‌ضعف‌ها ناشی از عدم قاطعیت انقلابی مصادر امر در برخورد با مسایل است که این خود ناشی از خصلتهای خود مطلق بینی و خودمحوری آنان در برخورد با مسایل است برخوردی که با شورا در آموزش و پرورش داشتند به همه چیز میماند جز شورا، زیرا این برخورد یک برخورد شکلی و فرمالیستی بیش نبود. زیرا شورایی که مدیر مدرسه همگاره آن باشد فقط ببرد همان مدیر مدرسه میخورد، این طرز عملکرد بیانگر دشمنی آنان با شورا است و همان از بین بردن غنای انقلابی شورا است. کیفیت کتابهای درسی و شیوه‌های ارزشیابی ما را به کدام جهت رهنمون می‌کند.

آقای وزیر! ارسال بخشنامه‌های کدایی که تبلیغ سیاسی در مدارس ممنوع است، بهانه و فرصت خوبی به دست مدیران فرصت طلب و عاقبت‌جو داد تا اگر دانش‌آموزان خواستند فعالیت‌های فرهنگی هم

طریق فروش نفت ارزان و سایر امکانات، درجه تورم در آن کشور به ۵۰٪ می‌رسد. نالنا بخاطر وارد آوردن ضربات فاطم بر استعمار جهانی بخصوص آمریکا به جهت ایجاد پایگاه انقلابی در خاورمیانه، وضع استعمار را متزلزل ساخت رابعاً موافق به نشان دادن چهره کریم استعمار صهیونیستی اسرائیل به جهانگیر و برملا کردن بی‌لباقی و انحراف اکثر دول عربی گنت. خاصاً، اسرائیل را با بی‌بست عدم نیات و آرامش مواجه ساخت. بدین ترتیب استعمار جهانی و استعمار صهیونیستی در معرض خطری جدی قرار گرفتند.

دقیقاً بدلائل فوق بود که خمسه‌ب - بازی کمپ دیوید برپا گردید. در این جا ما به خلاصه‌ای از نتایج خلق "امضا" موافقت نامه کمپ دیوید برای ننگن قهرمان فلسطین و خلقهای مسلمان می‌پردازیم:

نکات مهم قرارداد کمپ دیوید

۱ - مصر، اسرائیل و اردن و نمایندگان مردم فلسطین باید در تمام موارد حل و فصل مسئله فلسطین حضور داشته باشند. برای رسیدن به این هدف مذاکرات مربوط به ساحل غربی رود اردن و نوار غزه در سه مرحله باید صورت گیرد. الف: ... حکومت نظامی اسرائیل و دولت غیرنظامی آن (در ساحل غربی و نوار غزه) بلافاصله پس از آنکه حکومت خودمختاری جهت تبدیل حکومت نظامی موجود، آزادانه از طرف ساکنان این مناطق انتخاب شود. برجیده خواهد شد... این برنامه‌ها باید در برگیرنده هر دو اصل خودمختاری ساکنان این مناطق و خواسته‌های حقه تمام جناحهای درگیر مذاکره در مورد امنیت قلمروشان باشد.

ب. مصر، اسرائیل و اردن بر نحوه و شکل برپا کردن حکومت خودمختار انتخابی در ساحل غربی و در نوار غزه موافقت خواهند کرد. نمایندگی مصر و اردن می‌توانند فلسطینیهای ساحل غربی و نوار غزه و یا

انقلاب فرهنگی است، یا وسیله‌ای

بقیه از صفحه ۱

اگر شورای انقلاب واقعا خواهان یک انقلاب فرهنگی است و اگر یکی در کفش ستولان امور نیست. باید با مشورت افراد دستیار و متخصصین امور تربیتی و آموزشی و با همکاری شوراها و دانشجویی، نظام آموزشی انقلابی - مکتبی نوینی جهت ارتقاء سطح فرهنگ جامعه و سطح آموزش در دانشگاهها پایه ریزی کنند. این عده از دانشجویان طرفدار تغییر نظام آموزشی که صداقت دارند و به این قصد شروع به کار کردند باید بدانند که اقدام آنان عملاً آب به آسباب ارتجاع و لیبرالیسم میریزد و به حاکمیت قدرت طلب ها و سرانجام رشد یک استبداد و ارتجاع جدید منجر میشود. این تحولات سرانجام در جهت استحکام پایگاههای امپریالیسم و به انحطاط کشاندن فرهنگ اصیل اسلامی مردم ایران و کاهش سطح شعور اجتماعی - سیاسی آنها منجر میشود. شورای انقلاب در صورتیکه واقعا خواهان تقدیم وضع موجود است باید با برنامه قاطع و بیکی خود در جهت محو آثار فرهنگی استعمار قدم بردارد و کار را بدست افراد انقلابی و مکتبی بسپارد نه افراد نا آگاه و بی بهره از هر گونه فرهنگ و دانش انقلابی - سیاسی.

ما بیوسه معتقد بودیم که کشور احتیاج به یک انقلاب تمام عیار فرهنگی برای درهم پیچیدن طومار حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم طاغوت دارد. معتقد بوده و هستیم که ترکیب ماهیت و بیش عناصر در راس قدرت و تصمیم گیری در مجموع به کیفیتی نیست که قادر به ابقای مسئولیت بزرگ هدایت این تغییرات بنیادی و مکتبی در جامعه باشد.

ضرورت یک تغییر اساسی در ترکیب و عناصر متشکله رهبری بویژه بعد از اشغال لانه جاسوسی و آشکار شدن ماهیت جناحهای مختلف هیئت حاکمه، در جهت برقراری یک انقلاب فرهنگی و حفظ آزادیهای قانونی مردم - اما وصول برای اهداف از راهی که آغاز کرده اند ممکن نیست که این راه تدریجا آخرین بازمانده دستاوردهای انقلاب را هم بر باد میدهد. انقلاب به پایان راه میرسد و ضربه ای سخت بر اعتبار اسلام و انقلاب اسلامی و رهبری آن وارد میاید.

در تعقد بوده و هستیم که ترکیب ماهیت و بیش عناصر در راس قدرت و تصمیم گیری در مجموع به کیفیتی نیست که قادر به ابقای مسئولیت بزرگ هدایت این تغییرات بنیادی و مکتبی در جامعه باشد.

ضرورت یک تغییر اساسی در ترکیب و عناصر متشکله رهبری بویژه بعد از اشغال لانه جاسوسی و آشکار شدن ماهیت جناحهای مختلف هیئت حاکمه، در جهت برقراری یک انقلاب فرهنگی و حفظ آزادیهای قانونی مردم - اما وصول برای اهداف از راهی که آغاز کرده اند ممکن نیست که این راه تدریجا آخرین بازمانده دستاوردهای انقلاب را هم بر باد میدهد. انقلاب به پایان راه میرسد و ضربه ای سخت بر اعتبار اسلام و انقلاب اسلامی و رهبری آن وارد میاید.



فرهنگ طاغوتی را که توسط استعمار بنا نموده شده بگرد، درگیر اینصورت، آینده ایران در یک هرج و مرج فرهنگی - سیاسی فرو خواهد رفت و انقلاب به نابودی کشانده خواهد شد.

با توجه به اینکه ما و دیگر گروههای انقلابی اسلامی، ضرورت یک انقلاب فرهنگی را بیسابقه مطرح کرده بودیم اکنون دولت و شورای انقلاب وجود این گروههای سیاسی را سد راه انقلاب فرهنگی! و سد راه تغییر نظام آموزشی میدانند، باید گفت که در حقیقت مسئولین اجرائی با پیش کشیدن مسأله گروهها - ضعف و ناتوانی خود را از چشمان خلق می پوشانند و شکست خود را

گروهها و سپس سرکوب آنها، حال باید پرسید شورای انقلاب و دولت چه عمل واقعا انقلابی تا کنون انجام داده اند که گروههای سیاسی نواسته باشند سد راه آنها شوند. مگر تاکنون گروههای مختلف سیاسی از خواستههای انقلابی نظیر ملی کردن بانکها، ملی کردن صنایع، مصادره اموال سرمایه داران، اشغال لانه جاسوسی و... نواسته اند جلوهگری کنند؟

مگر گروهها تاکنون همیشه خواستار قطع دست سازشکاران و مرتجعین و بیسنگرفتن روشهای انقلابی در انجام اصلاحات نبوده اند؟ برای نمونه مادر شماره ۲۲ همین هفته نامه، تحت عنوان "انقلاب فرهنگی ضرورت تداوم انقلاب" مطرح کردیم که یکی از عمده ترین مسائلی که در پروسه تداوم انقلاب بایستی منحل تغییرات اساسی و بنیادی گردد، مسئله فرهنگ است

در میان قلب همه مردم جای داشتند اغلب شما در صحنه نبودید و حالا که کارها به دست شما افتاده است و وعلا رهبری همه حوادث و تحولات را در اختیار دارید بیاید و ارزیابی واقع بینانه کنید تا ببینید اقدامات شما تا چه حد از حیثیت انقلاب و رهبری و اسلام گسترده است؟ این شیوه برخوردی غیر اصولی بطور آگاهانه و یا ناآگاهانه به تضادها و کشمکش های درونی جامعه دامن میزند.

در طول یکسال و اندی که از انقلاب می گذرد، نبودن یک ترکیب انقلابی - مکتبی در شورای انقلاب و دیگر ارگانهای دولتی، گروههای مختلف جامعه را دچار سردرگمی کرده و سرنوشت انقلاب را در راههای از ابهام پرورده است. با سرها سرخوردگی ها و بالاخره خشم ناشی از این کندی و غیر انقلابی بودن امور، سرانجام به نقطه بروز خود رسیده و توده های انقلابی دریافتند که عامل فتنه در کجا نهفته است. جاسوسخانه امریکا و بدین ترتیب وعده امام که بعد از شاه توبت آمریکاست از لحاظ نظری به تحقق پیوست و جاسوسخانه توسط جوانان انقلابی اشغال شد. از آن پس تا کنون خلق تحت ستم ایران تاکنون هر روز و هر شب طواف کتان خیابانهای اطراف این لانه فساد را در نور دیده و هر چه فریاد داشته بر سر آمریکا زده است. ولی متأسفانه وقتی قرار میشود که دستورات امام در زمینه قطع رابطه اقتصادی و فرهنگی بمرحله اجرا درآید عدهای سازشکارو مرتجع روند کارها را به انحراف میکشانند و هر مسئولی سعی میکند که شانه خود را از بار عمل انقلابی خالی کند.

وقتی کار بمرحله اجرا میرسد. سازشکاران و مرتجعین رهبری عمل را بدست گرفته و مسیر انقلاب را به انحراف می کشانند. گروههای فشار از یک طرف، و افراد و گروههای فرصت طلب و انحصارگر از طرفی... هر کدام با انواع بهانه ها، دیگران را از میدان بدر کرده و با قرار دادن خود در مراکز امور مبارزه ضد امپریالیستی را بی محتوا می نمایند.

شورای انقلاب هم با حرکت های محافظه کارانه خود در یکسال گذشته و با بی برنامهگی در رابطه با مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مملکت، زمینه را برای هرج و مرج آماده کرده است درحال حاضر آشفتنی فرهنگی بهیچراه آشفتنی اقتصادی - سیاسی مملکت را فرا نمیکرد.

مردم در برابر موضع شورای انقلاب در رابطه با این آشفتنی دچار سردرگمی شده اند بعضی به ناچار سعی میکنند مستقلاً دست به یک اصلاح یا انقلاب فرهنگی در حوزه محل خود بزنند بدون آنکه شرایط و صلاحیت این کار را احراز کرده باشند دولت همه کاسه و کوزه ها را بر گروههای سیاسی شکست و یک جو تبلیغاتی قوی علیه آنها بوجود آمد.

چنانکه بعضی برآستی باور کرده اند که گروههای سیاسی مختلف در سطح دانشگاهها میتوانند مانع پیاده شدن یک انقلاب فرهنگی و تغییر نظام آموزشی شوند ولی در حقیقت این موضع گیریها بهانه های بیش نیست. بهانه های درجهت منفرد کردن

انقلاب را نگرفته است؟ روزی که امام در میان قلب همه مردم جای داشتند اغلب شما در صحنه نبودید و حالا که کارها به دست شما افتاده است و وعلا رهبری همه حوادث و تحولات را در اختیار دارید بیاید و ارزیابی واقع بینانه کنید تا ببینید اقدامات شما تا چه حد از حیثیت انقلاب و رهبری و اسلام گسترده است؟ این شیوه برخوردی غیر اصولی بطور آگاهانه و یا ناآگاهانه به تضادها و کشمکش های درونی جامعه دامن میزند.

در طول یکسال و اندی که از انقلاب می گذرد، نبودن یک ترکیب انقلابی - مکتبی در شورای انقلاب و دیگر ارگانهای دولتی، گروههای مختلف جامعه را دچار سردرگمی کرده و سرنوشت انقلاب را در راههای از ابهام پرورده است. با سرها سرخوردگی ها و بالاخره خشم ناشی از این کندی و غیر انقلابی بودن امور، سرانجام به نقطه بروز خود رسیده و توده های انقلابی دریافتند که عامل فتنه در کجا نهفته است. جاسوسخانه امریکا و بدین ترتیب وعده امام که بعد از شاه توبت آمریکاست از لحاظ نظری به تحقق پیوست و جاسوسخانه توسط جوانان انقلابی اشغال شد. از آن پس تا کنون خلق تحت ستم ایران تاکنون هر روز و هر شب طواف کتان خیابانهای اطراف این لانه فساد را در نور دیده و هر چه فریاد داشته بر سر آمریکا زده است. ولی متأسفانه وقتی قرار میشود که دستورات امام در زمینه قطع رابطه اقتصادی و فرهنگی بمرحله اجرا درآید عدهای سازشکارو مرتجع روند کارها را به انحراف میکشانند و هر مسئولی سعی میکند که شانه خود را از بار عمل انقلابی خالی کند.

وقتی کار بمرحله اجرا میرسد. سازشکاران و مرتجعین رهبری عمل را بدست گرفته و مسیر انقلاب را به انحراف می کشانند. گروههای فشار از یک طرف، و افراد و گروههای فرصت طلب و انحصارگر از طرفی... هر کدام با انواع بهانه ها، دیگران را از میدان بدر کرده و با قرار دادن خود در مراکز امور مبارزه ضد امپریالیستی را بی محتوا می نمایند.

بانتعیر بنیادی در آموزش و پرورش مبارزه ضدامپریالیستی را تکامل بخشیم

نظر کیفیت معلومات و هم از نظر اصول ایدئولوژیک - اخلاقی، جوانان برومند و خوبی هستند، از زدن هر نوع برجستگی از قبیل النقطاتی و ضد انقلابی خودداری نشد. لغو شهریه مدارس، بزمغ سبازی از زعمای قوم که خود غرق در زندگی بورژوازی هستند، راه و رسم اشتراکی تلفی کردیدو شاید هم که ترس از بین رفتن مدارس خصوصی و خود ایشان در میان بوده است. اما همزمان با این برخوردها سعی در تثبیت معلمین و رؤسای مدارس میشد که بااستقما" در خدمت ساواک بودند واز آنجا امرار معاش میکردند و با بدون مزد و منت تلاششان در خدمت آنها بود، در تمام طول یکسال گذشته، تحصیلی، عملی که نمایانگر اقدام انقلابی و تلاش در راه استقرار ارزشهای اسلامی باشد مشاهده نشد و برعکس بازار انحصار طلبی گرم بوده است. اساساً فرهنگها هرچقدر که انقلابی باشند و بخواهند یک نظام کهنه را با همان ضوابط و اصول گذشته اش به عنوان چارچوب خود بپذیرند، لاجرم به فقیرا دچار خواهند گشت، زیرا فرهنگ انقلابی باید در چارچوب یک نظام اجتماعی برآمده از ایدئولوژی انقلابی اعمال شود، به بیان دیگر فرهنگ انقلابی باید که با تکیه گاه ایدئولوژیک خود را بطه داشته باشد، در غیراین صورت نمیتواند ویژگیهای بک فرهنگ انقلابی را بدون تحول بنیادین در نظام اجتماعی، به زوایای آن جامعه انتقال داد. رفروم و اسم و شکل را عوض نمودن، دردی را دو ا نمیکند بلکه زمینرا برای ارتجاع فراهم میسازد. بیشتر از برای بودن نظام آموزشی حرف به میان بوده و در جهت تحقق بخشیدن به این هدف بود، که محصولات نظام آموزشی فقط به دردهمان جامعه مصرفی که متأسفانه تا کنون هم در این جهت به پیش میرویم، میخورد. از کتابهای درسی گرفته تا نظام ارزشیابی، از فوق برنامه تا وسایل کمک آموزشی همه و همه در خدمت آن فرهنگ معرفی غالب درآمده بود. بنا بر همین ضرورتهاست که گفتم انقلاب و استمرار آن انقلاب فرهنگی می بایست چارچوبهای قبلی را می شکست وقتی میتوانیم زمین

کیرد. از اعضای شورای انقلاب و رئیس جمهور ستوال می کنیم آیا مشکلی حیاتی تر از مشکل دانشگاهها و کار گروهها آنهم با این شیوه و برنامه نداشتید؟

رئیس جمهور و شورای انقلاب عنوان کرده اند که برای انقلاب فرهنگی برنامه ای در دست اجرا دارند که توقف فعالیت گروهها در دانشگاهها اولین قدم آن است. و برای انکار طبق معمول رئیس دولت مردم را بکک می طلبد تا این برنامه را یک خواست عمومی جلوه دهند از این تصویب نامه بوی اختناق بشام میرسد و بی شک عکس العملهای نامطلوبی برای انقلاب در بر دارد.

آیا چشمان خود را باز نمی کنید و به روند حوادث در یکسال گذشته نمی نگرید که چگونه انبوهی از جوانان نسبت به انقلاب اسلامی و مکتب بدین شده اند و بسیاری از مردم دلسرد و مأیوس. آیا این علل است خطرناکی نیست.

آیا ضربه های وارده دامن اسلام و رهبری

در شرایطی که وحدت خلق در مبارزه علیه امپریالیسم ضرورت حیاتی دارد و مبارزه با پایگاههای امپریالیسم در صدر برنامه ها باید قرار گیرد، از اعضای شورای انقلاب و رئیس جمهور ستوال می کنیم آیا مشکلی حیاتی تر از مشکل دانشگاهها و کار گروهها آنهم با این شیوه و برنامه نداشتید؟

انقلاب را نگرفته است؟ روزی که امام در میان قلب همه مردم جای داشتند اغلب شما در صحنه نبودید و حالا که کارها به دست شما افتاده است و وعلا رهبری همه حوادث و تحولات را در اختیار دارید بیاید و ارزیابی واقع بینانه کنید تا ببینید اقدامات شما تا چه حد از حیثیت انقلاب و رهبری و اسلام گسترده است؟ این شیوه برخوردی غیر اصولی بطور آگاهانه و یا ناآگاهانه به تضادها و کشمکش های درونی جامعه دامن میزند.

در طول یکسال و اندی که از انقلاب می گذرد، نبودن یک ترکیب انقلابی - مکتبی در شورای انقلاب و دیگر ارگانهای دولتی، گروههای مختلف جامعه را دچار سردرگمی کرده و سرنوشت انقلاب را در راههای از ابهام پرورده است. با سرها سرخوردگی ها و بالاخره خشم ناشی از این کندی و غیر انقلابی بودن امور، سرانجام به نقطه بروز خود رسیده و توده های انقلابی دریافتند که عامل فتنه در کجا نهفته است. جاسوسخانه امریکا و بدین ترتیب وعده امام که بعد از شاه توبت آمریکاست از لحاظ نظری به تحقق پیوست و جاسوسخانه توسط جوانان انقلابی اشغال شد. از آن پس تا کنون خلق تحت ستم ایران تاکنون هر روز و هر شب طواف کتان خیابانهای اطراف این لانه فساد را در نور دیده و هر چه فریاد داشته بر سر آمریکا زده است. ولی متأسفانه وقتی قرار میشود که دستورات امام در زمینه قطع رابطه اقتصادی و فرهنگی بمرحله اجرا درآید عدهای سازشکارو مرتجع روند کارها را به انحراف میکشانند و هر مسئولی سعی میکند که شانه خود را از بار عمل انقلابی خالی کند.

وقتی کار بمرحله اجرا میرسد. سازشکاران و مرتجعین رهبری عمل را بدست گرفته و مسیر انقلاب را به انحراف می کشانند. گروههای فشار از یک طرف، و افراد و گروههای فرصت طلب و انحصارگر از طرفی... هر کدام با انواع بهانه ها، دیگران را از میدان بدر کرده و با قرار دادن خود در مراکز امور مبارزه ضد امپریالیستی را بی محتوا می نمایند.

شورای انقلاب هم با حرکت های محافظه کارانه خود در یکسال گذشته و با بی برنامهگی در رابطه با مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مملکت، زمینه را برای هرج و مرج آماده کرده است درحال حاضر آشفتنی فرهنگی بهیچراه آشفتنی اقتصادی - سیاسی مملکت را فرا نمیکرد.

مردم در برابر موضع شورای انقلاب در رابطه با این آشفتنی دچار سردرگمی شده اند بعضی به ناچار سعی میکنند مستقلاً دست به یک اصلاح یا انقلاب فرهنگی در حوزه محل خود بزنند بدون آنکه شرایط و صلاحیت این کار را احراز کرده باشند دولت همه کاسه و کوزه ها را بر گروههای سیاسی شکست و یک جو تبلیغاتی قوی علیه آنها بوجود آمد.

چنانکه بعضی برآستی باور کرده اند که گروههای سیاسی مختلف در سطح دانشگاهها میتوانند مانع پیاده شدن یک انقلاب فرهنگی و تغییر نظام آموزشی شوند ولی در حقیقت این موضع گیریها بهانه های بیش نیست. بهانه های درجهت منفرد کردن

ما بیشتر مطرح ساخته بودیم که انقلاب ایران بلحاظ فرهنگی

باید در مسیر اسلام اصیل قرار گیرد و فرهنگ بالوده اسلامی

جای فرهنگ طاغوتی را که توسط استعمار بنا تحمیل شده، بگیرد.

تحقق یخشند یکی از این اهداف تجدید آرادیهای سیاسی و تثبیت سلطه انحصاری یک جریان فکری سیاسی بر کشور است. اما در کنار این تمایل، تمایل دیگر هم وجود دارد و آن تحکیم قدرت مطلقه دولتی بر همه امور کشور و کنترل کامل نیروها و فعالیتها بهار کردن قدرت بوده هاست این تمایل از نظریه حکومت از بالا دفاع میکند که در رأس آن رئیس جمهور قرار دارد.

در رسیدن به این هدف همه جریانانات مستقل اجتماعی - سیاسی خار،اه محسوب میشوند. حتی حرکتی شبه آنچه دانشجویان انجمنهای اسلامی انجام دادند نمیتوانند مطلقاً مطلوب و مورد تأیید باشد. زیرا این حرکت میتوانست کلا" در خدمت جریان اول باشد. اما هر دو تمایل اخیر یک نفع مشترک ولی پانگیزه های مختلف پیدا کردند و آن مهار کردن کار گروههای سیاسی مستقل و حذف مزاحمتهای آنان بود. اشاره به کار گروههای سیاسی مستقل با این معنا نیست که عملکردهای آنها در سیزده ماه گذشته بدون عیب و نقی بوده و کلا" در جهت منافع خلق حرکت کرده اند هرگز چنین نیست بلکه معتقدیم که گروهها و سازمانهایی که امروز مورد تهاجم مشترک لیبرالیسم و ارتجاع واقع شده اند کار و تبلیغ گروهی و سازمانی خود را بر کار توده ای و خلقی ترجیح دادند و بر این اساس مواضع و تحلیلهای آنان همیشه در جهت تائید خواسته های انقلابی توده ها نبوده است و گهگاه با موضع گیری های جب روانه عملاً "بفغ راست عمل کرده اند.

روحتی شیوه استفاده انحصارگرایانه بعضی گروهها از امکانات دانشگاهی برای تبلیغ مواضع گروهی نمیتوانست مورد تأیید نیروهای اصولی باشد.

اعلامیه شورای انقلاب که به پیشنهاد رئیس جمهور تنظیم و تصویب شده است نشانه این توافق وضع مشترک دو جریان یاد شده در حرکت دانشجویان بود. ولی در بطن های اعلامیه تضاد انگیزه ها بچشم میخورد.

دانشجویان انجمنها که رهبریشان را عوامل خارج از دانشگاه در دست دارند میخواستند مستقل از دولت دانشگاهها را تعطیل و بزعم خود به امر تهیه نظام آموزشی و کار در جهاد سازندگی بپردازند درحالیکه رئیس جمهور با هر حرکت مستقل از دولت مخالف است و آنرا نشانه خود کامگی میداند. معلوم است که آنچه از اعضای شورای انقلاب هم که حامی دانشجویان بحساب می آیند و مرتب مردم را به کمک دانشجویان می طلبند یا تاب مقاومت در برابر تمایل رئیس جمهور نداشتند تا رودست خوردند زیرا بیانیه شورا به اتفاق آرا" تصویب شده است بهمین جهت بیانیه عملاً" علیه گروههای سیاسی مستقل و دانشجویان انجمن های اسلامی هر دو صادر گردید. آقای رئیس جمهور با یک تیر چند نشان زدند. رسماً" دفاتر گروههای

سیاسی مستقل را با تصویب نامه شورای انقلاب برمی چینند. مردم را در برابر گروههای سیاسی قرار داده در جهت منزوی ساختن آنان پیش میروند. دانشجویان انجمنهای اسلامی و گروههایی از مردم را در مقابل با گروههای سیاسی مستقل کشیده به اصطلاح بدست مردم قدرت و حاکمیت دولت را تثبیت و تحکیم می نمایند. در همانحال نمیتوانند کار به دست دانشجویان انجمنهای اسلامی بیفتد و احیاناً" حرکتی شبه حرکت دانشجویان خط امام در جریان اشغال سفارت اگر چه تا آن حد هم نمیتوانست مترقی باشد. رخ بدهد.

اقدام دانشجویان و سپس اعلامیه شورای انقلاب و رئیس جمهور منجر به درگیریهای سخت در دانشگاهها شده است. مسلماً" این درگیریها در صورت اولیه ابعاد گسترده تری پیدا خواهد کرد و در شرایطی که وحدت خلق در مبارزه علیه امپریالیسم ضرورت حیاتی دارد و مبارزه با پایگاههای امپریالیسم در صدر برنامه ها باید قرار

شکل گیری ارتش اسلامی با محتوای کهنه استبدادی-استعماری

نامه زیر که توسط یکی از برادران نظامی خطاب به نویسندگان مطبوعات نوشته شده است حاوی هشدارهایی درباره ارتش است که انتشار خلاصه آنرا برای آگاهی مردم ایران مفید دیدیم.

از آنجائیکه بنا به شواهد تاریخی، ارتش ها، همواره نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت ملتها، بخصوص انقلابات جهان داشته‌اند، و از آنجائیکه مطبوعات، رسالت عظیمی در اثبات نقش سربوشت ساز ارتشها، در بین جوامع را دارند، لذا انتشار میرفت یا توجه به تحریکات خونخواری که از نثره یافت فکری و تشکیلاتی ارتش شاه بدست آمده است، پس از پیروزی انقلاب، مطبوعات، بهمان گونه که در زمینه‌های مختلف و ضرورت‌های دوران سازندگی انقلاب، تلفیق‌سازی و نظریه پردازی داشتند، در مورد مسائل مربوط به ارتش و ارتشیان نیز همت لازم را بکار می‌بستند تا ملت ما شناخت بیشتری نسبت به کم و کیف این عامل اساسی و تعیین کننده سرنوشت انقلاب، پیدا نمایند.

نتیجه این بی مهری ها و بی خیری ها و بیگانگیها و بی اعتنائیها و کم بها دادن به واقعیتی نام "ارتش"، آنستکه ناکنون که بیش از یکسال از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران نگذرد، نه ما مورث کلی ارتش در "جمهوری اسلامی" برای ارتشیان تشریح و محقق و مدلل و مسلم شده است و نه مفهوم و محدوده مسئولیت فردی ارتشیان از نظر مکتب اسلام. نه نقش و ردهای ارتشیان، نه در سازماندهی و کاربرد ارتش شخص شده است، و نه حدود و وظائف و مسئولیتهای رئیس ستاد ارتش در این میان - در قانون اساسی تعیین شده است. نه مقام مسئول برای ادای توضیحات درباره انحرافات مکتبی و تحولات قانونی فرماندهان ارتش در مقابل نمایندگان ملت، تعیین و معرفی شده است و نه مرجع نظم، و دادخواهی ارتشیان از تجاوزات فرماندهان با حقوق فردی و اجتماعی آنها، مشخص شده است.

نسخه از تغییر نظام ارتشها و صلاحیتها در میان است و نه نشانی از استقرار نظام شوراها بچشم میخورد. (البته شوراها برای جلب آراء، انتخاباتی ریاست جمهوری و مجلس سراسری، فراوان شنیده شد) نه از انحلال دادگاههای اختصاصی و غیر قانونی ارتش خبری هست و نه از لغو قوانین و دست نوشته های مفرغهای مستبد و مترجم و منجمد ارتش شاه اثری هست. نه از انحلال سازمانهای قهریه و اختناق آمیز گذشته - همچون دربان و ضد اطلاعات - خبری هست و نه از تعویض "سرپرست" های "موقت" یگانها که بوسیله گروهی ناشناس تحت عنوان "کمیته انتصابات امام" منصوب گردیده‌اند و نه به صداقت و صراحت و شهادت آقایان، اطمینانی. نه از آزادی بیان عقاید و حقایق خردی هست و نه به میدان بحث و بسط فرهنگ اسلام راستین، راهی. نه از خلع یسد سازمانهای تقبلی عقاید و جرایم ارتش هست و نه از ترک تهدید و تعقیب و تحمق و تزویر، تشنه‌سازی.

نه مفهوم "انقلاب" از دیدگاه مکتب اسلام و قرآن، در سطح وسیع و همه گیر، برای ارتشیان شکافته شده و نه منظور از "ضد انقلاب" و جاسوس و دشمن و مهاجم و اشرار، دقیقاً "برایش مشخص و ابلاغ گردیده است.

نه مفهوم و محدوده خدمت و خدمتگزاری و نه منظور از خیانت و خیانتکاری، از دیدگاه اسلام، برای ارتشیان روشن شده است.

نه خصوصیات و ضرورت‌های امر فرماندهی و مشاغل ستادی مشخص شده است و نه شرایط و ضوابط فرماندهی و اطاعت. نه موارد و مضامین "اسرار" ارتش مشخص شده است و نه حرفی از تغییر روش تعیین "صلاحیت" ها، بمیان آمده است. نه فلسفه و انگیزه نقل و انتقالات نوبه‌ای (احتمالاً) نوبه‌ای ارتش تشریح و بررسی شده است و نه شرایط ماورین و معذورین و مطرودین.

نه ضرورت و هدف از اعزام وابسته‌های نظامی به کشورهای دیگر برای ملت روشن شده است و نه شرایط ضوابط آن تعیین و اعلام گردیده است. در ها و صدها "نه" و نا امیددی دیگر، هرچه که هست، همانست که بود: قوانین و ضوابط، ارتجاعی - افراد و

افکار و احکام، ارتجاعی - واکر اسلامی هم هست، اسلام سنتی، گذشتگان نه اسلام انقلابی وعده دهندگان. اگر "قرآنی" مطرح است. قرآنی به شیوه قرآن سربازها و سربازها و سرعده‌ها و خلاصه آنکه، باید به این حقیقت بلخ اعتراف نمود که فقط عیسویان ارتش "ناهنشاهی" به ارتش "جمهوری اسلامی" تغییر یافته است و پس وگرنه "محتوا" همانست که بود بطوریکه باید گفت:

حافظ باز نفاصه خونابه چشم که بر این جمجمه همان آب روانست که بود در اسلام، ارتش، نافته جدا بافندای از مردم، نیست. دارو نداشت - خوب و بدش - ضعف و ناکاملش - همه و همه، هر چه که هست و باشد، به کل امت مربوط است چون از امت است و برای امت نه برای ایل و نبار خاصی و نه برای دسته و حزبی مخصوص که دین و دنیا را فقط از درجه تشخیص و ترکیب چشم خود بی ببینند و پس بنابراین بایستی که ملت از کم و کیف ارتش خود، آگاهی دقیق و عمیق داشته باشد. مسلم است که نبل چنین مقصود و آگاهی، مسلزم حضور دانشی خبرنگاران جسراند (البته خبرنگاری خبره و در دانش و مسئول و منعمده و واقع بین) در سربازخانه ها و سادهاست تا ضمن نظارت حضوری بر روند امور جاری خدمتی و آموزشی و عملیاتی و عقیدتی برادران ارتشی خود، و آشنائی با خط مشی و طرز تفکر و تلقی فرماندهان آنان، از اخبار جالب و دقیق سربازخانه ها، اعم از مثبت و منفی، آگاهی کامل بیابند و آنها را به تمام و کمال با مردم در میان بگذارند تا در همه حال، مردم، از میزان کارائی و همچنین کاربرد ارتش که آنرا با شیوه جان خود برای حفظ تربیت و آرمانهای ملی خود، تجهیز و تربیت میکنند، و قوف کامل و اطمینان بخشی داشته باشد.

با توجه به آنچه فوقاً بدان اشارتی رفت و اینکه امپریالیزم جهانخواز آمریکا، آخرین امیدش - ولو دراز مدت - به کم و کیف ارتشی بسته است که "خود" سالیان درازی است آنرا ساخته و پرداخته است، لذا بعد نیست که نوظئه گران بین المللی با بهره برداری از ویژه گیهای فرصت طلبان و شهرت طلبان و خود فریختگان و خود - کامگان داخلی، و با هدایت و سفارت عوامل و عناصر مشکوک و ناشناخته - که خود امپریالیست ها آنرا در اوج انقلاب، بمنظور اجرای طرح های پیش بینی شده و در جهت حفظ منافع خود، به اشکال و القاب مختلف، ابتدا به درون مملکت روانه و سپس بدون ارتش و دیگر نهادهای انقلابی نفوذ داده‌اند - بهرحلیه و فرندی که میسر بوده باشد، چه از طریق حادثه آفرینی های داخلی و چه از طریق جنگ افروزی های مرزی و بین المللی - که نهایتاً "دل مشغولی و سرگرمی ملت مبارز و بیگرجوی ماست - فرصت ایجاد یک ارتش صد در صد مردمی را (البته به تعبیر قرآن نه به تفسیر رندان) از ملت قهرمان و مبارز ایران سلب نمایند و همان ارتش سابق را، که تغییر نامی هم یافته است، در نظرم ملت و انقلاب ایران، محبوب و مطلوب و مشروع بگردانند - بخصوص اگر در نبردهای که خود امپریالیزم بوسیله عمال بین المللی اش (فعللاً) بوسیله حزب بعث عراق و در آینده ... در مناطق غربی کشورمان تهیه و تدارک دیده است، پیروز و قهرمان! گردد - و همان ارتش را، که با نهادهای طرف امپریالیستی رشد و تکامل یافته است، برای ادامه اجرای مقاصد شوم و دیرینه خود، که همانا سرگرمی حق طلبان و توده های بیباخاسته، و نیز تضمین کننده منافع سرمایه داران و زمین داران امپریالیزم جهانخواز بوده است، دست نخورده باقی نگهدارند.

اینک، بمنظور خنثی کردن هر نوع نوظئه احتمالی از این دست، و برای جلوگیری از ترمیم و تجدید بنای ارتش شاهنشاهی و پیشگیری از تکرار حوادث ننگین و مرگبار گذشته های نه چندان دور، بایستی:

- گمانیکه با درد مردم و با پشتوانه‌های درخیمی رژیم استبدادی و استعماری شاه مخلوع، آشنائی دیرینه دارند، و ضمناً نسبت به آزادی و استقلال و عدالت‌های اسلامی "حداقل" فرزندان خود، مسئولیتی احساس میکنند،
- گمانیکه در زیر رگبار گلوله های غداره بندگان و چکه بوشان و غلامان حلقه بگوش ارتش شاه، نفس هایشان در سینه ها

همیشه بنداز تاریخ، با تسخ افرادی آگاه و درد آشنا به جمع خود، و با استفاده کامل از حق قانونی "خبرنگار" خیلی دقیق

و ماهرانه و فاطمانه روانه سربازخانه ها و سادها کردند و از کم و کیف حرکات و جریانات حاکم بر ارتش، آگاهی یابند و آگاهی های خود را بوضع، با مردم در میان گذارند تا خود مردم از کوچکترین انحراف ارتش از مسیر مصالح ملی و احکام اسلام و قانون اساسی، جلوگیری نمایند و ذکر بار، "خود" دشمن جانی برای خود سازند نه اینکه، تفریح گران، ساکت و صامت، و بدون احساس مسئولیت در مقابل آندگان، از مقابل حلال حاکم بر ارتش، عبور کنند و مسائل حل نشده ارتش را کماز مقابلشان صبح تا شام زنده میروند، بی آنکه هرگز متوجه عواقب خطرناکش باشند، ساده و بی ارزش تلقی نمایند و بدینسان، ناشایسته و ناخودآگاه، مهر نایند و حتی تمجید، بر روند "سازشی شبه شاهنشاهی ارتش در "جمهوری اسلامی" بزند که در اینصورت، چه دیر خواهد بود غفلت ها و چه بی ثمر خواهد شد پیمانها.

حس ولی برای آزادی مردم - از جمله همین ارتشیان - از قید اسارتها و حاقنها و بردگی ها، لحظاتی قلم از دستشان فرو نیفتاد، تا سرانجام دیواسیداد و خود - کامگی و غول استعمار و دیوانگی را در هم ننگند.

- گمانیکه در آرزوی داشتن ایرانی آباد با انسانهای آزاده و بویا با سرحد تکامل و تقرب به درگاه حق و عدالت، شب و روز، خانه و کاشانه بر خود حرام کرده‌اند، یعنی "توسندگان" و "خبرنگاران" این بیستانان راه حق و عدالت و این حسان

یقین

ایده‌نولوژیک: از سری واژه های قرآنی
"یقین"
یقین: ثابت و واضح شدن، یقین یعنی ثابت یا ثابت شده و بالاتر از علم است. یقین صفت علم است بالاتر از معرفت و درایت ... (راغب)

وقتی از فردی درباره مسئله‌ای یقین او را میپرسیم راستی چه چیزی را از وی حویا شدیم؟ و یقین از دیدگاه قرآنی چیست؟ و افرادی که یقین ندارند چیست؟ اگر به موضوعی یقین داشته باشیم چه میشود و اگر نداشته باشیم چه میشود؟ اصولاً "در طبیعت و در نفس وجودی انسان آیتی است برای آنگاه یقین دارندگان نشانه‌های ذات مطلق را تنها یقین دارندگان بخور اکمل در می یابند. "وقی الارض آیات للسنوتین وقی انفسکم. افلا تبصرون الذاریات ۲۱ و ۲۲ و در زمین و در نفس هایتان آیتایی است از برای یقین دارندگان آیا پس بصیرت بخرج نمیدهد؟ پس آنگاه یقین دارند - پدیده ها، آیتات و نشانه ها را لمس میکنند چیزی بالاتر از دین و فهمیدن ایشان انقیاد و تسلیم شان در برابر عظمت "او" از حد در گذشته و امکان رجوع و بازگشتی از جانب خدا و از صراط مستقیم نیست لمس کرده‌اند هر چه هست "اوست" و جز او نیست و دیگر پدیده ها بشرط رابطه با الله است که تجلی می یابند رشد میکنند و می زیند و گرنه نیستند. زمانیکه قومی - جامعه‌ای - صبر نمودند آیت الهی یقین ورزید خدا اما مانی را قرار میدهد که قوم را بسوی "امر" خدا هدایت میکند. رهبران الهی در صورت صبر افراد جامعه در برابر نفس اماره" درون و در برابر ضربات عوامل ضد توحیدی برون و در صورت یقین افراد به آیت خدا بروز می یابند، امکان می یابند و کلیه نیروهای رزمنده" توحیدی را علیه باطل سیخ میکنند. و جعلنا منهم ائمه یهدون باسمنا لئلا یضلوا و کانوا بایاتنا یوقنون (سجده ۲۵)

اما بی شک تمامی افراد توان و ظرفیت یافتن یقین را ندارند - بخاطر رشد خصلت های غیر مکتبی - لذا آنگاه که یقین داشته‌اند قصد پیروزی سریع و حرکتی بلا وقفه برای رسیدن. به "الله" دارند و هدفشان ساختن جامعه‌ای است که "قسط" بر تمام زوایایش حاکم باشد استعمار انسان از انسان نفی و افراد جامعه از لحاظ رشد فرهنگی تعالی یافته‌اند اما گروه اول دو کار میتوانند انجام دهند الف - رساندن خودی به حد یقین دارندگان، که این امر با توجه به رشد خصلت های فزونی طلبی، جاه طلبی، قدرت جوئی و ... در آنان امکانش ضعیف است، ب - تحقیر، تخطئه و مانع تراشی در مسیر حرکت یقین دارندگان.

بنا بر این برخورد اصطلاحی رخ میدهد و عوامل یاد شده تلاش وافر در به تحلیل برتن نیروی یقین ورزندگان بخرج میدهند تا خود را به انجام ۲ هدف نائل آورند:

- ۱- حفظ انقلابی نمائی و وجهه" اجتماعی
- ۲- بدست آوردن قدرت و مستند اما طبیعی است که بر اثر عملکردهای غیر- اصولی عدم توانائی آنان در هدایت خویش و جامعه و عدم صداقتشان بر خلق مبرهن میگردد. زیرا مثلاً "کسی که میگوید در مناقشه" بین ما (ایران) و آمریکا هر دو ضرر می کنیم این ناکی ملت را فریب خواهد داد و ناکی ملت تزه های شبه انقلابی ایشان را خریدار خواهد بود؟ ناکی؟ اصلاً؟ یا

یقین

این طرز تفکر می شود مبارزه کرد؟ با این طرز فکر می توان امپریالیسم عداوری را که طری سالیان دراز تجربه ضد خلقی آموخته، از پای در آورد و وابستگی اقتصادی را قطع نموده و جامعه را بسوی عدالت و مبعارهای خدائی سوق داد؟

لکن حصال ایشان نباید موجب دل - سردی و یا - س نیروهای واقعا" صادق و توحیدی و یقین دارنده گشته و آنان را از حرکتی مستمر و تلاشی بی امان باز دارد هرگز. فاصران و عدالله حلق ولا یستخفنگ الذین لا یوقنون (روم ۶۰)

پس صبر کن - صبری بصیر و انقلابی - بدرستی که وعده" پیرو درگات (اراده خدامینی است و ترا تحقیر نشدند و حرکت را کند نگند) آنگاه" بر پیروزی مستضعفین بر مستغنیان وقت و نصر از جانب خدا و تثبیت قدمهای مجاهدان) یقین قطعی ندارند.

لذا آیات خدا فقط بر یقین دارندگان بطور صریح و آشکار تبیین میگردد و ایشان با الهام از آیات قرآنی و آیات طبیعی پیگار بی الهام را می آغازند.

... قدینا الایات لقوم یوقنون (بقره ۱۱۸)

و در این حرکت و هجرتی که بخاطر رضایت "او" شروع نموده‌اند احکام و دستورات الله سرلوحه و سرمشق ایشان است و بهترین حکم، حکم خدا و بهترین حاکم هم "اوست" ومن احسن من الله حکماً و لقوم یوقنون (مائده ۶) و کیست نیکوتر از الله بدآور از برای گروهیگ یقین میکنند. سرنوشت یقین دارندهگان چطور میشود و قرآن پادشای ایشان را چه چیز معرفی میکند؟ کسانی که یقین دارند افرادی هستند که بیش از آخرتی دارند یعنی آخرت بین میشوند و سرانجام نگر مسائل جاری و پدیده ها را بخاطر مقطعی در نظر نمی گیرند بلکه همه چیز را در سیر و جریان مشاهده میکنند پس، کسانی که به آخرت ایمان آوردند - بعد از اقامه" نماز و ایات" زکوه - از جانب خدا هدایت میشوند راه را یافته‌اند هدف را دیده‌اند پس بلا انقطاع بسوی میروند از وابستگی با رهیداند چون فنا را نمی خواهند و بقا را ترجیح داده‌اند. قرآن پادشای ایشان را در یک کلمه خلاصه میکند فلاح ... و النک هم المفلحون (لقمان ۴۰)

شاید این سؤال در ذهنمان نقش بندد که خوب برای رسیدن و بدست آوردن یقین چه باید کرد و از چه راهی و از چه مسیری می توان به یقین دست یافت؟ جواب - سوره الحجر آخرین آیه (۹۹ و ۱۰۰) فسبح بحمد ربک و کن من الساجدین و عبد ربک حتی یاتیک الیقین.

- ۱- تسبیح به حمد پروردگار
- ۲- قرار گرفتن در زمره" ساجدین
- ۳- عبادت رب.

در سه مطلب دست یافتن به یقین را خدا در قرآن خلاصه میکند.

اول - آغازی حرکتی تسبیحی در مقابل حمد پرورش دهنده" مطلق کائنات.

دوم - عدم تکبر و عدم قیام در برابر فرامین الله و جبین سائیدن بر آستان او که منوط به سر فرود نیاروند در مقابل غیر است.

سوم - قبول حاکمیت الله بطور کامل طوری که الله بر روح و جسم و مغز و فکر حکومت کند - آنگاه تو به یقین رسیدی. ارجعی الی ربک راضیه مرضیه.

آیا یقین آوردن در عالم آخرت (یوم عظیم) ثمری دارد؟

ابتکار عملهای سیاسی

من سند افشا شده بوسیله یکی از نمایندگان مسلمان بیرو خط امام در دانشگاه اصفهان ۵۹/۱۸ ساعت ۱۲/۵ (بالا از اقبال لاهوری)

سند سند: مهرداد ۵۸

ابتکار عملهای سیاسی اهمیت ایران برای عرب نیازی به تاکید ندارد کافست که بگوئیم که استقلال و نجات ایران برای ما بیش از هر چیز دیگر مهم است. البته کار ما که حمایت از منافع غرب در ایران است بی نهایت مشکل می - باشد. ما اکنون با دولتی مواهیم گسه بی تجربه بوده و به اهداف کمترین کارما ظنین است. منگوشد که به اهداف متضاد برسد، هم شرایط را به حالت عادی برگرداند و هم اهداف اسلامی که حالت گنگ دارد را بیاده کند. ایالات متحده دارای مشکلات ویژه‌ای است و این امر کار ما را پیچیده تر از بقیه متحدان میکند از هم کسختگی ارتباط نظامی ما جدی ترین مسئله‌ای است که باعث برخورد با حکومت اسلامی میشود. ایرانیان شدیداً" مظنون بوده ما و اسرائیل و مصر و عراق و کمونیستها را مشغول نوظئه میدانند.

- ۱ - سیاست دولت فعلی را تعدیل نموده و به گسترش کارهای عملی کمک کرده صلح را به پیش برده روابط اقتصادی را بهبود بخشیده.
- ۲ - در حفظ و تقویت عناصر مخصوص در ارتش، مذهبیهای میانه رو، و گروههای غیر مذهبی که قادرند نقش مهمی را در حکومت آینده بازی کنند اقدام کنیم.
- ۳ - جلب اعتماد رژیم در کاهش عکس العملهای خشن زیرا که این عکس العملها به نوبه خود ثبات را برهم خواهد زد.
- ۴ - واگذاری قطعات بزرگی شروع خرید مجدد قطعات بزرگی توسط ایرانیان. ایرانیان در تحویل گرفتن احساس کنند هستند.

- ۵ - فروش نفت سفید و نفت سیاه.
- ۶ - کوششهای مستمر جهت کمک به حل و فصل تجارت ایران.

کوششهای مستمر جهت خاتمه دادن به فروش اسلحه بنحوی که منافع ایران و آمریکا تامین شود.

ما مایلیم کمیسری در ایران منصوب کنیم ولی مزارات ایرانیان و مطبوعات جلوگیری میکنند. رهبران سیاسی مخصوص روحانیون در گفتگو با ما دلسردند.

- ۱ - تماس با خمینی: فکر میکنیم که ملاقات با او از طرف نمایندگان غرب مفید است بلکه باید خمینی را معتقد ساخت که غرب، انقلاب اسلامی را می پذیرد و برای جلوگیری از دخالت کمونیستها، دولت موقت احتیاج به پشتیبان دارد، هیچگونه فرقی نمیکند که کدام کشور اول پشتیبانی کند اما اگر فرانسه پشتیبانی کند بهترین کار است.

- ۲ - تماس با عراقیها، ایرانیها متقاعد شده‌اند که دولت عراق به کردها کمک میکند و احتمال آن می رود که اگر عراق مرزهای خود را کنترل کند کردها به سختی میتوانند شورش کنند. فرانسه و آلمان بطور جداگانه با عراق تماس بگیرند.
- ۳ - کمک به ارتش ایران ... اساساً اشکالی نخواهد داشت مادامی که از آمریکا و اروپا تجاوز نکند آزادی نخواهد داشت اما به جزئیاتی که خود تهیه کرده‌ام اجازه خواهیم داد.

- ۴ - تماس با مخالفان تبعیدی، ما باور نداریم که بختیار بتواند در نقش سیاسی ایران دخالت کند. ...
- ۵ - مشورتها با منظم - با متحدان در تماس دائم با ششم چهار دولت فوق نباید در یکجا حضور یابند. ۷۹/۱۰/۱۵

جواب قرآن منفی است آنگاه در عالم دنیا هیچ عنوان پند و موعظه و اندرز مندران را بگوش نمی گرفتند و خود را مغز متفکر و خیلی انقلابی میدانستند و با محق جلوه دادن خویش اراده" خلق ها را به بازی می گرفتند، حال در روز قیامت بعد از رویت منزلت حبسه ها و نیروها و مکان خویشتن هر چه میخواهند ایمان بیاورند و براسی قوانین الهی یقین بیاورند. فایده‌ای ندارد. اصلاً". رجوع شود به آیات ۴۴ تا ۵۱ سوره العنکب و سوره السجده آیات ۱۳ و ۱۴

در مقابل ایشان اشخاص و افرادی

بقیه در صفحه ۱۶

شفق سرخ ۹ رزمنده خلق

شبی از شبها:

**سحری داشت که خون
با سرودی که نمیرد و
نخواهد مرد
خاک را رنگین ساخت
و سحرها، همه، بعد از آن شب
خونین شد**

بديرا ند. او که در ۱۲ مهر ماه ۵۱ در محاصره یلیس فرار گرفت و پس از دستگیری مدتها در زیر وحشیانه ترین شکنجه های مزدوران رژیم و عمال ساواک قرار داشت، لحظه ای یاد خدا و خلق غافل نشد و با ایمان به پیروزی حق بر باطل رسالت الهی خویش را با شهادت به پایان رسانید "الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی باللحمسیبا" (احزاب - ۳۹)

رسالت های الهی تنها با پایداری کسانی تحقق می یابد که هیچ پروای

۳۰ فروردین ۵۴ دزخیان رژیم وابسته به امیرالیسم، ۹ فرزند رزمنده خلق را در نیه های اوین به آتش گلوله های امیرالیسم بستند. رژیم وابسته پهلوی در اوج دیکتاتوری خود، در این روز دست به جنایت زد که مظهر گویایی از وابستگی همجانیمش به امیرالیسم جهانخوار و ددمنشی و مزدوری آن شد. و تاریخ این روز را به قهرمانی و دلآوری فرزندان خلق و جنایت و خیانت و دزدانسانای رژیم پهلوی ثبت کرد.

۹ مبارز دلیر، کاظم ذوالانوار، مصطفی جوان خوشدل، بیزن جری، عباس سورگی، حسن ضیاء طریقی، غریب سمدی، سعید کلانتری، محمد جویان راد، احمد جلیل افشار، که مدت ها در زیر وحشیانه ترین فشارهای رژیم بسر بردند، سرانجام ناجوانمردانه بدست دزخیان تیرباران شدند. حماسه مقاومت آنان در تاریخ مبارزات پرشکوهِ خلق قهرمان و مبارز ما ثبت خواهد شد.

در میان ۹ رزمنده شجاع، مجاهد شهید کاظم ذوالانوار در سال ۱۳۲۶ در شهر شیراز در خانواده ای متوسط به دنیا آمد. زندگی خویش را در راه مکتب انسان- ساز اسلام گذاشت و در راه آرمان خلق، بیباخت و شهادت را با آگاهی و عشق

راستی!

همه میروند در این غوغا و هیاهوی مبارزه با امیرالیسم و قطع رابطه با آمریکا آقای وزیر خارجه در فرانسه به چه کار مشغول بودند آیا اخبار منسوخه دائر بر اینکه اقامت ایشان در خانه یکی از تجار و مذاکرات برای حل اختلاف! ایران و آمریکا که مورد ابراد دانشجویان قرار گرفته است صحبت دارد؟ راستی درست میگویند که در پوشش جنجال قطع رابطه و مبارزه ضد امیرالیستی و جنگ با عراق - مذاکرات سازش جریان دارد، و در اغتشاشات اخیر دانشگاهها و حملات به مراکز دانشجویی گفته شد مردم شرک داشته اند ولی ما که از نزدیک شاهد بودیم و دوستانمان که در شهرستانها شاهد بودند همه دیدند و دیدیم که جدا از یکدیگر نماناجی و کنجاو ویا حساس نسبت به قضایا- بینفراولی حملات را مشتاقان ناآگاه و جوب بدست برعهده داشته اند - آنچه در تهران و شهرهای نظیر شیراز گذشت براسی خجالت آور است راستی مردم آن میلیونها مردم انقلابی و آگاه همین ها هستند.

مردم و جوانان ما، می بینند بعد از یکسال که از پیروزی گذشته انقلابی انجام نگرفته و چیزی براسی عوض نشده است سرخورده و عصبانی هستند. بعضی از این خواستهاو تمایل عمومی خواستند بهره برداری کنند و در چارچوب یک تغییر و تحول رفرمیستی و حتی ارتجاعی محدود و مهارش سازند. بعضی دیگر که نه از این خودکامگی ها و بازیهای کودگانه بدشان می- آمد فن بهتری بکار بردند هم اغتشاش و حمله رانحکوم و هم گروهها را خلق ستاد! و با اینکار ضرب شستی هم به رفیق و هم به گروههاشان دادند. راستی کدام زرنگ ترند و بیچیده تر عمل میکنند و قدرت سازماندهی و حکومت کردن و قضا کردن قدرت دارند؟ با؟ شیراز و دانشگاه شیراز صحنه تهاجم گسترده بدانشجویان بود و صدها نفر زخمی و بسیاری بازداشت و زندانی شدند عده ای مردم را با ابراه از مغازه هایشان سوی دانشگاهها کشاندند - با جوب و جنای بجان دانشجویان ریختند و تیراندازی مداوم پاسداران هم مکرر را گرم تر کرد - اکنون زندانیان در اعتصاب غذا - خانواده های زندانیان متحصن جلوی زندان، شهردر آشوب و اغتشاش دانشگاه درهم ریخته و در اشغال! راستی این جوری انقلاب فرهنگی میکنند. و معنای انقلاب و تصفیه انقلابی همین است؟

بدین ها میگویند وقتی آمریکا در آزاد کردن گروگانها شکست خورد به توصیه سازشکاران داخلی - قطع رابطه کرد و شروع به تهدیدهای تو خالی نمود تا زمینه برای سازش بعدی فراهم شود. برای اینکه علیرغم این همه سرو صدا و جنجال و تبلیغات اخبار رسیده از آمریکا حاکی است، دانشجویان ایرانی اصلا "تحت فشار نیستند و تضعیقات تازه ای بوجود نیامده. در واردات از آمریکا محدودیت تازه ای اعمال نشده و همه تهدیدها تو خالی است در مقابل در ایران هم هیچ اقدامی عملی علیه منافع آمریکا و پایگاههای داخلی اش انجام نگرفته است و تنها شعار و حرف بخورد مردم داده میشود - تجاوزات عراق هم که قطعا "به تحریک امریکاست بموقع و بیجا مشکل مبارزه ضد امیرالیستی را حل کرده است و مردم درمراهی عراق خود را سرگرم مبارزه با امیرالیسم می بینند و مسئولین دولت هم در برابر مردم دستشان پر که داریم با امریکایی جنگیم و بالاتر از همه حالت فوق العاده جنگی بهانه خوبی برای اجرای خیلی برنامه ها بدست دولت- مردان داده است بدین ها میگویند راستی نباید گفت قطع رابطه و مبارزه ضد امیرالیستی هیاهوی بسیاری برای بدین سر انقلاب شده است.

مردم و جوانان ما، می بینند بعد از یکسال که از پیروزی گذشته انقلابی انجام نگرفته و چیزی براسی عوض نشده است سرخورده و عصبانی هستند. بعضی از این خواستهاو تمایل عمومی خواستند بهره برداری کنند و در چارچوب یک تغییر و تحول رفرمیستی و حتی ارتجاعی محدود و مهارش سازند. بعضی دیگر که نه از این خودکامگی ها و بازیهای کودگانه بدشان می- آمد فن بهتری بکار بردند هم اغتشاش و حمله رانحکوم و هم گروهها را خلق ستاد! و با اینکار ضرب شستی هم به رفیق و هم به گروههاشان دادند. راستی کدام زرنگ ترند و بیچیده تر عمل میکنند و قدرت سازماندهی و حکومت کردن و قضا کردن قدرت دارند؟ با؟ شیراز و دانشگاه شیراز صحنه تهاجم گسترده بدانشجویان بود و صدها نفر زخمی و بسیاری بازداشت و زندانی شدند عده ای مردم را با ابراه از مغازه هایشان سوی دانشگاهها کشاندند - با جوب و جنای بجان دانشجویان ریختند و تیراندازی مداوم پاسداران هم مکرر را گرم تر کرد - اکنون زندانیان در اعتصاب غذا - خانواده های زندانیان متحصن جلوی زندان، شهردر آشوب و اغتشاش دانشگاه درهم ریخته و در اشغال! راستی این جوری انقلاب فرهنگی میکنند. و معنای انقلاب و تصفیه انقلابی همین است؟

بدین ها میگویند وقتی آمریکا در آزاد کردن گروگانها شکست خورد به توصیه سازشکاران داخلی - قطع رابطه کرد و شروع به تهدیدهای تو خالی نمود تا زمینه برای سازش بعدی فراهم شود. برای اینکه علیرغم این همه سرو صدا و جنجال و تبلیغات اخبار رسیده از آمریکا حاکی است، دانشجویان ایرانی اصلا "تحت فشار نیستند و تضعیقات تازه ای بوجود نیامده. در واردات از آمریکا محدودیت تازه ای اعمال نشده و همه تهدیدها تو خالی است در مقابل در ایران هم هیچ اقدامی عملی علیه منافع آمریکا و پایگاههای داخلی اش انجام نگرفته است و تنها شعار و حرف بخورد مردم داده میشود - تجاوزات عراق هم که قطعا "به تحریک امریکاست بموقع و بیجا مشکل مبارزه ضد امیرالیستی را حل کرده است و مردم درمراهی عراق خود را سرگرم مبارزه با امیرالیسم می بینند و مسئولین دولت هم در برابر مردم دستشان پر که داریم با امریکایی جنگیم و بالاتر از همه حالت فوق العاده جنگی بهانه خوبی برای اجرای خیلی برنامه ها بدست دولت- مردان داده است بدین ها میگویند راستی نباید گفت قطع رابطه و مبارزه ضد امیرالیستی هیاهوی بسیاری برای بدین سر انقلاب شده است.

بدین ها میگویند وقتی آمریکا در آزاد کردن گروگانها شکست خورد به توصیه سازشکاران داخلی - قطع رابطه کرد و شروع به تهدیدهای تو خالی نمود تا زمینه برای سازش بعدی فراهم شود. برای اینکه علیرغم این همه سرو صدا و جنجال و تبلیغات اخبار رسیده از آمریکا حاکی است، دانشجویان ایرانی اصلا "تحت فشار نیستند و تضعیقات تازه ای بوجود نیامده. در واردات از آمریکا محدودیت تازه ای اعمال نشده و همه تهدیدها تو خالی است در مقابل در ایران هم هیچ اقدامی عملی علیه منافع آمریکا و پایگاههای داخلی اش انجام نگرفته است و تنها شعار و حرف بخورد مردم داده میشود - تجاوزات عراق هم که قطعا "به تحریک امریکاست بموقع و بیجا مشکل مبارزه ضد امیرالیستی را حل کرده است و مردم درمراهی عراق خود را سرگرم مبارزه با امیرالیسم می بینند و مسئولین دولت هم در برابر مردم دستشان پر که داریم با امریکایی جنگیم و بالاتر از همه حالت فوق العاده جنگی بهانه خوبی برای اجرای خیلی برنامه ها بدست دولت- مردان داده است بدین ها میگویند راستی نباید گفت قطع رابطه و مبارزه ضد امیرالیستی هیاهوی بسیاری برای بدین سر انقلاب شده است.

بدین ها میگویند وقتی آمریکا در آزاد کردن گروگانها شکست خورد به توصیه سازشکاران داخلی - قطع رابطه کرد و شروع به تهدیدهای تو خالی نمود تا زمینه برای سازش بعدی فراهم شود. برای اینکه علیرغم این همه سرو صدا و جنجال و تبلیغات اخبار رسیده از آمریکا حاکی است، دانشجویان ایرانی اصلا "تحت فشار نیستند و تضعیقات تازه ای بوجود نیامده. در واردات از آمریکا محدودیت تازه ای اعمال نشده و همه تهدیدها تو خالی است در مقابل در ایران هم هیچ اقدامی عملی علیه منافع آمریکا و پایگاههای داخلی اش انجام نگرفته است و تنها شعار و حرف بخورد مردم داده میشود - تجاوزات عراق هم که قطعا "به تحریک امریکاست بموقع و بیجا مشکل مبارزه ضد امیرالیستی را حل کرده است و مردم درمراهی عراق خود را سرگرم مبارزه با امیرالیسم می بینند و مسئولین دولت هم در برابر مردم دستشان پر که داریم با امریکایی جنگیم و بالاتر از همه حالت فوق العاده جنگی بهانه خوبی برای اجرای خیلی برنامه ها بدست دولت- مردان داده است بدین ها میگویند راستی نباید گفت قطع رابطه و مبارزه ضد امیرالیستی هیاهوی بسیاری برای بدین سر انقلاب شده است.

بدین ها میگویند وقتی آمریکا در آزاد کردن گروگانها شکست خورد به توصیه سازشکاران داخلی - قطع رابطه کرد و شروع به تهدیدهای تو خالی نمود تا زمینه برای سازش بعدی فراهم شود. برای اینکه علیرغم این همه سرو صدا و جنجال و تبلیغات اخبار رسیده از آمریکا حاکی است، دانشجویان ایرانی اصلا "تحت فشار نیستند و تضعیقات تازه ای بوجود نیامده. در واردات از آمریکا محدودیت تازه ای اعمال نشده و همه تهدیدها تو خالی است در مقابل در ایران هم هیچ اقدامی عملی علیه منافع آمریکا و پایگاههای داخلی اش انجام نگرفته است و تنها شعار و حرف بخورد مردم داده میشود - تجاوزات عراق هم که قطعا "به تحریک امریکاست بموقع و بیجا مشکل مبارزه ضد امیرالیستی را حل کرده است و مردم درمراهی عراق خود را سرگرم مبارزه با امیرالیسم می بینند و مسئولین دولت هم در برابر مردم دستشان پر که داریم با امریکایی جنگیم و بالاتر از همه حالت فوق العاده جنگی بهانه خوبی برای اجرای خیلی برنامه ها بدست دولت- مردان داده است بدین ها میگویند راستی نباید گفت قطع رابطه و مبارزه ضد امیرالیستی هیاهوی بسیاری برای بدین سر انقلاب شده است.

فاطمه قلب زنان محروم جهان

وفات فاطمه زهرا، الگوی زنان مسلمان جهان و مادری که میراث تربیت مکتبی او حسن، حسین و زینب و همه مجاهدان و شهیدان تاریخ اسلامند، زنی که خانه کوچکش مبدا خط سرخ شهادت شد، بهمه زنان و مردان پیرو راه او تسلیت می گوئیم. فاطمه دختر پیامبر در خانه وحی و "رسالت" پرورش یافت و از او ان کودکی با رنج و تلاش و مبارزه و سختی های یک زندگی انقلابی آشنا شد و تا وفاتش در بهار جوانی، لحظه ای از مبارزه علیه ظلم در جهت رهایی محرومین و مستضعفین باز نایستاد. زندگی کوتاه او الگویی است برای همه زنان و مردانی که در راه تکامل توحیدی انسان و برپایی نظام و جامعه توحیدی تلاش و مبارزه می کنند، نام فاطمه در زندگی او پیشی دائمی در تاریخ مبارزان و مبارزات توحیدی شد. راه او راه همه زنان و مردان محروم و بیباخته جهان است که برای رهایی انسان و برپایی انسانیت مبارزه می کنند.

انتشار یافت

در هفته گذشته، از جانب شورای انتشارات و تبلیغات جنبش مسلمانان مبارز، " آثار فرهنگی استکبار و استضعاف" بضمیمه یادبود محمد تخب و پدر طالقانی، و سخنرانی برادر دکتر پیمان انتشار یافت. همچنین امیرالیسم و شیوه های نفوذ و عملگرده آن " برای دانش آموزان، از جانب هواداران جنبش مسلمانان مبارز - اردبیل، و " لیبرالیسم" جاده صاف کز امیرالیسم از جانب، دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز دانشکده علوم اجتماعی دکتر شریعتی - دانشگاه تهران. و " لیبرالیسم" مجموعه مقالات از طرف دانشجویان و دانش آموزان هوادار جنبش مسلمانان مبارز است، انتشار یافت. برای تهیه انتشارات جنبش به آدرس خیابان بهار، نبش نامجو از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۷ مراجعه فرمائید.



پیروزی خلق زیمبابوه بنام خدا

پیروزی خلق زیمبابوه که با شهادت هزاران، هزار رزمنده دلیر در مبارزه مسلحانه علیه امیرالیسم و وابستگانش انجام پذیرفت، بیانگر علیه حق بر باطل است. جنبش مسلمانان مبارز، پیروزی خلق قهرمان زیمبابوه را در کسب استقلال بهمه رزمندگان و انقلابیون آن کشور تبریک و تهنیت می گوید و آنرا گامی در جهت نابودی امیرالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا، می شمارد.

جنبش مسلمانان مبارز ۵۹/۱/۳۰

بمناسبت اعلام استقلال زیمبابوه

بمناسبت اعلام استقلال زیمبابوه

آفریقا - آفریقا ... "آفریقا" ... اندیشام درباره توست درباره تویی که بنده اشغالگرانی ای سرزمین پرورش دهنده آزادگان من وتوهمصدا و همباز برای آزادی تو بیا خیزیم

آفریقا - آفریقا ... ای دوست ای نهالی که باخون رزمندگان و خون سیه قام تو که آبیاری میکند دشتها را مزرعه ها را خون عرق جبین تو رنج بردگی تو بردگی کودکان در زنجیر نهاده تو و توای آفریقایی که عمری در میان تبعیض نژادیها و آپارتایدها جان میدهی و خون میفشانی بدان که من سفید با تو سیاه فرقی ندارم من نیز انسانم و تو نیز مثل من بیا در یک صف آتیم صف مبارزه بر علیه غاصبان همه دست در دست یکدیگر نغمه آزادی سزدهیم " و برای آزادی تمامی در بندگشده " قیام کنیم - تا از برای آزادی بگیریم " ۵۸/۸/۳۱ بتدر انزلی - ح - ک

مردم و

بقیه از صفحه ۵

مشهد - برادر ع - س در باره رابطه دلار آمریکا و ریال در بحثی که تحت عنوان نفت ثروت ... در است شماره ۵۱ آمده است، مختصری توضیح داده شده که امیدواریم در آینده هم در این رابطه توضیحاتی داشته باشیم بامید آنکه با شناخت کامل ماهیت امیرالیسم و روابط و ضوابط امیرالیستی و سرمایه داری آماجگهای ضروری را برای نابودی و ریشه کنی امیرالیسم بدست آوریم.

مسجد سلیمان - لین ۱۳

برادران عزیز، شما که با گزارشی از وضع مسجد سلیمان سئوالهایی مطرح ساخته اید، بهتر است با دفتر هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اهواز تماس بگیرید.

اهواز - برادر عزیز، رمضان - ع

۱) برای اطلاع بیشتر از نظر قرآن در باره اصل تکامل، غیر از کتاب مذکور در نامتان درسهای آیت الله مشکینی در باره قرآن و تکامل را که مدتی است بصورت جزوای چاپ و منتشر شده است، توصیه می کنیم. ۲) اختلافات با جریان مزبور سوی تفاوتهایی در خط مشی سیاسی، در بعضی دیدگاهها در زمینه فلسفه و جهان بینی است که خود بخود در نظام ارزشها و معیارهای عمل بیشن تاثیر می گذارد که با ادامه مباحثات ایدئولوژی جنبش در امت و نشریات جداگانه بر علاقمندان بیشتر معلوم خواهد شد. ما بطور کلی این شیوه های غیراصولی را تأیید نمی کنیم و در سخنرانیهای - اصول کار سیاسی از دیدگاه مکتب - آنها را مورد استفاده قرار داده ایم.

یقین

بقیه از صفحه ۵ هستند که بیش آخرتی دارند و از همین دنیا و در همین مکان و زمان جهنم را (نتایج عملگردها را) می بینند کلا لوسو تعلمون علم الیقین لترون الجحیم - آیات ۷ و ۸ و ۹ تکاثر. پس برای رفتن و برای شروع هجرت باید از شک ها و دودلی ها و گشنگ های غیر خدائی رهایی دهیم و وقتی به حقانیت مبارزه مان و مکتب مان ایمان داریم باید یقین را سلاح خود کنیم. ما در گیر شدگان با جنبه های ضد توحیدی و غیر اصل در خارج و از داخل نیاز به آرامش قلب و اطمینان به راستی و پاکی راه و هدف داریم ما باید سلاح خویش برگزیم سلاح صبر، سلاح تقوی، سلاح ایمان، سلاح حلم و سلاح زهد و ... و اینها همه چیز را با یقین بدست خواهیم آورد.

اعلامیه توضیحی دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز

در رابطه با تعطیلی دانشگاهها

حرکت های اخیر در سطح دانشگاههای کشور خبر از یک تلاش گسترده در جهت تعطیل کشاندن دانشگاهها میدهد. این حرکتها زمانی تحقق میبذرد که انسجام و یکپارچگی و آگاهی همه مردم در برابر امیرالیسم شدیداً احساس میشود. در شرایط کنونی تمامی حرکتها باید در جهت مکتب و انقلاب باشد و به جنبشهای اصلی دانشجویی رشد و شکوفائی بخشد و افکار را آماده برای مبارزه با سلطان بزرگ آمریکا کند. هر گام که خلاف این حرکت کند و به کششها و اختلافات درونی و سندی تضادهای درون خلقی دامن بزند جز انحراف و کج روی نباشد.

و اینک با اعتقاد به اینکه مسئولین امور توانائی احاری طرحهای انقلابی را ندارند و عملگرده آنها بیشتر در جهت حفظ و تثبیت وضعیت نهادهای جامعه باهامان سیستم قبلی می باشد و این درحواصی که در آن انقلاب میشود موجب بکسری عکس العملهایی از جانب توده های مردم و روشنفکران انقلابی میگردد لذا آنها سعی میکنند با طرح و اجرای شعارهایی در قالب و فرم انقلابی و تبی از محتوای اصل مکتبی بر وضعیتهای خود بوش بگذارند و موقعیت خود را در میان توده ها تثبیت کنند لذا با توجه به مطالب فوق یادآور می شویم:

۱ - ضرورت تصفیه سازمانهای آموزشی و تغییر نظام تعلیماتی و در مجموع وجود یک انقلاب فرهنگی در تمام شئون مورد نائند ماست.

۲ - این اقدام حردر صلاحیت نیروهائی که دارای بنش مکتبی و انقلابی هستند نمی باشد.

۳ - سیستم و نظام موجود چنانکه تجربه بکمال و چند ماه گذشته نشان میدهد از انجام یک جنبش تحولی عاجز است.

۴ - اقداماتی که عده ای از دانشجویان در چند روز اخیر انجام داده اند و هدفشان را تصفیه دانشگاهها از گروههای سیاسی و تغییرات آموزشی اعلام کرده اند، ما اصالتی برایش قائل نیستیم و منطق بر ضوابط و مکتبی نمی شناسیم و آنرا محکوم به شکست میدانیم.

۵ - امر تصفیه دانشگاه و تغییر نظام آموزشی باید بوسیله شوراهائی متشکل از افراد و نمایندگان نیروهای مکتبی - انقلابی و بایک حرکت بوده ای انجام گیرد.

۶ - ماهیت جریاناتی که این جریان را رهبری میکنند نشان میدهد که این حرکت به موفقیت نمیرسد و شکست خواهد خورد و تنها دستاورد آن محدودیت عمل انقلابی و رشد جریانات انحصار طلبانه و دیکتاتوری خواهد بود.

۷ - حسن نیت توده های دانشجو و مردم که در این جریان شرکت میکنند نمی تواند سرنوشت این جریان را تغییر دهد. از برادران و خواهران دانشجو که صادقانه خواهان تغییرات مکتبی و نظام آموزشی و جایگزینی نظام اسلامی بجای نظام استعماری شاهنشاهی هستند می- خواهیم که مستولانه با این رسالت برخورد کرده و از درگیر شدن با جریاناتی که عواقب سوء آن به ضرر مکتب تمام خواهد شد پرهیز کنند.

دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز دانشگاههای تهران ۵۹/۱/۲۹

هفته نامه امت شماره ۵۳

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

لطفاً " وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۳۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید. متشکریم

توضیح: در امت شماره قبل (۵۲) مقاله ای تحت عنوان "یادی از دو کارگر قالیباف شهید" آمده بود. لازم بتذکر است که چهارمجاهد شهید نامبرده از اعضای گروه مهدویون بوده اند.

توضیح: در امت شماره قبل (۵۲) در مقاله "از اشغال لانه جاسوسی تا قطع رابطه با آمریکا" در ستون آخر آن بعلت اشتباه چاپی بجای پیام نوروزی امام، پیام توده ای امام آمده است که بدینوسیله تصحیح می شود.